

بامقدمه‌ای از استاد :

سید محمد حسینی بهشتی

اسلام در ژاپن

بضمیمهٔ یادداشتهائی از :

هند، تایلند و هنگ کنگ

نوشته :

مسیح مهاجری



کتاب :	اسلام در ژاپن
نویسنده :	مسیح مهاجری
چاپ و نشر :	دفتر نشر فرهنگ اسلامی
تعداد :	۱۰۰۰۰ نسخه
تنظیم :	برآبادی
تاریخ نشر :	آذر ۵۸

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمهٔ استاد
سید محمد حسینی بهشتی

اسلام آیین جهانی

اسلام، ازهمان آغاز دعوت، خودرا آیینی جهانی اعلام کردکه به همهٔ انسانها به‌صورت یك مجموعهٔ هم‌ارز می‌نگرد وهمه را، ازهر سرزمین ونژادی باشند، به‌سوی راه‌راست خدا (۱) دعوت می‌کند.

به‌عقیده‌ای سازنده وباوری بارورکننده وایمانی که به‌زندگی انسان معنی وهدف وجهت دهد، ایمان به خدای یگانه‌که خدای همهٔ مردم است، به جاودانه بودن انسان و مراحل تکامل یافته‌ای اززندگی‌که درپیش دارد.

به وحی وپیامی‌که خدابرای انسان برگزیده میفرستد تا راهبر خلق باشند.

وبه عمل صالح ونقش آن درساختن انسان وآیندهٔ او، عملی جهت‌دار وبرخاسته ازایمان عمیق اوبه هدف وراه، عملی درخور شخصیت انسانی او،

عملی متناسب باآهنگ «شدن» انسان، «انسان ایدال شدن» «خداگونه شدن»

۱ـ «واین است راه راست من، پیرو آن شوید وبه دنبال راههای دیگر مروید، مبادا شمارا ازراه او پراکنده سازد، این است سفارش او به شما، به‌این امید که تقوا پیشه کنید.»

آیهٔ ۱۵۳، سورهٔ انعام

عملی درجهت
عدل واحسان ،
عشق ومحبت وصفا ووفا نسبت به خدا وخلق، وخشم وقهر کینه نسبت به ضد انسانهای انسان‌نما که دشمن خدا وخلق‌اند،
وتنها چنین آیینی است که به‌حق می‌تواند آیینی جهانی باشد.

گسترش سریع اسلام

امروز کمتر محققی است که نداند عامل اصلی گسترش سریع اسلام درکمتر ازنیم قرن همین جهان بینی وسیع، همه‌سونگر، فطرت‌پسند وآزادیبخش آن بوده است، که به انسان باهمهٔ ابعاد وجودی ونیازهای معنوی ومادیش نگریسته وراهی دلپذیر برای «انسان زیستن» بررویش گشوده است .

اسلام درخاوردور

آیین انسان‌ساز وآزادیبخش قرآن به‌زودی به سوی شرق وغرب وشمال وجنوب راه گشود وبه‌سرعت به‌دورترین سرزمینهای باختری وخاوری عصر خودرسید وقلمرو اسلام به‌تدریج قسمتی ازکشور پهناور چین رانیز فراگرفت و دهها میلیون ازساکنان آن‌را مسلمانان تشکیل می‌دهند.

اسلام در ژاپن

بااین‌که قرنها ازنفوذ اسلام درچین، حتی کرانه‌های شرقی‌آن می‌گذرد وازسابقهٔ تاریخی اسلام درچین معلومات به‌نسبت فراوان وارزنده دراختیار داریم، درمورد پیوند مردم ژاپن بااسلام، سابقهٔ تاریخی این پیوند ووضع کنونی اسلام ومسلمین دراین کشور اطلاعات گسترده و مستندی دراختیار نداشتیم. اطلاعات مابیشتر همان بودکه مسافران، دانشجویان یابازرگانانی‌که به‌ژاپن آمدوشد داشتند با خود می‌آوردند. این دوستان غالبا اززمینهٔ مساعدی‌که در مردم ژاپن برای پذیرش اسلام دیده بودند سخن می‌گفتند.

به سوی ژاپن

سرانجام تصمیم گرفته شد یکی ازدوستان جوان و فعال برای کسب اطلاعات عینی ومستند وگسترده و جامع به‌ژاپن رود. تاازآنچه تاکنون درزمینه نشر دعوت اسلام در آن سرزمین انجام گرفته آگاهی جامع ومستندی به‌دست آید وزمینه کارهای بعدی باشد، به‌خصوص که درعصرما برای انسانهای متعهد ومسئول تشخیص وظیفه بارعایت‌اولویتها کار دشواری شده که قبل ازهرچیز به‌کسب آگاهیهای همه جانبه نیازمند است. برای این کار آقای مسیح مهاجری در نظر گرفته شدند.

آقای مهاجری یکی از فضلای پرتلاش وسخت‌کوش و مسئولیت پذیر حوزهٔ علمیهٔ قم هستندکه درسالهای اخیر ضمن یك همکاری علمی باایشان آشنایی و دوستی پیدا کرده‌ام.

گزارش به‌نسبت جامع ومستند ایشان ازسفر خود به هند، تایلند، هنگ‌کنگ وژاپن که اینك تقدیم خوانندگان می‌شود، خود گواهی است برتحرك وسخت‌کوشی ایشان .

دعوت عملی

درگزارش آقای مهاجری تکه‌های جالب فراوانست ، ولی جالبترین جنبه این‌گزارش این‌استکه ایشان دراین سفر عیاناً دریافته‌اند که شرط اصلی دعوت دیگران به‌اسلام این استکه لااقل دعوت کنندگان الگوی عملی اسلام باشند. این همان اصل بسیار مهم استکه درمتن دعوت اسلام، سخت روی آن تکیه شده است.

درقرآن کریم چنین آمده است :

«بدین ترتیب ماشمارا جامعه‌ای نمونه (دوراز افراطها وتفریطها) ساختیم، تاشما برای مردم حجت ونشانه باشید و پیامبر برشما... »

آیهٔ ۱۴۳ ـ سورهٔ بقره

وقتی غیرمسلمانی رابه اسلام دعوت می‌کنید، طبیعی است‌که ازشما دلیل وحجت مطالبه کند وبگوید ازکجا بدانم اسلام به‌راستی راه راست خداست ومسلمان شدن، یعنی به خوشبختی نزدیکتر شدن، ازظلمات وتاریکیها رستن و به نور وفروغ حق وعدل پیوستن.

بی‌شك مناسبترین دلیل وحجتی‌که می‌توان به اوارائه کرد نمونهٔ عملی نقش اسلام درسعادت آفرینی است، جامعهٔ نمونهٔ اسلام، یاگروه نمونه یالااقل انسان نمونهٔ اسلام.

قرآن کریم دراین زمینه چنین فرموده :

«بندگان خدای رحمان آنهایندکه... وآنهاکه گویند: خداوندا! همسران وفرزندان مارا مایهٔ روشنایی چشم ما قرار داده ومارا پیشگام وپیشوای صاحبان تقوا بساز.»

آیهٔ ۷٤ سورهٔ فرقان

ازامام صادق (ع) چنین روایت شده :

«دیگران راتبلیغ کنید، امانه با زبانهایتان، آنهاباید درشما تقوا، تلاشگری، نماز گزاردن وخوبی ببینند، این است دعوت مؤثر ..

اصول کافی، ج۲، ص ۷۸

دعوت زبانی وقلمی برای روشن کردن افکار دیگران لازم ومفید است، ولی نقش اصلی وایمان‌ساز ازآن «دعوت عملی» است که بهترین سند وپشتوانه برای ایجاد پـذیرش قلبی وپای‌بندی عملی دردیگران است.

از خدا بخواهیم و بکوشیم به‌عنوان یك مسلمان و مخصوصا به‌عنوان یك عالم ومبلغ اسلامی این چنین باشیم.

تهران، اول اردیبهشت ۱۳۵۷ هجری شمسی

سید محمد حسینی بهشتی

اسلام در ژاپن

نگاهی به هندوستان

اولین نگاه

وقتی برای اولین بار وارد دهلی نو پایتخت هند میشوی، چه چیز نظرت رابیش ازهرچیز دیگر به‌خود جلب می‌کند؟

بی‌تردید دیدها تفاوت دارند. ولی کسی‌که بـه کنجکاوی در زوایای زندگی مردم علاقه دارد، بیش ازهرچیز فقررا در پایتخت هند، این کشور پهناور وپرجمعیت، لمس می‌کند.

ساختمانهای شبه ویرانهٔ دوطرف خیابان فرودگاه بین‌المللـی دهلی نو، مردم پابرهنه‌ای‌که ازهرسو بادهن‌های باز تازه واردهارا باچشمهایشان دنبال می‌کنند، تاکسیهای سیاه قراضه، اتوبوس‌های کهنه، اتومبیل‌های شخصی ارزان قیمت، گاری‌های به‌اسب و گـاو بسته وبسیاری چیزهـای دیگر همه و همه نمایانگر فقـر مـردم هندوستانند.

دهلی قدیمی که به‌دهلی نو متصل است، خیلی‌بیشتر از دهلی‌نو ناداری مردم رابه‌رخ می‌کشد.

آگرا وبمبئی‌که اولی بناهای بزرك وپرشکوهی چون «تاج‌محل»

و «سکندرا» رادرخود جای داده است ودومی میراث‌دار تاریخ پرراز وفرهنگ پررمز سرزمین شگفتیهااست، ناداری اهالی خودرا با فریاد به‌گوشها فرو می‌کنند.

درخیابانهای این شهرها، مغازه‌دارهای هندی بی‌اندازه سمج هستند. تاچیزی به‌آدم نفروشند دست‌بردار نیستند. کودکان قدو نیم‌قد با لباسهای پاره‌پاره وصورتهای خشکیده ولبهای ترک‌خورده وگردنهای کج دست بسوی تو دراز می‌کنند وتاچیزی به‌آنها ندهی رهایت نمی‌کنند. دردهلی نوبه‌یکی ازآنها چیزی دادم. دیگری به دنبالم راه افتاد. مخصوصاً به‌او چیزی ندادم تاببینم چقدر دنبالم می‌آید. حدود یك کیلومتر بامن آمد. وقتی دید چیزی به‌او نمیدهم چندبار خم شد ودستهایش رابه پایم کشید وبرسروصورت خودش گذاشت وباالتماس ازمن درخواست کمك کرد. آنقدر دلم به‌حال او سوخت‌که خودم راسخت ملامت کردم ودرحالیکه مطمئن بودم رهایم نمی‌کند، پولی هم به‌او دادم.

وقتی تاکسیها پشت چراغ قرمز چهارراهها می‌ایستند، بچه گداها مسافرین خارجی رادوره می‌کنند. مگر چراغ سبز نجاتشان دهد والا چاره‌ای جز تسلیم ندارند. در بمبئی هنگامیکه درکناریك خیابان منتظر تاکسی بودم، چشمم به‌چندزن فقیر افتاد. آخرین سکه‌های هندی راکه ته‌جیبم مانده بودند به‌آنها دادم وخوشحال از کار خیری‌که کرده بودم منتظر تاکسی شدم. اما نمیدانید بااین کار چه دردسری برای خودم درست کردم. هنوز اولین نفس راحت را بعداز این کارخیر نکشیده بودم که خودم رادر محاصرهٔ گروهی زن وکودك فقیر باپاهای برهنه ولباسهای پاره پاره دیدم. بااینکه در آنجاها خیلی زودتر ازتهران می‌شود تاکسی گیر آورد، چنددقیقه‌ای طول کشید تایك تاکسی پیداکنم واز محاصره انسانهائی که ازهر جهت مثل خودم وهمهٔ انسانهای دیگر بودند ولی شکمهایشان‌گرسنه

بود، درآیم. درآن چنددقیقه هر چندباچشمهایم در جستجوی تاکسی بودم، ولی درقلبم به‌کارنامهٔ سیاه دشمنان انسان که گوشه‌ای ازآنرا پیش رویم میدیدم گریه میکردم.

درکنار این آدمهای ژنده‌پوش و نادار، کسانی راهم دیدم که مثل «اوناسیس» میپوشیدند ومثل شیخ‌های عرب خوش میگذراندند. درکنار ساختمانهای زوار دررفته ونیمه ویران، تك‌وتوك کاخهای سرخ وسفید هم دیدم که چون وصله‌هائی بودند ناجور بر جامهٔ چروك خورده ورنگ‌ورو رفتهٔ مردم هند. پدربی‌عدالتی اقتصادی بسوزد که هرجا میروی هست و گویا قصد ندارد بچه‌های آدم و حوا را رها کند!

کنجکاوی در زوایای روح مردم هند

مردمی‌که درفقر وناداری بسر می‌برند، در انتظار چه چیز می‌توانند باشند؟ پول ودیگر هیچ!

ازیك «سیك» که رانندهٔ تاکسی‌بود پرسیدم: بازندگی چطوری؟ گفت: میانه‌ای ندارم. پرسیدم: چرا؟ گفت: چون پول ندارم. گفتم: فکر میکنی زندگی فقط پول است؟ گفت: اگر پول داشتم غذای خوب میخوردم، خوب میپوشیدم، اززندگی لذت میبردم ومثل شما به‌کشورهای دیگر سفر میکردم. درماه فقط ۵۰۰ روپیه حقوق میگیرم. شش ماه است که ازدواج کرده‌ام. زنم رادر بمبئی‌گذاشته وآمده‌ام اینجا یك لقمه نان پیداکنم. بااین وضع چطور میتوانم از زندگی راضی باشم؟

درخیابان سوم پارلمان دردهلی نو، جوانی سرراهم سبز شد و دفتری درآوردکه مشخصاتم رادرآن بنویسم و امضاء کنم. فکر کردم خوشش می‌آید نام وامضاء توریست‌هارا داشته باشد، مثل آنهاکه خوششان می‌آید کلکسیونی ازانواع واقسام پیپ‌ها وکوزه

شکسته‌ها داشته باشند، یاآنهاکه آفتابه لگن‌های جورووواجوررا از زمان بوق علیشاه تابحال جمع کرده‌اند. بهرحال چه میشود کرد ؟ اینهم نوعی جنون است.

امضاء کردم ووقتی خواستم راه بیافتم گفت: حـالا لطفاً ده روپیه بدهید! شاخ‌درآوردم‌وتازه فهمیدم این‌خیلی ازکلکسیونرهای ماعاقل‌تر است. خیلی ازخارجیهارا درهند وکشورهای دیگر دیدم که به اینها پول میدادند، ولی من به‌این پدیده که برایم خیلـی نوظهور بود گفتم: راستش رابخواهی من ازاین پولها ندارم. خدا روزیت راجای دیگر حواله کند. خدا حافظ .

درمسجد جامع دهلی پیرمردی رادیدم که خودرا شیعه معرفی میکرد. نمیدانم واقعاً شیعه بود یاچون فهمیده بود من ایرانی‌هستم مصلحت دراین دیده بودکه بامن هم‌مذهب‌باشد واگرمثلا گفته بودم از عربستان سعودی آمده‌ام فوراً سنی میشد! او قسمت‌های مختلف مسجد رابمن نشان داد. وتوضیحات مفیدی هم داد. وقتی‌میخواستم خداحافظی کنم التماس دعا داشت. یادم نیست چند روپیه بـه او دادم. گفت: کم است. گفتم انشاء الله خدا زیادکند.

در همان مسجد پیرمرد دیگری در اطاقکی در گوشه مسجد چند قرآن که میگفت بخط ائمه (ع) هستند، وسنگی‌که جای پائی درآن بود ومیگفت جای پای حضرت رسول اکرم (ص) است. وتارموئی که در شیشه‌ای بود ومیگفت موی پیامبر اکرم (ص) است‌بمن‌نشان داد وبدون اینکه به‌این سئوال من‌که اینها چطـور ازمسجد جامع دهلی سردرآوردند جوابی‌بدهد دستمزدش راازمن میخواست.

دراماکن تاریخی وبناهای قدیمی شهرهای هند، وقتی یك‌هندی برای راهنمائی نیمساعت وقتش رادر اختیارت میگذارد، اگر در آخر دوروپیه کف دستش بگذاری شادی‌کنان تشکر می‌کند واز تو جدا میشود.

اینها همه طفیلی‌های غول‌وحشتناك فقر هستندکه برسرمردم هند سایه افکنده است. وجود معابد ومساجد وبناهای تاریخی دیگر دردهلی وآگرا سبب شده است بسیاری از جوانها بجای اینکه بدنبال کاری بروند، دوروبر توریست‌ها بپلکند و بهرطریق که میشود آنهارا سرکیسه کنند وازاین رهگذر روزگار بگذرانند. آنها برای گرفتن چند روپیه بارها تعظیمت می‌کنند وچپ و راست قربان صدقه‌ات میروند. نمیدانم شاید تقصیر بناهای تاریخی نباشد و تقصیر دولت‌هند باشدکه برای این بیچاره‌ها کاری دست‌وپانمیکند.

این وضع مردم عادی است. اما وقتی با تحصیلکرده هاشان می‌نشینی می‌بینی آنها بادید دیگری به‌دنیا مینگرند. یك دانشجوی دانشگاه اسلامی دهلی نو درپاسخ این پرسش من‌که: زندگی را چگونه یافته است، گفت: «خوب ولذت‌بخش. چون شمعی‌که‌میسوزد وخواه‌وناخواه تمام میشود ولی همواره درنور وروشنائی بسرمیبرد واطراف خودرا روشن می‌کند.» وقتی اوضاع کشورش رابااو در میان گذاشتم ونظرش رادراین‌باره جویا شدم، گفت: «آرزویم این است‌که روزی بجائی برسم وبه‌همنوعانم وبخصوص به مسلمانهای هند کمك‌کنم وبه‌آنها سروسامانی بدهم.»

درفرودگاه دهلی نو بایك افسر غیرمسلمان پاکستانی‌الاصل، که اکنون تابع هند است ودر فرودگاه بمبئی خدمت می‌کند، آشنا شدم وتافرودگاه بمبئی باهم بودیم. اوهم به زندگی خوشبین بود وازدنیا شکایتی نداشت.

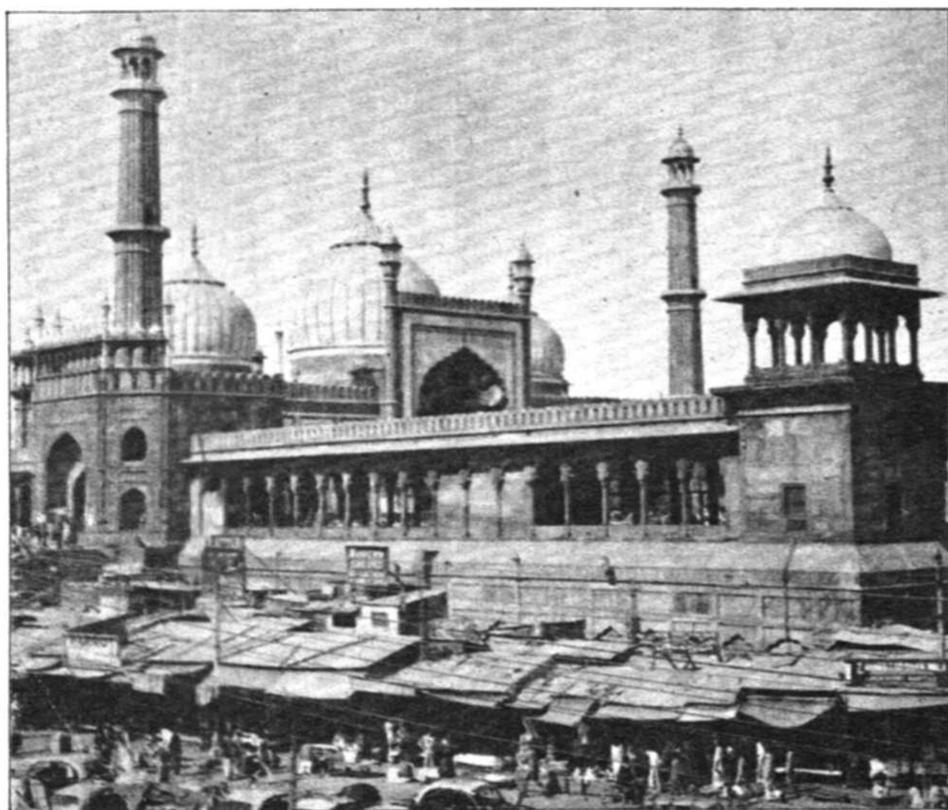
بنظرشما این رامی‌توان فرق میان تحصیل‌کرده‌ها و تحصیل‌نکرده‌ها گذاشت یافرق میان گروه مرفه وگروه نادار؟ کدامیك؟

درچهارمین روز اقامتم دردهلی نو، در روزنامه «هندوستان تایمز» خواندم که دوجوان دردو مشاجرۀ جداگانه برسر ۷ روپیه درقمار کشته شدند. در همان روزنامه یك آگهی چاپ شده بود که

درآن یك هندی آمادگی خودرا برای پرداخت پول معالجهٔ یك حیوان هرقدر هم که باشد اعلام کرده بود. این‌دو را باهم‌مقایسه کنید و ببینیدکه: هرکجا میروی آسمان همین رنگ است.

اسلام در هند

«تاج محل» و «سکندرا» و «دژ آگرا» را دیده‌اید؟ مسجد جامع دهلی و «دژ سرخ» و «نظام‌الدین» و «منارقطب» راچطور ؟

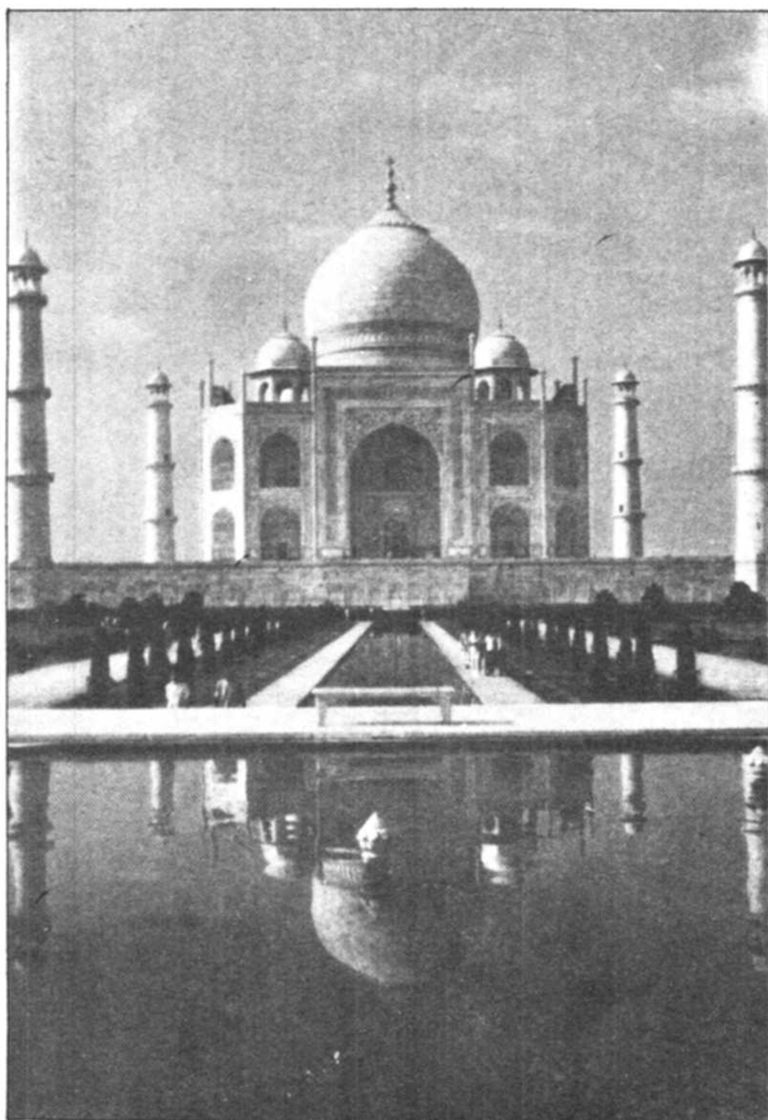


مسجد جامع دهلی

من وقتی‌این بناهای پرشکوه رادیدم، ازیکسو به‌نیروی‌عظیمی که مسلمانان هند درگذشته داشتند اندیشیدم واز سوی دیگر بـه این نکته‌که چگونه شد این مسلمانان چنین نیروی عظیمی را در

جهت گسترش اسلام و یا لااقل حفظ. وابقاء خودشان وتسلطشان براین بخش بزرگ از آسیا بکار نگرفتند ؟ همینطور به شباهت فراوانی که ازاین جهت میان سرگذشت مسلمانان هند و اندلس وجود دارد .

این بناها هرکدام دهها هزار متر زمین رااشغال کرده‌اند و دهها کتیبهٔ سنگ نوشته وصدها تن مرمر رابرسینه دارند و ازهمه



بنای معروف
((تاج‌محل))
در شهر ((آگرا))

مهمتر اینکه زیبائیهائی را آفریده‌اند که چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کنند. اینهارا چه‌کسی ساخته است؟ شاه جهان و اکبر شاه و دیگر شاهان مغول؟ یا نیروی عظمت مسلمانان در هند؟

نمیخواهم این ساختمانهارا نشانهٔ عظمت اسلام درهند بدانم. اما تردیدی نیست‌که اینهانشانهٔ نیروی عظیمی هستندکه مسلمانان هند دراختیار داشتند و بکمك‌آن چنین شگفتیهائی رابوجود آوردند.

اکنون وقتی به دیدار این اماکن میروی از اسلام فقط ساختمان می‌بینی وگاهگاهی کلمهٔ «اسلام» که ازدهان «سیك»هاو «هندو»های نگهبان و یا راهنمایان تورها بیرون می‌آید بگوشت میخورد. ازاسلام فقط همین ساختمانها مانده‌اند که البته وسیلهٔ خوبی هستند برای ادارهٔ آثار باستانی وتاریخی هند تاازاین‌رهگذر به‌نان ونوائی برسد!

آنچه درخور تأمل است، اینست‌که مسلمانان هند چگونه آن عظمت راازکف دادند؟ تاریخ قرنها حکومت مسلمانان برشبه‌قاره هند را بخوانید و بامشاهدهٔ آنچه در حال حاضر از آنها باقی مانده است به این پرسش پاسخ بدهید.

برخی ازمحققان و صاحبنظران مابه این پرسش این چنین پاسخ میدهندکه: وضع کنونی معلول همان وضع گذشته است، عظمت اسلام رادر ساختمانهای پرشکوه نشان دادن، نه در انسانهای ساخت اسلام وعدالت اجتماعی واقتصادی که بخشی از ره‌آوردهای اسلام بود. اگر اسلام آئین کسری وقیصر بود این ساختمانها می‌توانستند نشانهٔ عظمتش باشند. این ساختمانهابیش ازآن‌که نشانهٔ عظمت اسلام باشند، نشانهٔ انحراف از مسیر انسان سازی وجامعه سازی این آئین پرنور الهی هستند.

مسلمانان هند

وقت زیادی لازم است تاانسان بتواند همه مناطق مسلمان ـ نشین هندرا سرکشی کند و بیش ازهشتاد میلیون مسلمان‌آن‌کشور رازیرنظر بگیرد وآنگاه ازآنها سخن بگوید. ولی ازآنجاکه‌گفته‌اند: «مشت نمونه خروار است» وقتی انسان وضع مسلمانان دو سه شهر هند آنهم شهرهای مهمی چون دهلی‌وآگرا و بمبئی رامی‌بیند، می‌تواند دورنمائی ازوضع عمومی آنهارا بدست بدهد.

در دهلی وآگرا دراطراف مسجد جـامع وتاج محـل می شود مسلمانها رادید. اینها محله‌های مسلمان نشین هستند. میخواهید بدانید کثیف‌ترین محله‌های این شهرها کدام محله هـا هستند؟ راستش را بخواهید همین محله‌ها. کـوچهٔ جهودهارا در خیابـان سیروس تهران دیده‌اید؟ محله‌های مسلمان نشین شهرهای یادشدهٔ هند هم همانطورند. صحرای منا و اطراف مسجدالحرام را در روزـ های آخر مراسم حج دیده‌اید؟ دیده‌ایدکه حاجیهای عرب وآفریقائی همان یك‌متر جائی را که بساطشان در آن‌پهن است هم مأکل خود قرار میدهند وهم مزبل وهـم معبد؟ اینها هـم عیناً همانطورند. رستورانهای اسلامی اطراف مسجد جامع دهلی و دژ آگرا ومسجد جامع بمبئی‌هم دست‌کمی ازقهوه‌خانه‌های بین‌راه مکه ومدینه ندارند. تنها محلهٔ مسلمان‌نشین پایتخت هند که دیدم تمیز است، محلـه‌ای است بنام «جامیاناگار» که دانشگاه اسلامی دهلی‌نو درآن قراردارد.

ازاینها که بگذریم، خلوتی مساجد، بی‌نقش بـودن تعـالیم حیاتبخش اسلام درزندگی روزمرهٔ مسلمانان و بی‌نقش بودن آنهادر ادارهٔ امور کشور وازهمه مهمتر برادرکشی‌هائی کـه در سالهای

اخیر گریبانگیر آنها شده است. واقعیتهائی هستندکه متأسفانه برجامعهٔ اسلامی هند حکومت می‌کنند وهر مسلمان ژرف نگری را تکان می‌دهند.

این دورنمائی است از وضع مسلمانان هند. وضعی که نتیجهٔ مستقیم انحراف آنان دردوران شاهان مغول هند ازمسیر انسان ـ سازی اسلام است: «عظمت اسلام رادر ساختمانهای پرشکوه نشان دادن نه درانسانهای ساخت اسلام وعدالت اجتماعی واقتصادی‌که بخشی ازره‌آوردهای اسلام بود».

دانشگاه اسلامی دهلی نو

دریکی ازرزهای اقامتم دردهلی نو، یك آگهی در روزنامهٔ «هندوستان تایمز» دیدم‌که مربوط بدانشگاه اسلامی دهلی نو بود.

دردیداری که ازاین دانشگاه داشتم، باپرفسور مشیرالحق‌آشنا شدم وباا‌وکه استاد دانشگاه مزبور و مدیر مجلهٔ انگلیسی زبان Islam and the Modern Age (اسلام و عصر جدید) میباشد به گفتگو نشستم. بگفتهٔ آقای مشیرالحق، دانشگاه اسلامی دهلی نو درسال ۱۹۲۰ بصورت وابسته به دانشگاه علیگره تاسیس شد واز سال ۱۹۳۰ مستقلا بکار خود ادامه داد. این دانشگاه مجموعه‌ای استکه درخود کلیهٔ مراحل تحصیلی رادارد ودانشجویان مسلمان هند وبرخی کشورهای اسلامی دررشته‌های: علوم اسلامی، تاریخ، جغرافیا، علوم سیاسی، اقتصاد، علوم ریاضی، علوم تجربی و زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی وهندو به تحصیل دراین‌دانشگاه اشتغال دارند.

دانشگاه اسلامی دهلی نو در محلهٔ «جامیاناگار» در زمینی وسیع بناشده وعلاوه برساختمانهائی که مخصوص کلاسهای درس وادارات دانشگاه هستند، دارای یك مسجد و یك کتابخانه نیز

میباشد. کتابخانهٔ این دانشگاه درحدود یك میلیون کتاب به‌زبانهای اردو، عربی، فارسی، انگلیسی و هندو دارد که مورد استفاده دانشجویان وپژوهشگران قرار میگیرند.

درقسمتی ازمحوطهٔ دانشگاه، مقبره دکتر ذاکر حسین رئیس جمهور اسبق هند قرار داردکه مشتمل بریك موزه و یك اطاق مخصوص وسایل شخصی و لوازم دفتر کار او در زمان ریاست جمهوری میباشد. قبر دکتر ذاکرحسین هرچند ازنظر عظمت به آنچه برای «نهرو» در «شانتی بان» و «گاندی» در «راج گاهات» در مرزبین دهلی ودهلی‌نو ساخته‌اند نمیرسد، اما آیات قرآنی‌ی که برسنگ قبراو نوشته شده‌اند وهمچنین ویژگیهای اسلامی‌ی‌که در مجموعهٔ بنای یادبود او بچشم میخورند برای هر مسلمانی یادآور معنویتی فراموش ناشدنی میباشند.

ادیان دیگر در هند

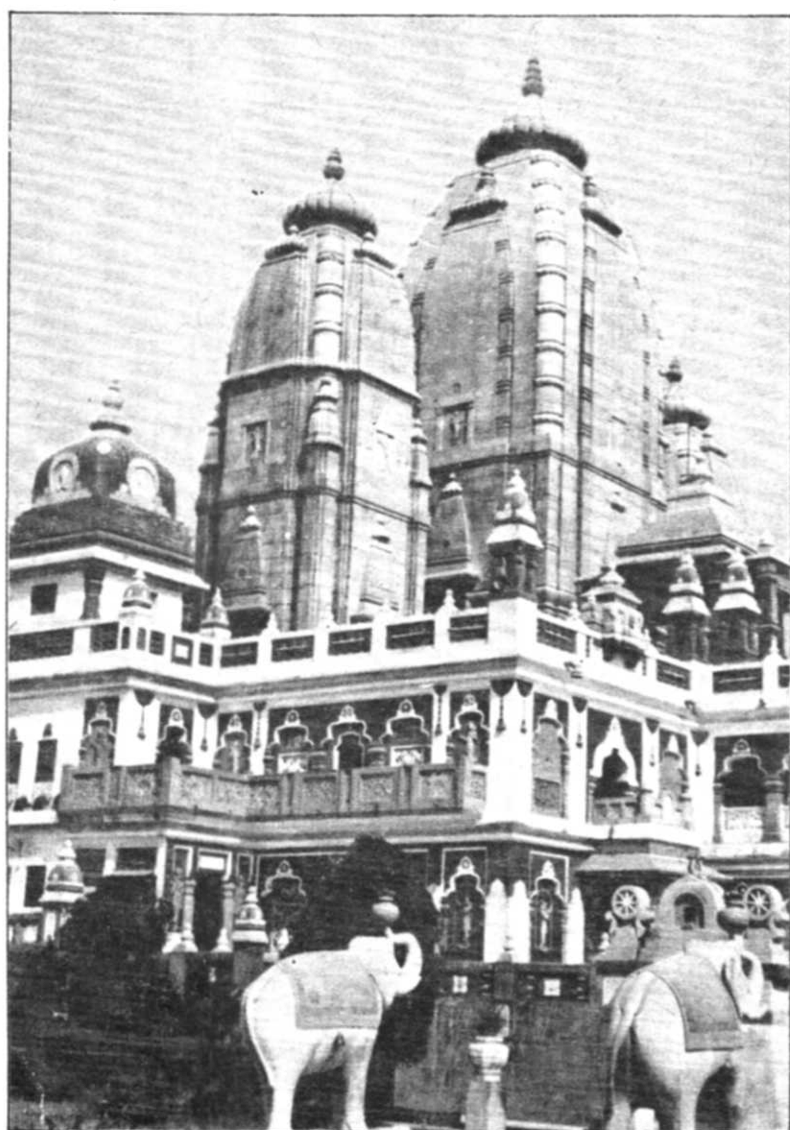
هندوستان کشور شگفتی‌ها است. معابد ومساجد ، دژها و قصرها، جنگل‌های انبوه ، حیوانات عجیب و بالاخره آئین های گوناگون چیز هائی هستند که در این سرزمین پهناور شگفتی می‌آفرینند .

علاوه براسلام،آئین‌های «هندو»، «بودائی» و«سیك»آئین‌هائی هستندکه درهند پیروان فراوان دارند.

دردهلی نو، علاوه بربناهای اسلامی، ازچند معبد سیك وهندو ویك کلیسا نیز دیدن کردم. درکلیسا مراسم ازدواج برپا بود ودر معابد سیك وهندو روحانیون مشغول عبادت بودند و مردم دسته دسته به این اماکن رفت‌وآمد میکردند.

معابد سیك‌ها وهندوها به‌همان عظمت و شکوهند که مساجد مسلمانان. بااین تفاوت که مساجد متروکند ومعابد معمور! در

معابد هندو مجسمه‌هائی ازخدایان نصب کرده‌اند ودرپای آنهـا عبادت می‌کنند. درمعابد سیك‌ها ازمجسمه خبری نیست ولی بجـای آن چیزهائی شبیه گهواره وجود داردکه روحانیون درکنار آنها دف وچنگ‌زنان سرودهای مذهبی میخوانند وبلندگوها آنرا در فضای داخل وخارج معبد پخش میکنند.



معبد بیرلا - دهلی‌نو

وقتی‌کسی وارد معبد سیك‌ها می‌شود ، حتماً باید سرش را بپوشاند هرچند سیك نباشد. خود سیك‌ها باید همیشه سر خود را بپوشانند، موی سروریش را نتراشند و یك حلقهٔ فلزی بدست‌کنند.

وجه مشترك میان معابد هندوها وسیك‌ها ومساجد مسلمانان، علاوه براینکه همه باعظمتند وپرشکوه، اینست که در همهٔ آنها صندوقهای اعانه، اولین چیزهائی هستند که بچشم میخورند، یعنی همهٔ آنها مکانهائی هستند برای گدائی آبرومندانه !

اسلام در تایلند

شناسائی عمومی تایلند
اوضاع مسلمانان تایلند
مرکز اسلامی بانکوك و فعالیت‌های اسلامی در تایلند
شیعیان تایلند
در معابد بودائیگری چه‌خبر است ؟

شناسائی عمومی تایلند

تایلند یا «سیام» که ازجنوب به مالزیا وخلیج سیام، از غرب به‌کامبوج ولائوس، ازشمال به‌لائوس وبرمه واز شرق بـه خلیج بنگال متصل است، ۵۱۸۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. هـوای تایلند معتدل است وباران چیزی است‌که مردم ایـن کشور روزی حداقل یکبار باآن وعده ملاقات دارند. بهمین جهت است‌که دراین کشور همه‌جا سرسبز است وگیاهان خودرو ازهرگوشه وکنار برای تماشای تلاش بی‌امان انسانها سرك میکشند وبه میان تهی بودن این جان‌کندنها نیشخند می‌زنند.

بموجب سرشماری سال ۱۹۷۵ تایلند درحدود ۴۲میلیون نفر جمعیت دارد که بیشترشان بودائی هستند. براساس آمار یاد شده سه‌دهم درصد از مردم تایلند مسیحی و ۱٫۶۰۶٫۵۰۰ نفر از آنـان مسلمان میباشند.(۱) ولی بموجب اظهارات مسلمانان مطلع‌تایلند،

۱ـ کتاب «اسلام در کشورتایلند» منتشر شده از سوی وزارت خارجه تـایلند در سال ۱۹۷۶ .

وقتی ازقایق بیرون می‌آئی ودرخیابان به‌راه میافتی، همان راهنما خیابان بزرك وساختمان عظیمی رانشانت میدهد وتوضیح میدهدکه: این خیابان وهمهٔ ساختمانهایش مال شاه ماست، شاه ما خیلی ثروتمند است.

یك پارك بزرك جنگل مانند رادر انتهای این خیابان می بینی که قصرهای زیبایش چشمهایت رابه دنبال خود میکشند. پیش از آنکه چیزی بپرسی راهنما می‌گوید: اینها قصرهای اعضاء خاندان سلطنت هستند. هرچه دراینجا می بینید همه مال آنهااست.

اینهارا کنار هم میگذاری می بینی چیز عجیبی ازآب درمی‌آید. کدامش درست است؟ پدر بی‌عدالتی اقتصادی بسوزد.

اوضاع مسلمانان تایلند

اسلام، دراواخر قرن دوازدهم واوائل قرن سیزدهم میلادی توسط مالیزیائیها وهمچنین تجار هندی وعرب به تایلند واردشده و در جنوب این کشور بعلت مجاورت با مالیزیا که یك کشور اسلامی است بسرعت گسترش یافته است. مسلمانان تایلند بیشترشان درجنوب زندگی میکنند وبگفتهٔ مسئولین مرکز اسلامی بانکوك ۸۵ درصد مردم جنوب این کشور مسلمانند.

دربانکوك پایتخت تایلند، بیش از ۲۰۰ هزارنفر مسلمان وجود دارد. بانکوك ۱۳۰ مدرسه اسلامی و۱۳۰ مسجد دارد. تعدادمساجد درسراسر تایلند ازرقم ۲۰۰۰ متجاوز است.

درمدارس اسلامی تایلند، علاوه بردروس معمولی، قرآن و حدیث واحکام وزبان عربی تدریس میشوند. برخی ازاین مدارس مخصوص پرورش مبلغ می‌باشند. استادان این مدارس تایلندیهائی هستندکه ازدانشگاههای اسلامی کشورهای عربی، ازجمله دانشگاه الازهر مصر، فارغ‌التحصیل شده‌اند. علاوه براین افراد، تعدادی

تعداد مسلمانان آن کشور بیش از ٤ میلیون نفر است.

مردم تایلند. ازخودصنایع سهمی ندارند ومانند بیشتر ملتهای آسیا مصرف کنندگان فرآورده‌های غرب هستند. تمدن مغرب زمین دراعماق جانشان نفوذ کرده ومظاهر آنرا می‌توان درلباس، مسکن، مغازه‌ها ورفتارشان بخوبی یافت.

فقر درتایلند بیداد می‌کند. وقتی سوار قایق می‌شوی تا از «فلوتینگ مارکت» یا «بازار شناور» بانکوك دیدن کنی، دردوطرف کانال آبی اطاقکهای چوبی بی‌درو پیکری رامی‌بینی که بانکوکی‌ها درآنها زندگی میکنند. پایه‌های این اطاقکها در داخل آب قرار دارندو آب زیر آنها حمام صاحبانشان هستند. مردمی‌که در این اطاقکها زندگی میکنند بیشترشان یك پیراهن سرتاسری به‌تن دارند وبرخی ازآنها یك شلوار ویك بالاپوش کهنه.

بعضی‌ها خانه‌های شناور دارند. یعنی یك قایق پاروئی خانه آنهاست وهمیشه روی آب شناورند. این قایقها وآن اطاقکها، هم خانه این دسته ازمردم بانکوك هستند وهم مغازه‌شان.

گاهی دخترك تایلندی رامی‌بینی‌که تازیرچانه به زیرآب رفته ودارد دندانهایش رامسواك میکند. و گاهی پیرزن بانکوکی را می‌بینی که به‌تنهائی یك قایق کوچك رامیراند ودرآن مقداری سبزی ومیوه ریخته است تابفروشد ولقمه نانی بدست آورد.

راهنمای تور. توضیح میدهد که اینها دراثر ناداری در این شرایط زندگی می‌کنند. همزمان باشنیدن این سخنان ودیدن آن مناظر رقت‌بار، چشمت به‌دنبال یك کاخ زیبا راه می‌افتد وآنرا آنقدر شکوهمند می‌یابدکه نمی‌خواهد ازآن دل بکند. راهنمالحن دلسوزانه‌اش راعوض می‌کند وهمراه بالبخندی که خوب پیدااست حرفه‌ای است تعریف می‌کندکه این کاخ سابق شاه است که اکنون به موزه تبدیل شده است.

از فرستادگان کشورهای عربی ازجمله مصر نیز دراین مدارس به تدریس اشتغال دارند.

مسلمانان تایلند عموما شافعی مذهبند. اسلام هرچند دربرخی ازروحیات آنها متجلی است، اما نقشی‌که لازم‌است در زندگیشان داشته‌باشد بچشم نمیخورد. بنظر میرسد این امرمعلول نارسائیهائی است که درزمینهٔ تبلیغات اسلامی درتایلند وجود دارد. بخصوص‌که مجاورت این‌کشور بابرخی‌کشورهای دست چپی ودرشرائط کشندهٔ بی‌عدالتی اقتصادی حاکم برآن نیز زمینه را برای گرایش به‌چپ فراهم ساخته است. درچنین شرایطی هرچند زبانه‌های هرآتشی‌که شعله‌ور شود ابتدا دامنگیر کسانی خواهد شدکه این بی‌عدالتی اقتصادی رابوجود آورده‌اند، ولی دراین میان معلوم نیست چه سرنوشتی درانتظار مسلمانان خواهد بود.

مرکز اسلامی بانکوك و فعالیت‌های اسلامی در تایلند

مرکز اسلامی بانکوك‌که درمحلهٔ «بنگراك» شهر بانکوك قرار دارد، زیرنظر آقای اسماعیل‌بن یحیی معروف به شیخ‌الاسلام، عهده‌دار امور مسلمانان تایلند می‌باشد. شیخ‌الاسلام که پیرمردی است باحدود ۹۰سال سن، بسختی می‌تواند به‌برخی ازمسئولیتهایش عمل کند. بهمین جهت، درحال حاضر ادارهٔ امور مرکز اسلامی بانکوك بعهدهٔ دختراو خانم «حبیبه اسماعیل» است.


آقای اسماعیل‌بن یحیی
شیخ‌الاسلام تایلند

شیخ‌الاسلام که اهل تایلند است، تحصیلات اسلامی خودرا درمکه به‌پایان برده و با زبان عربی بخوبی آشنا است.

دردیداری‌که ازمرکزاسلامی‌بانکوك داشتم، آقای شیخ‌الاسلام و دختر ایشان خانم «حبیبه اسماعیل» فعالیتهای این مرکزرا برایم اینگونه

بیان کردند:

۱ــ سرپرستی مسلمانان درکلیهٔ امور دینی واجتماعی.

۲ــ ادارهٔ امور مربوط به‌مساجد وتهیهٔ مخارج ساختمان و تعمیرات آنها.

۳ــ اجراء برنامه‌های تبلیغی ازطریق تهیه وتوزیع نشریات اسلامی وانجام سخنرانیهای مذهبی درمساجد و ازطریق رادیو. برنامه‌های اسلامی رادیو تایلند، ازدومرکز رادیوئی درپایتخت و درجنوب به‌زبانهای «تای» و «مالی»(۱) پخش می‌شود. رادیو بانکوك هرهفته عصر شنبه وصبح یکشنبه ورادیوی جنوب هرشب نیمساعت برنامه‌های اسلامی خود را برای مسلمانان پخش می‌کند. این برنامه‌ها مجموعه‌هائی هستند ازتلاوت آیاتی ازقرآن کریم، سخنرانیهای مذهبی واخبار جهان اسلام.

درتایلند، دانشگاه اسلامی وجود ندارد اما در دانشگاه «رامکام‌هانگ» Ramkam Hang بانکوك یك کرسی فقه اسلامی دراختیار مسلمانان قرار دارد که درحال حاضر درآن فقه شافعی تدریس میشود.

نشریات اسلامی تایلند که بیشترشان ازجنوب‌کشور هستند، عموماً به‌دوزبان «تای» و «مالی» منتشر می‌شوند.

مرکز اسلامی بانکوك، بابرخی ازکشورهای اسلامی درارتباط است وازکمکهای آنها بهره‌مند میگردد.

۱ــ مردم جنوب تایلند بعلت مجاورت بامالیزیا وهمبستگی‌هائی که بااین کشوراسلامی دارند، بزبان مالی صحبت میکنند وتحت تأثیر فرهنگ وآداب مردم آن‌کشور قرار دارند. همین امر سبب تقویت مسلمانان درآن ناحیه شده و دولت تایلند بهمین دلیل، ولی زیر سرپوش علاقه به اسلام یااحترام به‌آزادی ادیان، به مسلمانان تایلند وبخصوص مسلمانان جنوب توجه خاصی دارد. درعین حال، مسلمانان تایلند کاملا راضی نیستند وگاه وبیگاه نارضائیهای خودرا ازحلقوم نارنجکها وبمب‌هائی‌که دربرخی مناطق منفجر مینمایند به‌گوشها فرو می‌کنند.

شیعیان تایلند

حدود دوهزار نفر از مسلمانان تایلند شیعه هستند که عموماً در بانکوك بسر میبرند. شیعیان تایلند، از نسل تاجری بنام «شیخ احمد قمی» میباشند که درسال ۱۶۰۱ میلادی از ایران به تایلند رفته و در آن کشور در پی موفقیت هائی که در امر تجارت نصیبش شد به پست های دولتی مهمی نیز دست یافت.

درحال حاضر، شیعیان تایلند ٤ مسجد در بانکوك دارند که همگی تحت سرپرستی مرکزی بنام «مرکز گسترش فرهنگ اسلام» اداره می‌شوند. این مرکز باهمکاری انجمنی بنام «انجمن دوستی جوانان شیعه» عهده‌دار امور مذهبی شیعیان تایلند میباشد. این دو مرکز میکوشند تا ترجمهٔ کتابهای اسلامی به‌زبان تایلندی و ترتیب دادن جلسات مذهبی برای طبقات مختلف شیعیان تایلند به‌وظائف خود عمل کنند. فعالیت‌ها و اخبار مربوط به‌شیعیان تایلند در نشریه‌ای که توسط این دومرکز منتشر می‌شود، به‌آگاهی عموم میرسد.



مسجد «سپادونگ سام اسلام» بزرگترین مسجد شیعیان در تایلند.

درگزارشهائی که شیعیان تایلند منتشر می‌کنند، معمولاً از نیاز فراوان آنها به مبلغ مذهبی ومحرومیتشان از هرگونه رهبری‌دینی یاد میشود. آنچه موجب تأسف است اینست که مسئولین روحانی ما علیرغم نیاز فراوانی که درآن دیــار به‌تبلیغات سازنــده احساس می‌شود و تقاضاهای فراوانی‌که همواره دراین زمینه بعمل می‌آید، تاکنون هیچگونه فعالیت تبلیغی درتایلند نداشته‌اند واز برآوردن این نیازها و پاسخگوئی به‌این تقاضاها کوتاهی ورزیده‌اند.

بسیار بجاست‌که درمراکز روحانی ما هرچه زودتر این‌نیازها درك شود ورهبران مابه‌وظائف انکارناپذیری‌که دراین زمینه دارند عمل نمایند.

در معابد بودائیگری چه‌خبر است ؟

همانگونه‌که اشاره شد، بیشتر مردم تایلند بودائی هستند. بااینحال، دربانکوك به‌معابد بودائی‌که میروی آنهــا را بی‌رونق می‌یابی. دراین پرستشگاهها دوگروه کاملا مشخص راهمیشه میتوان یافت: توریست‌هاکه مشتاقانه زیبائیهای این بناهارا زیر نظــر میگیرند ومتولیان معابدکه چپ‌وراست اُزهر تازه واردی اخــاذی میکنند! اگرعروسی‌ی باشد، دسته‌های شیپورزن ورقصنده رامی‌بینی که درجلوی معبد عروس وداماد رادورکرده‌اند ومشغول شیپورزدن ورقصیدن هستند.

درگردش «فلوتینگک مارکت» ازچند معبد بودائی دیدن کردم. دریکی ازآنها مراسم عروسی برپا بود. درمعابد دیگرجزمجسمه‌های فلزی بودا وخدایان بودائی وچند روحانی زردپوش و سر تــراشیده خبر دیگری نبود.



معبد بزرگ و معروف ((دون))
در بانکوک

اسلام در کشور آسمانخراشها

(هنگ کنگ)

هنگ کنگ در یك نگاه

مسلمانان هنگ کنگ

مساجد و مراکز اسلامی هنگ کنگ

جبهه‌های مخالف

کارنامهٔ سیاه مسیحیت در مکائو

هنگ‌کنگ در یک نگاه

هنگ‌کنگ، یعنی کشور کوههای بلند وساختمانهائی به همان بلندی. کشور تپه‌های سرسبز، کانالهای آبی، تونل‌های زیردریائی، پل‌های هوائی، ترن‌های برقی، ملیت‌های گوناگون، ادیان مختلف وباهمهٔ اینها کشوری مستعمره، مستعمرهٔ انگلستان.

آلودگیهای اخلاقی رادر هنگ‌کنگ می‌توان در خیابان، در پارك، دراتوبوس، درترن، درفری (قایق بزرگ)، در هتل، در رستوران، درفروشگاه ودرهرجای دیگر به‌بدترین وجهش مشاهده کرد. این ره‌آورد استعمار است، هرچند وقتی به‌ظاهر شهر نگاه میکنی سروصورتی بسیار زیبا و پیشرفته دارد.

هنگ‌کنگ بندری‌است با ۱۰۰۰ کیلومترمربع مساحت و پنج میلیون نفر جمعیت‌که درجنوب چین درکنار اقیانوس آرام قراردارد ویکی ازمراکز مهم تجارت جهان میباشد. اهمیت خاصی‌که این بندر ازنظر تجاری دارد سبب شده است مردم بسیاری از کشورهای آسیا به‌آن روی‌آور شوند ودرکنار مردم زردپوست آن یك ملیت



یک منظره هوائی از هنگ‌کنگ

چندرنگی بوجود آورند.

مردم هنگ‌کنگ که بعلت کمبود زمین مناسب ازنظر تهیهٔ مسکن درتنگنا قرار دارند، راه چاره رادرآن دیده‌اند که به آسمانخراشهائی‌که گاهی به‌۵۵ طبقه می‌رسند پناه ببرند. آنها بدین‌ترتیب مشکل کمبود جاراحل کرده‌اند، اماهنوز نتوانسته‌اند برای مشکل چندگانگی ملیت‌ها و چندگونگی فرهنگهاشان چاره‌ای بیاندیشند. درعین‌حال‌که همه‌آنها سکه‌هائی باچهرهٔ الیزابت دوم ملکهٔ انگلستان درجیب دارند، هنوز دربازار تضاد عقائد وافکار هرکدام سکه‌های فرهنگ خودشان راخرج می‌کنند.

مسلمانان هنگ‌کنگ

از ۵ میلیــون جمعیت هنگ‌کنگ ۲۵٫۰۰۰ نفر مسلمــان، ۴۴۰٫۰۰۰ نفر مسیحی، ۲۵۰٫۰۰۰ نفر تاتوئیست وبقیه بودائی هستند.(۱) باستثناء تعدادکمی یهودی و هندو.

مسلمانان هنگ‌کنگ که ازملیت‌های مختلف چینی، مالیزیائی، هندی، پاکستانی می‌باشند، علیرغم جو آلودهٔ حاکم بر محیطشان، سری پرشور وقلبی پراز احساسات وعلائق مذهبی دارند. جوانان مسلمان هنگ‌کنگ بــااینکه همگی به‌کــار یا تحصیل اشتغال دارند، هرگز ازانجام وظائف دینی وتبلیغات اسلامی غفلت نمیورزند. آنها علاوه برفعالیتهائی‌که درداخــل هنگ‌کنگ دارنــد، همواره بــا مسلمانان کشورهای دیگر درتماس هستند وبه کنفرانسهاو مجامع اسلامی‌که درسطح جهانی برگزار میشوند نماینده میفرستند.

بیشتر مسلمانان هنگ‌کنگ شافعی مذهبند ودر میان آنهــا تعدادی شیعه ازایران وبرخی کشورهای دیگر نیز وجود دارنــد. هیچیك ازکشورهای اسلامی درهنگ‌کنگ نماینده مذهبی ندارند ودرآنجا هیچگونه فعالیت تبلیغی انجام نمیدهند. درگفتگوهائی که درروزهای اقامتم دراین کشور بامسلمانان داشتم، آنها همــواره نیاز فراوانشان رابه‌کمکهای تبلیغی برادران مسلمانشان‌درکشورــ های اسلامی گوشزد می‌کردند وبا شور واشتیاق آمادگی خودرابرای استقبال ازمبلغین اسلامی اعلام مینمودند.

۱ـ کتاب "Hong Kong 1977"

مساجد ومراکز اسلامی هنگ‌کنگ

در هنگ‌کنگ ۶۰۰ کلیسا، ۶۰۰ معبد بودائی معمولی، ۲۴ معبد «تین هائو» Tin Hau (معبد بزرگ بامجسمهٔ خدایان)، یک معبد هندو و یك کنیسهٔ یهودی وجود دارد.(۱) دربرابر اینهمه کلیسا ومعبد فقط چهار مسجد دراین کشور وجود دارد که یکی‌از آنها متروك است. اهمیت این نکته آنگاه روشن می‌شودکه بااتکاء به‌آمار وارقام ارائه شده دراینجا به‌این نتیجه برسیم که مسیحیان در هنگ‌کنگ برای‌هر۷۳۳نفر یك‌کلیسا دارند درحالیکه مسلمانان برای هر ۶۲۵۰ نفر یك مسجد دارند. تازه این درصورتی است که مسلمانان چهار مسجد داشته باشد. ولی باتوجه به‌اینکه یکی‌از این مساجد متروك است، درحقیقت درهنگ‌کنگ برای هر ۸۳۳۳ نفر فقط یك مسجد وجود دارد.

هنگ‌کنگ دارای دوبخش‌است بنامهای: هنگ‌کنگ و کولون. این دوبخش بوسیله یك کانال آبی ازهم جدا می‌شوند. یك مسجد ازچهار مسجد هنگ‌کنگ دربخش کولون وسه مسجد دیگر دربخش هنگ‌کنگ قرار دارند.

مسجدی‌که دربخش کولون قراردارد و به «مسجدکولون»معروف است، ۹۹سال پیش ساخته شده ودرحال حاضر مورد بهره‌برداری مسلمانان هندی و پاکستانی مقیم هنگ‌کنگ می باشد. دراین مسجد هرشب نماز جماعت برگزار میشود وتعداد زیادی از مسلمانان در آن شرکت می‌کنند.

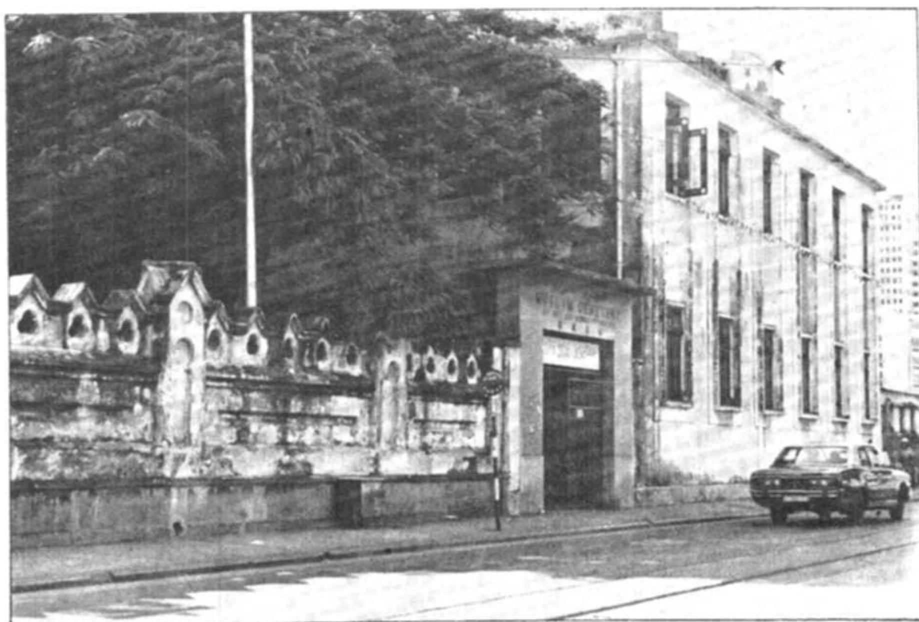
مساجد بخش هگ‌کنگ عبارتند از:

۱ـ کتاب "Hong Kong 1977"

۱ـ «مسجد چای‌وان» Chai - Wan که درحال حاضر متروك است و بعلت شهرسازی درمعرض خرابی می باشد.

۲ـ «مسجد شلی» واقع درخیابان شلی Shely

۳ـ «مسجد هپی‌ولی»(۱) واقع در خیابان هپی‌ولی Happy Valley که قبرستان مسلمانان هنگ‌کنگ نیز درکنار آن میباشد.



مسجد و قبرستان هپی ولی

مسجد هپی‌ولی دارای دوطبقه ساختمان است که درطبقه اول نماز ومراسم مذهبی برگزار میشود ودرطبقهٔ دوم آن کتابخانه و انجمن جوانان مسلمان هنگ‌کنگ قرار دارند.

انجمن جوانان مسلمان هنگ‌کنگ، که دربرگیرندهٔ کلیهٔ جوانان مسلمان این کشور از ملیت‌های مختلف می باشد، فعالترین مؤسسهٔ اسلامی درهنگ‌کنگ است. اعضاء این انجمن در روزهای تعطیل دورهم جمع می‌شوند وضمن اجراء مراسم مذهبی وسخنرانیهای

۱ـ شاد دره.

دینی به مشکلات موجود رسیدگی می‌کنند و برای کارهای آینده به‌مشورت می‌نشینند. فعالیت‌ها وتبلیغات و برنامه‌های اسلامی اعضاء این انجمن درماهنامه‌ای بنام «تلاش» به دو زبان چینی و انگلیسی منعکس می‌شود.

درکتابخانه انجمن جوانان مسلمان هنگ‌کنگ، کتابهائی به زبانهای چینی وانگلیسی بچشم میخورند که بیشتر آنها نوشته یا ترجمهٔ نوشته‌های مسلمانان پاکستانی میباشند. دراین کتابخانه به‌تعدادی کتاب مذهبی‌که درایران به‌زبان انگلیسی نوشته وچاپ شده وازسوی یکی ازمراکز تبلیغی تهران به‌این انجمن هدیه شده‌اند برخورد کردم. وجود این کتابها درآن کتابخانه برای من که درسفرم به خاوردور برای اولین بار اثری ازتبلیغات شیعه را میدیدم بسیار جالب بود.

دربرخوردهای دوستانه‌ای که بااعضاء انجمن جوانان مسلمان هنگ‌کنگ داشتم، آنها پرسشهای فراوانی دربارهٔ تشیع داشتند و درمجموع باید بگویم‌که ازمذهب ما چهرهٔ مسخ شده‌ای درذهن آنها یافتم که البته مایه تأسف فراوان بود. گناه این امر را نمیدانم به‌گردن چه‌کسی باید گذاشت. اما این‌رامیدانم‌که باتوجه به‌امکانات موجود وآمادگیهای فراوانی که درهمه‌جا برای گوش فرادادن به سخن حق وجود دارد، کوتاهیهای پاسداران مذهب مابقدری زیاد است‌که بهیچوجه قابل توجیه نیست.

درهنگ‌کنگ ایرانیهای مسلمانی رادیدم که چون کسی نبود آنهارا دورهم جمع‌کند وسخنی برایشان بگوید، چنان از یکدیگر بیگانه بودند که گویا هیچ وجه مشترکی میان آنها وجود ندارد. بعضی از آنها بکلی از دین بیگانه شده بودند و برخی دیگر که نمیخواستند این‌چنین باشند، عاشقانه درجستجوی کسی بودندکه این مشکل رابرایشان حل کند. راستی آیا سرانجام کسی پیدا

میشود که به‌تقاضای آنها وکسانی‌که فراتر ازآنها چشم بـه راه پیام‌آوران خدا هستند پاسخ مثبتی بدهد؟

مؤسسهٔ دیگری‌که ازسوی مسلمانان درهنگ‌کنگ ایجاد شده یك کالج اسلامی است. این کالج رامسلمانان درسال ۱۹۷۱ تأسیس کردند ودراثر کمبود دانشجوی مسلمان ونداشتن امکانات کافـی بناچار درهای آنرا به‌روی کلیهٔ دانشجویان گشودند و نتوانستند جو اسلامی آنرا حفظ کنند. درحال حاضر فقط ۵درصددانشجویان آن (درسال ۱۹۷۷، ۵۵ نفر) مسلمانند وتنها دواستاد مسلمان در آن تدریس می‌کنند.

درطبقهٔ دوم ساختمان مسجد هپی‌ولی درکنار سالن انجمـن جوانان مسلمان هنگ‌کنگ، اطاقکی وجود داردکه هرچند عنوان خاصی ندارد اما می‌توان آنرا چیزی شبیه یك مرکزاسلامی دانست. دراین اطاق باآقای حاج قاسم محمد عمر کارمند بازنشستهٔ یـك شرکت خصوصی درهنگ‌کنگ که خود اهل هنگ‌کنگ است آشنا شدم. اوکه هماهنگ کنندهٔ امور مربوط به مساجد ومـؤسسات اسلامی هنگ‌کنگ است مردی است بسیار متواضع و خوشرفتـار. مسلمانان هنگ‌کنگ امیدوارنـد بتوانند در آینـده‌ای نـزدیك مؤسسه‌ای تحت عنوان «مرکز اسلامی هنگ‌کنگ» با فعالیت های اسلامی گسترده داشته باشند.

جبهه‌های مخالف

مسیحیان استعمارگر وسوداگران بهائی کسانی هستندکه در هنگ‌کنگ درجبهه‌های مخالف اسلام سنگر گرفته‌اند.

مسلك پوشالی بهائیت در هنگ‌کنگ دو مبلغ دارد که فعالانه به‌ترویج‌آن اشتغال دارند. بگفتهٔ یك ایرانی آگاه مقیم هنگ‌کنگ، مبلغین بهائیت همواره درکمین نشسته‌اند تاافراد بی‌خبررا بفریبند

وازوجود آنها برای مقاصد شومشان بهره‌برداری کنند. آنها بطرق مختلف این افراد را به انجمن بهائیت درهنگ‌کنگ دعوت می‌کنند وازهر فرصتی برای گمراه ساختن آنان استفاده می‌نمایند.

جبههٔ دیگر، جبههٔ مبلغین مسیحی است‌که همه‌جا مبارزهٔ خود راعلیه اسلام دنبال می‌کنند. درهنگ‌کنگ این جبهه بخاطر برخورداری ازانگلیسی‌های استعمارگر، فعال مایشاء است. نمونه‌ای ازفعالیت‌های مسموم این‌جبهه رامی‌توان درمراکزفرهنگی هنگ‌کنگ ازجمله کتابخانهٔ بزرگ آن دید.

دریکی ازروزهای اقامتم درهنگ‌کنگ بمنظور جستجووکاوش درهمین زمینه به‌کتابخانهٔ بزرگ هنگ‌کنگ که درساختمان ۵۵ طبقهٔ «سیتی‌هال» City Hall قراردارد رفتم. درطبقات مختلف این ساختمان ازکتابها وقرائتخانه‌های مخصوص افرادی که در سنین مختلف وسطوح تحصیلی مختلف قرار دارند دیدن کردم. این کتابخانه به‌دستگاه تهیهٔ میکروفیلم وکلیهٔ وسائل وتسهیلات دیگر مجهز است.

باستناد کتاب راهنمای این کتابخانه، تعداد کتابهای آن تا سال۱۹۷٦ به۷٤۹ر۷۲۸ عددرسیده ودرهمانسال ۱۲درصدکتابهای این کتابخانه برای مطالعه درخانه‌ها به‌اعضاءآن به‌امانت داده شد.

در طبقهٔ‌سوم این‌کتابخانه بسراغ کتابهای‌دینی‌رفتم. درحدود ۵۰۰ جلدکتاب دینی‌درآنجا وجودداشت‌که تقریبادوسوم آنها درباره مسیحیت وبقیه دربارهٔ بودیسم وسایر ادیان بودند. درآنجا کتاب خاصی دربارهٔ اسلام ندیدم، ولی بگفتهٔ یکی ازاعضاء انجمن‌جوانان مسلمان هنگ‌کنگ تعداد انگشت‌شماری کتاب دربارهٔ اسلام دراین کتابخانه وجود داردکه درقسمت مخصوص کتابهائی که برای بردن به‌خانه‌ها امانت داده می‌شوند نگهداری می‌گردند.

به‌آمار پیروان ادیان مختلف درهنگ‌کنگ مراجعه کنید و ببینید

درکشوری‌که بیش از ⅘ مردم‌آن بودائی هستند، تعداد کتابهای مربوط به‌بودیسم دربرابر کتابهای مربوط به‌مسیحیت ناچیزاست. وباز ببینید که درکتابخانهٔ کشوری‌که اسلام ومسیحیت هردودین‌های اقلیت هستند، دربرابر صدهاکتاب مربوط به مسیحیت تنها تعداد انگشت‌شماری کتابهای اسلامی وجود داردکه قطعاًآنهاراهم مبشرین مسیحی نوشته‌اند تاچهرهٔ مسخ شده‌ای ازاسلام رابرای مردم آن دیار مجسم نمایند.

کارنامهٔ سیاه مسیحیت در مکائو

اثر ننگین دیگری که از استعمار دراین منطقه بدست آوردم، حادثهٔ غمناکی‌است‌که درجزیرهٔ «مکائو» Macau واقع در ٤٠ کیلومتری غرب هنگ‌کنگ اتفاق افتاده است. این جزیره درحدود یك میلیون نفر جمعیت دارد وتحت استعمار پرتغالیها است. زبان اصلی مردم این جزیره چینی است ولی زبان رسمیشان پرتغالی.

مسلمانان هنگ‌کنگ برایم تعریف کردندکه بسیاری ازاهالی مکائو تاهمین‌چندسال پیش مسلمان بودند ولی درحال حاضر فقط ۲۰ مسلمان دراین جزیره وجود دارد وبقیه مسیحی شده‌اند!

این مطلب برای من خیلی تعجب‌آور بود. اما باتوضیحاتی که آنها دادند این تعجب برطرف شد. تعجب من دراین بود که چگونه ممکن است یك مسلمان هرچندهم دربرابر تبلیغات مسیحیان قرار داشته باشد ازدین خود دست بردارد ومسیحی شود. توضیحات مسلمانان هنگ‌کنگ این نکته رابرایم روشن کرد که مسلمانان «مکائو» دراثر تبلیغات مسیحیان ازاسلام دست برنداشته‌اند، بلکه تحت فشارهای سیاسی واقتصادی آنان ناچار شدند بجای مسجد به کلیسا بروند وبجای مراسم اسلامی درمراسم مسیحی شرکت کنند وبدینطریق هویت اسلامی خودرا ازدست بدهند.

مطلب ازاینقرار است‌که مبلغین مسیحی که همواره ودرهمه‌جا واسطه‌های استعمارند برای اینکه نقش خودرا درکمك بـه دولت پرتغال برای ادامهٔ تسلط برمکائو وجلوگیری ازهرگونه جنبشی که ممکن بوده ازسوی مسلمانان ترتیب یابد، بخوبی بازی کنند ودر آنجاهم به‌وظیفهٔ نوکری خود عمل نمایند ازدولت پرتغال خواستند مسلمانان راازانجام هرگونه مراسم اسلامی بازدارد وآنهاراوادار نماید درروزهای یکشنبه درمراسم کلیسا شرکت نمایند.

حکومت استعماری مکائو برای اینکه این قانون شوم ضامن اجراءِ هم داشته باشد مسلمانان را تهدید کردکه اگر ازاجراء آن تخلف کنند ازکلیهٔ حقوق حتی ادامهٔ کار وزندگی در مکائو محروم خواهند شد.

مسلمانان مکائو ابتدا زیربار این قانون نرفتند وبا حکومت استعماری به‌مبارزه‌ای جدی برخاستند. ولی سرسختی استعمارگران وواسطه‌ها ودلالان استعماری‌شان بقدری زیاد بود کـه سرانجام توانستند مسلمانان راوادار به‌تسلیم کنند. درنتیجه، گـروهی از مسلمانان این جزیره راترك کردند وگروهی دیگر برای حفظ جان ومال خود به‌این قانون شوم تن دردادند ودرانتظار فرصت مناسبی بودند تاآزادی ازدست رفته را بازیابند.

باکمال تأسف این وضع سالها ادامه یافت وگروهی ازمسلمانان باگذشت زمان وفشارروزافزون‌استعمارگران ومبلغین‌مزدورمسیحی واقعاً هویت اسلامی خودرا ازدست دادند وبدین‌ترتیب «کارنامهٔ سیاه مسیحیت درمکائو» تدوین یافت وبرگی تازه بربرگهای سیاه تبلیغات ضداسلامی مسیحیان افزوده شد.

ازمسلمانان هنگ‌کنگ پرسیدم: نقش شما دراین ماجرا چه بود؟ وآیا درحال حاضر فعالیتی برای جبران ایـن ضایعه داریـد یاخیر ؟

آنها گفتند: درسالهای اخیر، پس ازآنکه کشور پرتغال در پاره‌ای ازمستعمرات آفریقائی‌اش باناکامیهائی رو برو شدوحکومت آن‌کشور دستخوش دگرگونیهائی گردید، ازمقدار فشارهائی که برمسلمانان مکائو وارد میشد کاسته شد وآنها توانستند تاحدودی آزادی ازدست رفته‌شان رابازیابند. مانیز بسهم خود ازاین فرصت استفاده کرده به‌کمك آنان شتافتیم‌وباایجاد یك مسجد، یك قبرستان ویك مسافرخانهٔ اسلامی درمکائو این امکان رابرای آنها بوجـود آوردیم که دریك محیط اسلامی دورهم جمع شوند ومراسم دینی‌شان راانجام دهند.



مسجد مکائو

ببینید درگوشه وکنار دنیا چه ضربه‌هائی برپیکر اسلام‌عزیز وارد می‌آید ودراین میان ماازهمه‌جا بی‌خبریم وشعاع تبلیغات و فعالیتهای دینی‌مان ــ اگر فعالیت سازنده‌ای داشته باشیم ــ حتی از مراکز روحانی‌مان فراتر نمیرود. چه وقت میخواهیم ازاین خواب گران بیدار شویم؟ راستی چه وقت؟

اسلام
در
ژاپن

بخش اول
شناسائی عمومی ژاپن

جغرافیای طبیعی و انسانی ژاپن
خلاصه‌ای از تاریخ ژاپن
سنن ملی مردم ژاپن
اخلاق ژاپنی‌ها در مقایسه با پیشرفت ژاپن
علل پیشرفت ژاپن

جغرافیای طبیعی وانسانی ژاپن

مجمع‌الجزائر ژاپن که ازچهار جزیره بزرگ وهزاران جزیرهٔ کوچك تشکیل شده است، درغرب اقیانوس کبیر وانتهای شرقی قارهٔ آسیا قرار دارد. این کشور، ازشرق وغرب وجنوب به‌اقیانوس آرام وازشمال وشمال غربی به دریای ژاپن، که ژاپن وکره را از یکدیگر جدا می‌کند، محدود است.

ژاپن، درحدود ۳۷۷٫۴۳۵ کیلومتر مربع وسعت دارد. ازاین مقدار: ۲۵۳٫۵۸۱ کیلومترمربع جنگل، ۵۷٫۵۳۶ کیلومتر مربع اراضی قابل‌کشت، ۶٫۷۱۷ کیلومتر مربع اراضی قابل سکونت(۱) وبقیه دریاچه‌های زیبا ورودهای سریعی هستند که از دامنه‌های سرسبز سرازیر میشوند وشتابان جلگه‌های کم‌عرض راطی میکنند وبه‌دریا می‌ریزند.

چهار جزیرهٔ بزرگ ژاپن بترتیب وسعت عبارتند از: هونشو Honshu ، هکایدو Hokkaido ، کیوشو Kyushu وشیکوکو Shikoku

۱ـ Rivers in Japan 1975 ازانتشارات آژانس همکاریهای بین‌المللی ژاپن.



شهرهای مهم ژاپن عبارتند از: توکیو (پـایتخت)، اوساکا، ناگویا، یوکوهاما، کیوتو، کوبه، هیروشیما، کانازاوا، سندای در جزیرهٔ هونشو، ناکازاکی درجزیرهٔ کیوشو، ساپورو در جزیـرهٔ هکایدو، وتوکوشیما درجزیرهٔ شیکوکو.

هوای ژاپن رامی‌توان بطورکلـی یك هـوای معتدل دانست، هرچند زمستان سرد برخی مناطق غربی وتابستان گرم و مرطوب مناطق مرکزی وشرقی وهمچنین بارانهای سیل‌آسا ومداوم توکیـو ومناطق شمالی این اعتدال راتاحدودی بهم می‌زند.

طبیعت ژاپن را می‌توان ازهرجهت با طبیعت شمال ایـران مقایسه کرد. به‌هرگوشهٔ این‌کشورکه میروی دریا و کوههائی با دامنه‌های جنگلی وسرسبز را می‌بینی‌که دربرابرهم به تمـاشای

جلگه های خرم وچمنزارهای زیبا نشسته‌اند. همه‌جا نونهالهای سرو وکاج بکمك نسیمی ملایم آنچنان خودرا دربرابرت تکان میدهند که گوئی میخواهند مقدمت راگرامی دارند وبه‌تو خوش‌آمد گویند، درست مثل مردم ژاپن‌که همه‌جا بالبخند وتواضع هرتازه واردی را استقبال می‌کنند.



به هر جای ژاپن که بروید، این کمترین زیبائی‌ی است که خواهید دید.

کشاورزی درژاپن علیرغم کمبود زمین، درمحدودهٔ امکانات موجود رونق فراوان دارد. دولت ژاپن، تبدیل زمین های کشاورزی را به‌مناطق مسکونی ممنوع ساخته وبهیچوجه اجازهٔ هیچگونه بهره‌برداری غیرزراعی راازْ زمینهای زراعی نمیدهد. اینست‌که مردم برای ایجاد خانه وکارخانه ناچارند کوههاراهموار کنند وباصطلاح زمین خلق نمایند نه‌اینکه زمینهای آماده را از بهره‌کشی زراعی ساقط کنند.

درژاپن، بخاطر پیشرفت صنایع کشاورزی، اززمین‌های‌مزروعی حداکثر بهره‌برداری بعمل می‌آید و برخی محصولات ازقبیل برنج دوبار برداشت میشوند.

محصولات عمدهٔ کشاورزی ژاپن عبارتند از: برنج، ذرت، توتون وچای. کشاورزان ژاپنی بمنظور تهیهٔ ابریشم به‌پرورش درخت توت نیز اشتغال دارند ودر باغهایشان بمقدار کمی میوه نیز تولید می‌کنند. غذای عمدهٔ مردم ژاپن برنج است.



براساس سرشماری ماه مارس ۱۹۷۷، کشور ژاپن درحدود ۱۱۳ر۴۹۰ر۰۰۰ نفر جمعیت دارد وتراکم نسبی جمعیت دراین کشور درهر کیلومترمربع از ۳۰۰نفر تجاوز کرده است.(۱) توکیو، پایتخت ژاپن، که یکی ازپرجمعیت‌ترین شهرهای جهان است، بیش از ۱۳میلیون‌نفر جمعیت دارد.

ژاپنیها ازاعقاب مردمی هستندکه درادوار پیش ازتاریخ از سایر نقاط آسیا به‌ژاپن رفتند. بیشتر این مردم ازنژاد مغول‌شمال آسیا هستندکه بامالیزیائیها ومردم اندونزی مختلط شده‌اند.

مردم ژاپن، زبانی خاص خود دارندکه باید آنرا «زبان بومی ژاپنی» خواند. اما زبان مکتوب ژاپنیها چیزی است شبیه زبان مکتوب چینی واقتباس شده ازآن که می‌توان آنرا «زبان نگارش مفاهیم» نامید.

مردم ژاپن عموماً متواضع، خوش‌برخورد واحساساتی هستند.

خلاصه‌ای از تاریخ ژاپن

براساس روایات موجود، تاریخ ژاپن به‌حدود ۷۰۰ سال پیش

۱ــ General Guidance For Your life in Japan ازانتشارات آژانس همکاریهای بین‌المللی ژاپن.

ازمیلاد میرسد. درحدود ٦٦٠ قبل ازمیلاد، شخصی بنام «جیموتنو» Jimmu tennö که برطبق افسانه‌های قدیم ژاپنی ازاعقاب الهۂ خورشید بود، امپراطوری ژاپن راتأسیس کرد. باورداشت ژاپنی‌ها مبنی براینکه امپراطورازاعقاب‌الهۂ خورشید است، به«امپراطوری» رنگ افسانه‌ای الهی میداد واین اعتقادی بودکه علیرغم سقوط امپراطورها وجابجاشدن سلسله‌های گوناگون درطول قرنها تا سال ۱۹٤۵ میلادی همچنان برفکر مردم ژاپن حکومت داشت.

درقرن پنجم میلادی، قبیلۂ «یاماتو» که درنزدیکی «کیوتو»ی کنونی سکونت داشت بردیگر قبایل ژاپن مسلط شد ومملکت ژاپن رابنیان گذاشت. دوره‌های تاریخ ژاپن تاامروز ازاینقرارند:

Yamato	دورۂ یاماتو			تا ۷۱۰ میلادی		
Nara	نارا	»	»	۷۹٤	»	از ۷۱۰
Heian	هیآن	»	»	۱۱۹۲	»	» ۷۹٤
Kamakura	کاماکورا	»	»	۱۳۳۳	»	» ۱۱۹۲
Muromachi	موروماچی	»	»	۱۵۷۳	»	» ۱۳۳۳
Azuchi	آزوچی	»	»	۱٦۰۳	»	» ۱۵۷۳
Edo	ادو	»	»	۱۸٦۷	»	» ۱٦۰۳
Meiji	میجی	»	»	۱۹۱۲	»	» ۱۸٦۷
Taisho	تایشو	»	»	۱۹۲٦	»	» ۱۹۱۲
Showa	شوآ	»		به‌بعد		» ۱۹۲٦

درتاریخ ژاپن، دوتحول بزرگ وچشمگیر راباید بعنوان‌عامل تاریخ‌ساز بخاطر سپرد: یکی از این دو تحول به‌فاصلۂ میان قرن ششم تاهشتم میلادی مربوط میشود ودیگری به جنگ جهانی دوم.

درقرن ششم میلادی، ژاپن تحت نفوذ شدید تمدن پیشرفته آنروز چین قرار گرفت وهمراه باآئین بوداکه ازچین وارد میشد ادبیات وهنروصنعت آن کشوررا پذیرا شد. ازآن‌پس تا آخر قرن هشتم میلادی همت مردم ژاپن همواره براین بودکه زبان، ادبیات،

فلسفه وآئین کشورداری چینی‌هارا فراگیرند. قبیلهٔ «یاماتو» به تقلید ازسلسلهٔ یانگ که درآن زمان برچین حکومت داشت، پایتخت باعظمتی در «نارا» تشکیل دادکه بعدهابه «کیوتو» انتقال یافت (۷۹٤ میلادی). درسال ۱۸٦۸ درزمان امپراطوری «موتسوهیتو»، پایتخت ازکیوتو به توکیو منتقل شد.

پیش ازجنگ جهانی دوم، ژاپن به‌قدرت نظامی و اقتصادی توسعه یافته‌ای دست یافته بود. همین امر سبب شدکه این کشور در جنگ جهانی دوم به هندوچین نیرو بفرستد و باامضای پیمان‌اتحاد باآلمان وایتالیا درصدد توسعهٔ منطقه نفوذ خود برآید وباحمله به سنگاپور وبرخی دیگر ازمستعمرات آسیائی انگلستان و ایالات متحدهٔ آمریکا به‌پیروزیهای سریعی دست یابد. ولی سرانجام درسال ۱۹٤۵ دراثر بمباران‌های اتمی شهرهای هیروشیما Hiroshima وناگازاکی Nagasaki توسط نیروی هوائی ایالات متحدهٔ آمریکا به‌زانو درآمد ودردوم سپتامبر سال ۱۹٤۵ نمایندگان ژاپن برروی عرشهٔ کشتی «پوتسدام» برپای ورقه‌ای‌که تسلیم بی‌قیدوشرط کشورشان رادربرابر متفقین اعلام میکرد، امضاء گذاشتند.

درپی این واقعهٔ مهم، امپراطوری ژاپن به‌آنچه اکنون هست محدودشد، وهمزمان بافروریختن‌پایه‌های بنای‌مستحکم امپراطوری. پایه‌های کاخ افسانه‌ای «الوهیت امپراطور» نیزکه در فکر ژاپنی‌ها سابقه‌ای دوهزاروششصد ساله داشت، فروریخت. امپراطور، که همواره باهاله‌ای ازپرتو درخشان خورشید دراذهان ساکنان کشور آفتاب تابان جای داشت، این‌بار وقتی اززیر آوار کاخ اوهام سر برآورد همهٔ ژاپنیها دیدندکه اوهم آدمی است مثل همهٔ آدمهای دیگر. امروز برکاخ قدیمی وبی‌رونق «هیروهیتو» درروبال پارك توکیو، همانقدر آفتاب می‌تابد که برمنزل آن‌کارگر اهل ناگازاکی یاآن روستائی اهل ساپورو.

دوسال پس از پایان جنگ جهانی دوم، امپراطور ناچار شد با زبان خود در پیشگاه مردم، الوهیت خودرا نفی کند وآزادی مردم را برای تشکیل احزاب و برخورداری ازیك حکومت دموکراسی واقعی برسمیت بشناسد.

درسال ۱۹۵۱ پیمان صلحی میان ژاپن ومتفقین امضاءگردید واین کشور بدون اینکه حق تشکیل ارتش راداشته باشد از سوی دشمنانش بعنوان یك کشور مستقل شناخته شد. ازآن پس، مردم ژاپن‌درسایهٔ حکومت دموکراسی به‌بازسازی اقتصاد و صنعت خود پرداختند وباسرعت فراوان توانستند کشور خودرا در ردیف بزرگترین کشورهای صنعتی جهان قرار دهند. درحال حاضر،مردم ژاپن هرچند ازاینکه نتوانستند دراثر مخالفت ایالات متحده برای خود ارتشی‌دست‌و پاکنند ناخشنودند، درعین‌حال درسایهٔ پیشرفتهای صنعتی‌شان دررفاه وآسایش زندگی می‌کنند.

سنن ملی مردم ژاپن

آنچه درسراسر ژاپن توجه یك غیرژاپنی رابه‌خود جلب میکند اینست‌که این صاحبان ابرتکنیك جهان باهمهٔ پیشرفتهائی که در زمینهٔ صنعت کرده‌اند هنوز خودرا دربست تحویل ماشین وزندگی ماشینی نداده‌اند. ازتوکیو گرفته تادورافتاده‌ترین روستای ژاپن همه‌جا میتوان درکنار ساختمانهای بلندی‌که به سبك اروپائی برای شرکت‌ها وادارات ساخته شده‌اند ساختمانهائی را دیدکه به‌سبك سنتی ژاپن بناشده وبعنوان فروشگاه یا خانه‌های مسکونی مورد استفاده قرار میگیرند. این ساختمانها عموماً ازچوب ساخته‌شده‌اند وبرروی خود شیروانیهائی ازسفال دارند. پنجره‌های روانی‌که از کاغذ برنج تهیه شده‌اند وحصیرهای ساده وریزبافتی که به کف اطاقها چسبیده‌اند ازخصوصیات جالب این ساختمانها هستند. در

فضای داخل ساختمان بجز حمام و آشپزخانه و جایگاه مخصوص عبادت، اطاق معینی بمنظور خاصی دیده نمیشود. ژاپنیها، این فضارا هر وقت‌که بخواهند بادیوارهای منفصل ظریفی به‌اطاقهائی باانداز‌ه‌های مختلف برحسب نیازهایشان تقسیم می‌کنند.



نمائی از یک ساختمان به سبک ژاپنی در توکیو

اگر درتوکیو ویادرسایر شهرهای ژاپن ساختمانهائی به‌سبك اروپائی وجوددارند، فقط برای بهره‌برداری اداری یااجاره دادن به خارجیها ساخته شده‌اند ویا ازآنها بعنوان فروشگاههای بزرگ استفاده می‌شود. درعین حال، تعداد این ساختمانها واقعاً ناچیز است. زیرا خود ژاپنی‌ها عموماً ازساختمانهائی که به‌سبك ژاپنی ساخته شده‌اند به‌مراتب بیشتر از ساختمانهای دیگر خوششان می‌آید.

نکتهٔ بسیار جالب اینست که مردم ژاپن نه‌تنها درمورد اسلوب

ساختمانهایشان ازدنباله‌روی دیگران پرهیز دارند، بلکه اصالت و سنتی بودنشان را حتی در نامهائی که برای کارخانجات و فروشگاهها وکارگاههایشان انتخاب میکنند ودرتابلوهای ادارات وفروشگاهها و ساختمانهای دیگرشان هم مجسم می‌کنند. برخلاف ما که از کله ـ پاچه‌ای و جگرکی گرفته تا واکسی و نخودبریزمـان همه و همـه افتخارشان به‌اینست‌که یك نام ینگه دنیائی پیدا کنند و آنرا بـا حروف لاتین برتابلوهاشان بنویسند، ژاپنی‌ها از نامهـای ژاپنی تجاوز نمی‌کنند و تابلـوهایشان را به‌حروف ینگه دنیائـی زینت نمی‌بخشد. در هیچیك از خیابانهای توکیو نتوانستم بیش از یکی دو تابلو که ازحروف لاتین‌هم در کنار حروف ژاپنی درآنها استفاده کرده باشند بیابم. خوبست بدانید که این چند تابلو را هم فقط بر روی ساختمانهای کارخانجات بزرگی که با دنیای خارج سروکـار دارند میتوان دید نه هر بقالی و سلمانی.

سنتی ماندن‌ژاپنی‌ها را درلباس و غذا و رفتار اجتماعیشان هم می‌توان مشاهده کرد.

وقتی وارد «شینکانسن» Shinkan Sen ، سریعترین و بهترین قطار جهان میشوی تا از توکیو به‌شهرهای جنوبی بروی، زن ژاپنی را می‌بینی که درحالیکـه «کیمونو» (لباس سنتی ژاپـن) به‌تن دارد به‌داخل قطار قدم میگذارد. او با این کار خود به جهانیان میگوید: اگر می‌بینید تکنیك ما توانسته‌است آنقدر پیش برود که از کشور پیشرفته‌ای چون ایالات متحدهٔ آمریکا تقاضای کمك بـرای ساختن سریعترین قطار جهان را دریافت کنیم، این بدان معنی نیست که ما از سنت‌های خوددست برداریم وهمه‌چیز را ازدیدگاه ماشین‌ببینیم.

در شبهای ماه اوت وقتی در توکیو قدم میزنی، به خیابانها و کوچه‌هائی میرسی که آنها را از دوطرف بسته‌انـد و «کیمونـو» پوشهای ژاپنی را می‌بینی‌که در پرتو چراغهای پرنور و در زیـر

کاغذهای رنگی به‌آهنگ «بونودوری» Bonodori یارقص عید میرقصند وشادی می‌کنند، به‌این امید که ارواح گذشتگانشان که درآن روزها وشبها بسراغشان می‌آیند بااین استقبال شاد شوند و برای آنها خیرات درنظر بگیرند وازآنها راضی باشند.

درخانهٔ ژاپنی‌هاازغذاهای‌غیرژاپنی‌خبری‌نیست. دررستورانها هم حساب ژاپنیها وغیر ژاپنیها ازهم جدا است.

اگر یك خارجی مهمان یك ژاپنی شود، ممکن است صاحبخانه به‌احترام اوناشیانه باقاشق وچنگال غذا بخورد ولی اگر اورا به‌حال خودش بگذارند غذایش رابا چوبهای نوك تیز «هاشی» خیلی سریع میخورد ودرحالیکه چشمهای ریزش رابه دست‌های مهمانش دوخته وگوشهای تیزش رابه‌صدای قاشق وچنگالش سپرده است درانتظار تمام شدن غذایش می‌نشیند.

درکلیهٔ ایستگاههای قطار از توکیو گرفته تا دورافتاده‌ترین شهرهای ژاپن، غذاهای آمادهٔ ژاپنی‌که ازمقداری برنج وماهی یا گوشت وسبزی تهیه شده‌اند درظرفهای چوبی مخصوص‌دردسترس ژاپنی‌ها قرار دارد. آنها هرجاکه احساس گرسنگی کنند از این غذاها میخرند ودرحالیکه روی صندلی قطار نشسته‌اند آنرا باهمان چوبهای نوك‌تیز بسرعت میخورند. راستی‌که سادگی و بی‌تکلفی این مردم هر بیننده‌ای را شگفت‌زده می‌کند. دیده‌اید بعضی از غرب‌زده‌های ما حتی لحافشان راهم میخواهند باکارد وچنگال روی خودشان بکشند؟ این دو را کنار هم بگذارید و ببینید ما چقدر خود باخته‌ایم .

درتوکیو جوان ترکی را دیدم که ازیکی از دانشگاههای ترکیه فارغ‌التحصیل شده بود واورا برای گذراندن یك دوره تخصصی به ژاپن فرستاده بودند. وقتی ازاو پرسیدم کجائی هستی؟ پس از مقداری شك وتردید درحالیکه مرتب رنگ عوض میکرد گفت: اهل

ترکیه هستم. ولی بلافاصله اضافه کردکه: «البته ازقسمت اروپائی ترکیه نه آسیائی‌اش». این دیگر برای من خیلی دوراز انتظار بود که یك جوان تحصیل کرده آسیائی اینهمه خودباختهٔ غرب باشد که حتی ازآسیائی بودن هم ننگ داشته باشد. به اوگفتم: ولی من از ایران هستم وافتخارم به اینستکه آسیائی هستم وبا اروپائی ها، این دزدان فرهنك ومال، هیچ پیوندی ندارم توهم اگر میدانستی اروپائیها چگونه به‌آنچه اکنون دارند رسیده‌اند وبرای دست یافتن به‌آن چه جنایتها کردند و چگونه میراثهای معنوی و ثروتهای مادی شما و ما را به‌یغما بردند، هرگز از آسیائی بودن ننگ نداشتی و افتخار نمی‌کردی از آن قسمت خاك ترکیه هستی که در نقشه‌های جغرافیائی جزء اروپا به حسابش می‌آورند!

همینطور که برای این جوان داد سخن میدادم، یادم آمد که او خیلی هم مقصر نیست. چرا که از کشوری می‌آید که ده‌سال است خود را و میراث‌های اسلامی واصالت شرقی خودرا بدست فراموشی سپرده و یکسره دنباله‌روی غرب شده است. کشوری که مذهبش را الغاء کرده ، خطش را تغییر داده و زبان و فرهنگش را به‌تاراج همان دزدان فرهنگ سپرده است . آیا از جوانی که ازچنین‌کشوری می‌آید و هیچگاه پیوندی میان خود و میراثهای معنوی ارزشمند پیشینیانش ندیده است، انتظار دیگری هم میتوان داشت؟

همین حقیقت تلخ است که اهمیت توجه به سنت‌های پسندیده را بخوبی روشن میکند و علت پافشاری فراوان مردم ژاپن در مورد حفظ سنت‌هایشان رابه‌ما نشان میدهد.

در ژاپن، بااینکه دین ودولت هیچگونه محدودیتی برای‌معاشرت و روابط دختر وپسر قائل نیستند، پسرهای ژاپنی درانتخاب‌همسر با پدر و مادر خود مشورت می‌کنند و درصورت توافق، مادر را به خواستگاری میفرستند وتا آخرین‌مرحله ازدواج نظر پدرومادرشان

را در کلیه اقداماتشان دخالت میدهند .

بااینکه کارخانجات صنعتی و ادارات وشرکت‌های بانظم ژاپن برای ژاپنی‌های پرکار وقتی باقی نمیگذارند، در روزهای تعطیل سعی این مردم برآنست که به‌دیدار فامیل بروند و جویای حال‌آنها بشوند. فرزندان مستقل و خانواده‌دار سعی می‌کنند هرهفته یکبار در روزهای تعطیل به‌دیدار پدر ومادرشان بروند وهمگی سعی دارند بستگان دیگرشان را سالی چندبار ببینند .

اینها نمونه‌هائی هستند که بخوبی نشان میدهند مردم ژاپن تا چه‌حد به‌آداب ورسوم ملی‌شان پای‌بند هستند وعلیرغم کشمکشها و درگیریهای فراوانی که باملت‌های گوناگون پیداکردند واختلاط زیاده از حدی که درجریان جنگ جهانی دوم و پس ازآن باملت‌های مسیحی و غیر مسیحی داشته‌اند، خود را تاحدود زیادی ازسنت‌های آنها بدور نگهداشته و از اهمیت فراوان ارزشهای خودشان غافل نشدند .

اخلاق ژاپنی‌ها در مقایسه با پیشرفت ژاپن

ــ آمریکائیها یا از ایران و ایرانی چیزی نمیدانند ، یا اگرهم چیزی بدانند در حدی استکه در دائرةالمعارفشان از ایران نوشته شده است. در دائرةالمعارف‌هائی‌که آمریکائیها دردست دارند، نام ایران باعکسی از یك مرد درلباس ساحلی درحالیکه افسار شتری را در یك دست و کوزهٔ آبی را در دست دیگرش دارد توضیح داده شده است . اینستکه آمریکائیها اصولا به‌ما ومردم ماوراء بحار اعتنائی ندارند و اگر بخواهند بـرای خدمت به‌کشورهای ما بیایند حــق توحش مطالبه می‌کنند. اما این ژاپنیها با همهٔ پیشرفتی که‌کرده‌اند چقدر متواضعند و چقدر به همه احترام می‌کنند.

اینها را یك ایرانی آمریکادیده که برای گذراندن یك دورهٔ

تخصصی به ژاپن اعزام شده بود میگفت .

او راست میگفت . این سخن همهٔ کسانی است که از کشورهای مختلف ، از آفریقای سیاه گرفته تا آسیا و آمریکای لاتین ، برای دیدن دوره‌های تخصصی به ژاپن میروند و به‌نحوی باطبقات مختلف مردم آن‌کشور سروکار پیدا می‌کنند. ژاپنی‌ها با اینکه تنه به‌تنهٔ آمریکائیها ودیگر صاحبان صنایع پیشرفتهٔ جهان میزنندو درپاره‌ای موارد از آنها هم جلو افتاده‌اند ، خیلی متواضعند . وقتی وارد یك فروشگاه یا رستوران یا شرکت یا اداره در توکیو یا سایر شهرهای ژاپن میشوی، فروشنده یا پیشخدمت یا کارمندی که با او سروکار داری تعظیمت میکند و کارت را با مهربانی انجام میدهد و وقتی خداحافظی میکنی بدرقه‌ات میکند و آنچنان پرسروصدا و پرشور و شوق جواب خداحافظیت را میدهد که گویا «آرام جانش میرود» .

این مردم متواضع همانهائی هستند که‌در برابر طبیعت آنچنان سرسختانه کوشیده‌اند و آنچنان لجاجت بخرج داده‌اند که سرانجام توانسته‌اند این زنگی مست را در برابر خود به‌تواضع وادارند . آنها، دل کوهها را شکافتند ، تا عمق زمین پیش رفتند ، آسمان را تسخیر کردند و در دریا شگفتی‌ها آفریدند و آنچنان پیش رفتند که وقتی انسانی از جهان عقب‌افتاده آن پیشرفتها را می‌بیند و میان آنچه دارد وآنچه می‌بیند به‌مقایسه می‌نشیند، به روشنی می‌یابدکه: میان این‌دو «تفاوت از زمین تا آسمانست».

در مراکز دانشجوئی توکیو وقتی دانشجویان خارجی دور هم می‌نشینند و اوضاع ژاپن را باکشورهایشان به‌مقایسه می‌گیرند و خط آهن‌های روی زمینی و زیرزمینی هفت‌طبقهٔ توکیو، برق قوی ۷درصد اتمی و بی‌خاموشی سراسر ژاپن ، وسائل ارتباط جمعی بسیار پیشرفته و صنایع شگفت‌انگیز آن‌کشور را درکنار امنیت و ثبات وآزادی ورفاه مردم آن‌برای همدیگر تعریف‌می‌کنند، افغانی‌ها



((شیتکانسن)) قطاری که با ۲٤۰ کیلومتر سرعت در ساعت، سریع‌ترین قطار جهان است. ده‌ها قطار از این نوع، توکیو را با شهرهای مهم ژاپن متصل می‌کنند.

از نداشتن خط آهن و تلویزیون گله می‌کنند و عربها از اینکه همهٔ پول نفتشان را برای خرید اسلحه به‌جیب آمریکا و شوروی میریزند و هنوز روغن نباتی را از خارج وارد می‌کنند مینالند و ایرانیها از بسیاری چیزهای دیگر.

تأثیر این تکنیک پیشرفته و آن رفتار انسانی درخارجیها آنچنان شگرف است که هیچیك از آنان نمی‌توانند از تحسین این کشور و این مردم خودداری کنند.



نمونه‌ای از شاهراههای ژاپن در دامنهٔ آتشفشان ((فوجی‌یاما))

علل پیشرفت ژاپن

همه‌مایلند رمز موفقیت ملت‌ها را بدانند. ازینرو طبیعی است شما هم علاقمند باشید در این کتاب مطلبی در بارهٔ علت یا علل پیشرفت ژاپن بخوانید.

در این باره لازم است سه مطلب را مورد توجه قرار دهیم:

۱ــ مقایسه‌ای میان مردم ژاپن و سایر ملت‌ها،

۲ــ بررسی یك نظریه در بارهٔ پیشرفت ژاپن،

۳ــ واقعیت‌های موجود در ژاپن،

مقایسه‌ای میان مردم ژاپن و سایر ملتها

همانگونه که در آغاز شناسائی عمومی ژاپن خواندید، مردم این کشور از نژاد مغول شمال آسیا هستند که با مالزیائیها و اندونزیائیها مختلط شده‌اند. تا آنجا که میدانیم این ملت ها از نظر استعداد و هوش هیچگونه امتیازی بر سایر ملل ندارند.

تاریخ ژاپن نیز گویای همین حقیقت است. شما نمیتوانید در طول هزاران سال سابقهٔ تاریخی ژاپن کسانی را بیابید که از نظر فکری برجستگی خاصی داشته باشند. مهمتر اینکه این کشور نتوانسته است در قرون گذشته در عرضه کردن فیلسوف، مخترع، مکتشف و دانشمندان نامی باکشورهای اروپائی و ممالك آسیای غربی برابری کنـد.

این حقیقت را یك انسان کنجکاو حتی‌درحال حاضر هم میتواند درژاپن‌لمس کند. درعصر ماکه عصر شکوفائی صنعت‌ژاپن‌است‌و تکنیك چشمگیر این کشور توانسته است آنرا بصورت یك غول اقتصادی در جهان درآورد، وقتی به‌میان ژاپنی‌ها میروی ودر زوایای زندگی آنها کنجکاوی می‌کنی آنها را انسانهائی با استعدادهای متوسط و در بسیاری موارد ساده‌لوح می‌یابی. اینست‌که انگشت‌حیرت به‌دهان میگیری که این مردم چگونه توانسته‌اند این‌چنین پیشرفت کنند و برای خودشان دردنیا موقعیتی آنهم این‌چنین ستودنی فراهم سازند.

پس از چندروز اقامت درژاپن، این مهمترین پرسشی بود که برای خودمن پیش‌آمد. جالب اینست‌که بعدهاکه درآنجادوستانی از کشورهای مختلف پیدا کردم آنهاراهم دیدم که درپی یـافتن پاسخ همین‌پرسش هستندودرست مثل‌من ناهماهنگی میان‌استعداد ژاپنی‌ها و پیشرفتهای سریعشان آنهارا هم شگفتزده کرده است.

بررسی یك نظریه

ازمیان نظریه‌هائی که دربارهٔ رمز موفقیت ژاپن وجود دارد، به‌بررسی یك نظریه می‌پردازیم. اینکه فقط این‌نظریه راموردتوجه قرار میدهیم بدانجهت است‌که ازمیان آنچه دراین باره گفته شده تنهااین نظریه است‌که بخاطر جنبهٔ دینی‌اش بابحث این‌کتاب مناسب است وبه بررسی‌هائی‌که من درژاپن داشته‌ام مربوط می‌شود ودرحد تخصص من‌هم هست.

نظریه‌ای که اکنون درصدد بررسی آن هستیم اینست‌که: مردم ژاپن بخاطر دوربودن ازتفرقه‌های مذهبی وکشمکش‌های فرقه‌ای‌که نتیجهٔ مستقیم تعلیمات انزواطلبانهٔ بودیسم‌است، توانسته‌اند دوراز عواقب مصیبت‌بار اینگونه کشمکش‌ها تمام قوای خودرا صرف‌تولید وبهبود اوضاع اقتصادی کشورشان کنند ودرمدت کوتاهی به‌چنین پیشرفت عظیمی دست یابند. بنابراین، اگر می‌بینیم ژاپنی‌ها ایـن چنین سریع به‌پیش تاخته‌اند، سرش اینست‌که درکشور آنها مذهب نقشی ندارد. زیرا بودیسم آئینی است انزواطلب‌که بهیچوجه در شئون زندگی مردم دخالت نمی‌کند و پیروان آن آسوده از هرگونه تفرقهٔ خانمان براندازکه می‌تواند نتیجهٔ مستقیم دخالت مذهب در شئون زندگی مردم باشد به تـلاش بـرای ساختن آینده ای بهتـر ادامه میدهند.

ما، بدون اینکه به صاحبان این نظریه بیاندیشیم به بررسی آن می‌پردازیم. وچه بهترکه اصولا این مطلب رابـعنوان نظریــه‌ای مفروض مورد مطالعه قرار دهیم‌وببینیم اگرکسی مدعی چنین‌مطلبی شود میتوان آنرا پذیرفت یانه؟

برای بررسی این نظریه، لازم است سه نکته راموردِ دقت قرار دهیم :

۱ـ آیا واقعاً بودیسم یك آئین انزواطلب است و پیروان آن دچار دسته‌بندیهای فرقه‌ای نیستند؟

۲ـ آیااین حقیقت داردکه بی‌نقش بودن مذهب درجامعه راه‌را برای پیشرفت هموار می‌کند؟

۳ـ آیا کشمکش‌های فرقه‌ای می‌تواند سبب عقب‌افتادگی یـك ملت شود ؟

دربارهٔ مطلب اول، یعنی اینکه آیا واقعاً بودیسم یـك آئیـن انزواطلب است و پیروان‌آن دچار دسته‌بندی‌های فرقه‌ای نیستند ؟ باید به‌این نکته توجه داشته باشیم که بودیسم موجود درژاپن بـا بودیسم اصلی وابتدایی تفاوت دارد. تردیدی نیست‌که بودائیگری فی‌نفسه یك آئین انزوا طلب است. اما، همانگونه‌که در بخش ادیان ژاپن‌خواهید خواند، بودائیگری موجوددرژاپن ازنوع«ماهایانا»است که نوع پیشرفتهٔ آنست وموضع‌گیری‌آن‌دربرابردنیاباآنچه دربودیسم اصلی وابتدائی مشاهده میشودتفاوت اساسی‌دارد. ازدید «ماهایانا» بدون ترك دنیاهم می‌توان به‌نجات دست یافت. مهمتراینکه در قرن اخیر تغییرات فاحشی درطرز فکر وروش بودائیان ژاپن بوجودآمده وبطور کلی چهرهٔ بودیسم درآن کشور دگرگون شده است.

علاوه براین، هرگز نبایدازیاد بردکه‌دین رسمی ژاپن «شینتو» می‌باشد وبیش از نیمی از مردم آن کشور پیرو آن هستند. جـالب اینست‌که علیرغم آنچه درنظریهٔ مورد بحث ادعا شده است، هم‌شینتو وهم بودیسم به‌فرقه‌های بزرگ ومتعددی (۱) منشعب شده‌اند ومردم ژاپن هیچگاه ازآثار اختلافات موجود میان پیروان فرقه‌های مذهبـی مصون نبوده‌اند.

دربارهٔ مطلب دوم، یعنی اینکه‌آیا واقعیت‌داردکه بی‌نقش‌بودن

۱ـ شینتو به‌بیش از۱۶۰ فرقه وبودیسم به ۱۳ فرقهٔ بزرگ وهریك ازآنهابه‌فرقه‌های متعدد کوچکتر . (The New Official Gide Japan. 1975)

مذهب درجامعه راه رابرای پیشرفت مردم هموار می‌کند؟ باید از تاریخ استمداد کنیم. تجربه‌ای‌که ازتاریخ داریم بمانشان میدهدکه یك مذهب واقعی و بامحتوا بزرگترین ومهمترین نقش را درشکل گرفتن یك جامعهٔ زنده وپرتحرك بعهده دارد. به‌تاریخ‌صدراسلام مراجعه کنید وببینید اسلام چگونه توانست ازیك جامعهٔ خاموش و بی‌جان جامعه‌ای مترقی وزنده بسازد. آیا نقش اسلام بعنوان یك دین درشکل دادن به مترقی‌ترین جامعه دردنیای آن روز انکارپذیر است؟ جامعه‌ای‌که درآن اخلاق واقتصاد پیشرو باشکوفاترین‌شکلش جلوه‌گر بود.

اگر مطالعهٔ تاریخ اسلام را ادامه دهیم، به‌جائی میرسیم که می‌بینیم مذهب نقش خودرا درجامعه ازدست داده است، ودرست از همانجاست‌که انحطاط مسلمانان شروع می‌شود. بی‌تردید تازمانی که این وضع ادامه داشته باشد، این انحطاط همچون تابعی که متغیرش بی‌نقش‌ترشدن مذهب‌درجامعه‌است روزبروزبیشترمیشود•.

بنابراین، تردیدی نیست‌که چنین مذهبی بجای اینکه بی نقش بودنش راه پیشرفت مردم راهموار کند سدی برسراین راه میشود.

درمورد مطلب سوم، یعنی اینکه‌آیاکشمکشهای مذهبی می‌تواند سبب عقب‌افتادگی یك ملت شود؟ این‌را باید پذیرفت‌که این امر موجب تباهی نیروها میشود وآثار سوئی ازخود بجای می‌گذارد، اما بشهادت تاریخ نمیتواند مانع پیشرفت یك ملت شود.

این‌بار ازتاریخ اروپا مددمی‌گیریم. میدانیم‌که درقرن‌شانزدهم میلادی، قرن رنسانس ودورهٔ پاگرفتن توانائیهای فکری وصنعتی دراروپا بود. به‌تاریخ عمومی (۱) مراجعه کنید وببینید که این‌قرن

• پیروزی انقلاب اسلامی ایران بخوبی نشان داد که یك دین واقعی چگونه می‌تواند ملت‌ها را نجات دهد و راه را برای پیشرفت آنها هموار سازد.

۱ــ برای نمونه «تاریخ عمومی آلبرماله ــ تاریخ قرون جدید» ترجمه دکتر شادمان فصلهای ۵و۶ .

درعین‌حال قرن جنگهای مذهبی و کشمکشهای فرقه‌ای در آن منطقه ازجهان بود. درقرن شانزدهم، ظهور «لوتر» (۱۴۸۳_۱۵۴۶) در آلمان و «کالون» (۱۵۰۹_۱۵٦٤) درفرانسه و پا گرفتن نهضت «پروتستانیسم» Protestantism و «رفورمیسم» Reformism در این نواحی وگسترش آن به سایر نواحی اروپا، این قاره رادر آتش و خون فرو برد.

این همزمانی جنگهای مذهبی ورنسانس می‌تواند بخوبی این مطلب رابه‌اثبات برساندکه: جنگهای مذهبی و کشمکشهای فرقه‌ای نمیتواند مانعی باشد برسرراه پیشرفت یك جامعه، وچه بساکه چنین کشمکشهائی مقدمه‌ای باشند برای شکوفائی جامعه‌ها وعاملی باشند برای فراهم شدن زمینهٔ پیشرفتهای گوناگون.

بنابراین، چگونه می‌توان گفت مردم ژاپن بخاطر دور بودن از تفرقه‌های مذهبی وکشمکشهای فرقه‌ای به‌چنین پیشرفتی دست یافته‌اند؟ انشعاب آئین بودائی به‌فرق گوناگون بخصوص درسالهای بعدازجنك جهانی دوم یعنی سالهای پیشرفت ژاپن از یکسو، و تجربه‌ای‌که درمورد جنگهای مذهبی قرن شانزدهم اروپا وهمزمانی آن باتحرك مردم آن سرزمین و پیشرفتهای آنها داریم از سوی دیگر دلایلی هستند برنادرستی این نظریه، بخصوص که بشهادت تاریخ، یك دین بامحتوا وواقعی بیش ازهرچیز می‌تواند در پیشبرد جامعه‌ها مؤثر وکارساز باشد.

درکنار این مطالب، بدنیست به‌این نکته هم توجه‌کنیم که اگر نظریه مورد بحث واقعاً صحیح باشد باید این پیشرفتها رادر سایر کشورهای خاوردور نیز مشاهده کنیم. تایلند، کامبوج، لائوس، ویتنام وکره نیز پیرو بودیسم هستند. بااینحال چرامردم‌این‌کشورها نتوانسته‌اند درسایهٔ انزواطلبی این آئین به پیشرفتهائی نظیرآنچه درژاپن‌مشاهده‌می‌کنیم دست یابند؟ همهٔ این‌کشورهادچار نابسامانی_

های اقتصادی هستند ودرزمینهٔ صنعتی فاصلهٔ زیادی باژاپن دارند. ازمیان این کشورها وضع تایلندراکه دردهه های اخیراز بلای جنگ هم دوربوده است میتوانید دراین کتاب بخوانید وبااطلاع ازمشاهدات عینی من دراین باره قضاوت کنید. راستی اگر انزواطلبی بودیسم در پیشرفت ژاپن مؤثر بود، چرا کشورهای دیگر خاوردور، که آنهاهم ازموهبت انزواطلبی بودیسم برخوردارند، یکسره ژاپن نشده‌اند؟

واقعیت‌های موجود در ژاپن

اکنون باتوجه به‌اینکه مردم ژاپن ازنظر استعداد و هوش بر سایر ملت‌هابرتری ندارندو پیشرفتهایشان نمیتواند مرهون‌استعداد وقابلیت ذاتیشان باشد، و باتوجه به‌اینکه نظریه یادشده هم‌نتوانست توجیه‌گر خوبی برای رمزاین پیشرفتها باشد، لازم است خودمان به این پرسش پاسخ بدهیم.

بهترین روش تحقیق دریك جامعه، شناخت واقعیت‌های عینی درآن جامعه می‌باشد. اگر بتوانیم واقعیت‌های موجود در ژاپن را بشناسیم، می‌توانیم بخوبی به‌علت یاعلل پیشرفت‌آن کشور پی ببریم.

درژاپن، سنتی بودن مردم، دموکراسی واقعی، عدالت‌اقتصادی وبالابودن سطح آگاهی عمومی بیش ازهرچیز توجه یك انسان کنجکاورا به‌خود جلب می‌کند.

دربارهٔ سنتی بودن مردم ژاپن بمقدار کافی سخن گفتیم، تأثیر این امردرپیشرفت یك جامعه برکسی پوشیده نیست. اگرملتی‌درعین بهره‌گیری‌صحیح ازفرهنگ‌وتمدن بیگانه، «بیگانه‌زده» نشودنه‌تنها چیزی ازدست نمیدهد بلکه همواره برآنچه دارد چیزهائی می‌افزاید وازمجموع آنها وسیله‌ای میسازد برای عبور ازتنگناها ودست‌یافتن به‌جامعه‌ای نیرومند واقتصادی سالم، ژاپنی‌هااین‌چنین عمل کردند. تکنیك غرب راگرفتند وبااصالت شرقی خودبه‌تکمیل‌آن پرداختند.

نتیجه‌آن شدکه به‌پیشرفت صنعتی دست یافتند واز سیئات آن کم و بیش دور ماندند.

دموکراسی رادرژاپن بمعنای واقعی کلمه می‌توان یافت. مردم ژاپن برای بیان افکار وعقائد خودآزادی کامل دارند. برای هیچکس هیچگونه محدودیتی‌درانتخاب راه‌زندگی، پیوستن به‌احزاب،مخالفت یاموافقت باروش حکومت وانتقاد ازقوانین موجود یامورد پیشنهاد دولت وجود ندارد. هرکس می‌تواند باکمال آزادی درمجامع عمومی یاازطریق وسائل ارتباط جمعی عقائد خودرا بیان کند وانتقادات خودرا عنوان نماید.

درخیابانهای توکیو بارها افرادی رادیدم که برروی سکوهایا سقف اتومبیل‌ها میایستادند وبابلندگوهای دستی خود عقائد خودرا برای مردمی‌که دورشان جمع شده بودند تشریح می‌کردند ونظرات اصلاحی خودرا دربارهٔ حکومت ومسئولین امر بـا مردم در میـان میگذاشتند. نمایندگان مجلسین ژاپن نمایندگان واقعی مردم‌هستند وخواسته‌های آنهارا عنوان می‌کنند وبرای تحقق اهدافشان تلاش مینمایند. آنها چاره‌ای جز اینکار ندارند. زیرا درغیر اینصـورت آماج حملات وانتقادات شدید مردم خواهند شد واعتبار ونفوذخود رااز دست خواهند داد.

دراینجا نمونه‌ای ازآزادی مردم ژاپن راکه خود شاهد آن بودم بازگو می‌کنم تادرستی این مدعا که درژاپن دموکراسی را بمعنای واقعی کلمه می‌توان یافت ثابت شود.

دولت ژاپن اخیرا فرودگاه بزرگی درتوکیو ساخته است تاازآن بجای فرودگاه بین‌المللی کنونی توکیو (هاندا Haneda) بهره‌برداری کند. ساکنین اطراف این فرودگاه بخاطر مزاحمتهائی کـه ایـن فرودگاه برای آنها خواهد داشت، به‌مخالفت بـاآن بـرخاستند و تندروها این مخالفت راباانفجار چند بمب به مسئولین امر نشان

دادند و همراه با این کار شکایتی علیه دولت تسلیم دادگاه عالی ژاپن کردند. دولت ژاپن نیز بجای اینکه پاسخ آنهارا باسرنیزه بدهد منتظر رأی دادگاه شد و تاصدور این رأی افتتاح فرودگاه را به تأخیر انداخت.

نباید ازتأثیر انکار ناپذیر آزادی در پیشرفت جامعه غافل بود. درسایهٔ همین دموکراسی واقعی، عدالت اقتصادی برای مردم ژاپن یك واقعیت عینی است نه یك رؤیای شیرین.

اینهاکه برشمردیم، هرچند عوامل مهمی برای پیشرفت ژاپن هستند، امااگر خوب درآنها دقت‌کنیم خواهیم دیدکه همگی باهمهٔ اهمیتی‌که دارند اموری هستند روبنائی‌که خود از عامل مهمتری ریشه می‌گیرند. عامل زیربنائی واصیلی‌که سبب می‌شود ملتی «بیگانه زده» نشود و به هیچ قیمتی آزادی خودرا ازدست ندهد و رویای شیرین عدالت اقتصادی رابه واقعیتی عینی تبدیل کند، بالا بودن سطح آگاهی آن ملت است.

مردم ژاپن هرچند ازاستعداد و هوش متوسطی برخوردارندامادراثر تلاش خستگی ناپذیرشان برای کسب هرچه بیشتر دانش‌ها و مهارت‌ها بابرخورداری‌ازتسهیلات‌لازم‌درامر فراگیری، توانسته‌اند سطح‌آگاهیهای‌خود را بمقدار بسیارزیادی بالاببرند. آنها آنچنان به مطالعه علاقمند هستندکه حتی در بازگشت ازکار طولانی و سنگین روزانه‌شان درحالیکه آثار خستگی رابخوبی می‌توان درچهره‌هایشان مشاهده کرد، سالن قطارهای شهری راباسالن کتابخانه به اشتباه می‌گیرند ولحظه‌ای ازمطالعه غافل نمی‌شوند.

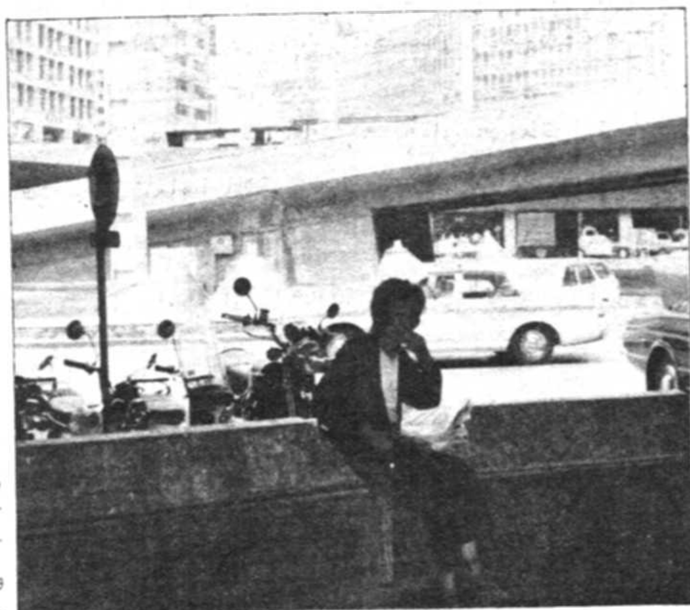
گفته می‌شودبیش‌از ۵۰درصد ژاپنی‌هافارغ‌التحصیل‌دانشگاهها هستند وحدود ۹۵ درصدآنهاتحصیلات‌متوسطه‌رابپایان‌رسانده‌اند. درعین‌حال، مردم ژاپن به‌داشتن ورق‌پاره‌ای بنام «لیسانس» یا «دکترا» دل‌خوش‌نمی‌کنند. آنها درتحصیلاتشان بیشتر دنبال‌فهمیدن



در این عکس، گروهی از مردم توکیو را می‌بینید که در ساعت ۵ بعدازظهر در پایان کار روزانه به خانه‌هایشان برمیگردند. بجز یکنفر که خوابش برده همه مشغول مطالعه هستند. راستی این سالن قطار شهری است یا کتابخانه؟

هستند تابدست‌آوردن مدرك. اینست‌که برای مطالعاتشان مرز و پایانی وجودندارد و همیشه ودرهرسنی کتاب خواندن وکسب دانش‌و مهارت بخشی ازوقتشان راپرمی‌کند. فراوانند ژاپنی‌هائی‌که علاوه بر کار و شغل ورشتهٔ خاص خود از مهارتهای دیگرهم بخصوص در رشته‌های فنی برخوردارند.

درتوکیو گاهگاهی میشود آدمهائی راهم دیدکه به‌دنیا ومافیها می‌خندند وزندگی رابه‌هیچ میگیرند. این افرادکه شاید تعدادشان ازتعداد انگشتان دست هم‌کمتر باشد، باجل‌وپلاسشان از اینجا به آنجا میروند و«هرجاکه شب‌آید» همانجارا سرای خود قرار میدهند. آنها درعین حال‌که دربسیاری چیزها به‌قلندرهای ماشباهت دارند. یك فرق اساسی هم باآنها دارند. این فرق اینست‌که قلندرهای ما چون معتقدند «به‌حق واصل» شده‌اند، دیگر نه‌خدارا عبادت می‌کنند ونه درصدد آگاهی ازاوضاع دنیا هستند. درحقیقت آنهامیخواهند نه‌کاری به‌کار خداداشته باشند ونه خلق خدا. اما قلندرهای ژاپنی درعین‌حال‌که به‌افسانه‌ای بودن‌خدایانشان پی برده‌اند، بدشان نمی‌آید ازحال وکار مردمشان سردر بیاورند. اینست که هروقت خسته



این قلندر را ببینید، از آنهائی است که به دنیا میخندد. با این حال، میخواهد از فرصت کوتاهی که برای سیگار کشیدن گیرآورده استفاده کند و روزنامه‌ای را که در کنار خود گذاشته است مطالعه کند.

می‌شوند جل و پلاسشان را روی زمین میگذارند و درمیان هیاهوی مردم خودرا سرگرم خواندن روزنامه می‌کنند. بنابراین، فرقی که قلندرهای ما با قلندرهای ژاپنی دارند اینست که قلندرهای ما بدون اینکه دنیارا بشناسند به‌آن میخندند ولی قلندرهای ژاپنی میخواهند دنیارا بشناسند و به‌آن بخندند.

بالابودن سطح آگاهی مردم ژاپن راAز تعداد کتابهائی که در هرسال درآن کشور منتشر می‌شود میتوان استنباط کرد. تعداد کتابهای نوی که درهرسال درژاپن منتشر میشوند، برابر است با تعدادکل کتابهائی‌که اززمان اختراع صنعت چاپ تاکنون در ایران منتشر شده‌اند.

دراین زمینه به مطلبی که درروزنامه کیهان شماره ۱۰۳۱۸ چهارشنبه بیست و پنجم آبانماه سال ۱۳۵٦ آمده‌است توجه کنید:

«آمار موجود میگوید : از آغاز صنعت چاپ تا کنون در حدود ۵۰هزار عنوان کتاب و جزوه در ایـران منتشر

شده است . برای مقایسه بد نیست بدانید که در آمریکا سالانه ۱۰۰هزار و در ژاپن و انگلستان در حدود ۵۰ هزار کتاب تازه منتشر می‌شود.»

اهمیت این مطلب آنگاه روشن می‌شود که به‌تاریخ اختراع‌چاپ توجه کنیم. سابقه فن چاپ به‌اوائل قرن پانزدهم میلادی میرسد و درهمان نیمهٔ اول قرن پانزدهم توسط گوتمبرگ (۱۴۰۰ـ۱۴۶۸) تکمیل شد. درایران بهره‌برداری ازچاپخانه دراوائل قرن یازدهم هجری آغاز گردید. (۱)

بنابراین، اگر مقصود از «آغاز صنعت چاپ» آغاز پیدایش‌آن باشد، تاکنون حداقل ۵۵۰ سال ازآن میگذرد، واگر مقصود، آغاز بهره‌برداری ازچاپخانه درایران باشد، تاکنون حدود ۴۰۰ سال از آن میگذرد .

باتوجه به‌تاریخ آغاز صنعت چاپ وتاریخ بهره‌برداری ازآن درایران ازیکسو، وآمار یادشده ازسوی دیگر چنین نتیجه میگیریم که: بنابراینکه مقصود ازآغاز صنعت چاپ، آغاز پیدایش‌آن درجهان باشد، تعداد کتابهای نوی‌که دریکسال درژاپن منتشر میشوندبرابر است باتعداد کتابهائی‌که در ۵۵۰ سال گذشته در ایران منتشر شده‌اند. وبنابراینکه مقصود آغاز بهره‌برداری ازچاپخانه درایران باشد، تعداد کتابهای نوی که دریکسال درژاپن منتشر می‌شوند برابر است باتعداد کتابهائی‌که در۴۰۰ سال گذشته درایران‌منتشر شده‌اند. ببین تفاوت ره ازکجاست تابه‌کجا!

درکنار این مطلب بدنیست این‌راهم بدانید که آکادمی علوم ژاپن‌که مسئول بالابردن سطح آگاهی مردم هم هست، با سرعتی ستودنی کلیهٔ کتابها و نشریات سودمند علمی جهان راکه به زبانهای گوناگون درکشورهای دیگر منتشر می‌شوند به‌زبان ژاپنی ترجمه

۱ـ دائرةالمعارف مصاحب کلمهٔ «چاپ».

میکند ودر اختیار مردم قرار میدهد. بدین ترتیب، ژاپنیها، که شاید به دلیل بی‌نیازیشان کمتر بازبانهای بیگانه حتی انگلیسی آشنا هستند، بدون کمترین زحمتی دراسرع وقت ازآخرین مقالات علمی وفنی باخبر میشوند.

اکنون می‌توانم مطمئن باشم که توانسته‌ام روزنه‌ای در برابر شما برای پی‌بردن به رشد آگاهی درژاپن بوجود آورده باشم. وحالا نوبت شماست‌که باتوجه به‌این مطلب ومطالب گذشته قضاوت‌کنید که آیا ژاپنیها باید این‌چنین پیشرفته باشند یاخیر؟

ضمناً به‌این نکته توجه داشته باشیدکه همه‌چیز درپرتو آگاهی پیشرفته بدست می‌آیدورابطۀ مستقیمی میان سطح آگاهی عمومی یك ملت وچگونگی اوضاع اقتصادی وسیستم حکومتی و پیشرفتهای صنعتی آنها وجود دارد. مردمی‌که باجهل و بی‌خبری وداع‌کنند و به آگاهی ودانش روی آورند، خودبه‌خود به‌چشمۀ زلال آزادی وعدالت اقتصادی ورفاه دست می‌یابند. واینست رمزموفقیت یك ملت.

دریغاکه ملتهای‌مسلمان باداشتن‌آنهمه‌مایه‌های فکری‌وارزشهای معنوی ومیراثهای فرهنگی، «بیگانه زده» شده‌اند وبجای اینکه با جهل و بی‌خبری وداع‌کنند و به‌این میراثها روی آورند، به میراث‌هایشان پشت کرده‌اند و به بی‌خبری روی‌آورده‌اند. راستی اگرآنها بابهره‌گیری ازاستعدادهائی‌که‌دارند به‌فرهنگ درخشان اسلامیشان تکیه می‌زدند وارزشهای خودرا ازیاد نمی‌بردند، علاوه بر غنایشان درزمینۀ معارف پربهای بشری پیشگامان تکنیك جهان امروز نبودند؟!

از یاد نبریم که ژاپنی‌ها فقط تکنیك دارند و از ارزشهای فرهنگی ومعارف بشری ارزشمندی‌که ماداریم محرومند. این محرومیت معنوی چیزی است‌که خود ژاپنی‌ها هم به‌آن واقفند واز

آن رنج می‌برند. آیا فکر می‌کنید اگر ما با تکیه به ارزشهای معنوی خود به پرورش استعدادها می‌پرداختیم وخودرا باآگاهی کامل علیه یغماگران ثروتهای مادی ومعنویمان بسیج میکردیم، بازهم از کشور پیشرفته‌ای چون ژاپن عقب‌تر بودیم؟!

بخش دوم

ادیان و مکتب‌های فکری در ژاپن

مردم ژاپن و مذهب
آئین شینتو
آئین بودائی
مسیحیت
مردم ژاپن و مکتب‌های فکری
علل ناکامی مکتب‌های فلسفی و فکری نو در ژاپن

مردم ژاپن و مذهب

فرهنك ژاپن براساس سه فلسفهٔ دینی بناشده است: آئین بومی شینتو، آئین وارداتی بودائی وآئین کنفوسیوس. آئین کنفوسیوس هرچند درحال حاضر بعنوان یك مذهب پیروان چندانی ندارد، اما تعالیم اخلاقی آن آمیخته باافسانه‌های شینتو وتعالیم بودائی در بافت فرهنگی این کشور سهیم است.

آئین شینتو، مجموعه‌ای است از باورداشت‌های افسانه‌ای مردم ژاپن دردوران باستان. ژاپنیها بدلیل بی‌محتوابودن این افسانه‌ها دربرابر ورود آئین‌های بودائی وکنفوسیوس نارضائی چندانی از خود نشان ندادند وبجای‌آن کوشیدند ضمن اینکه به باورداشت‌های شینتو رنگ دینی میدهند، ازترکیب آنهاوتعالیم آئین‌های وارداتی، آئین دیگری بوجود بیاورندکه دربرگیرندهٔ همهٔ آنها باشد.

ژاپنی‌ها خود درمورد نرمشی‌که پیشینیانشان دربرابرآئین‌های وارداتی نشان داده‌اند حرف دیگری دارند که هرچند نمی‌توانـد به‌تنهائی توجیه‌گراین نرمش باشد ولی بی‌تردید باید آنرا یکی از

عوامل مؤثر دراین امر بشمار آورد. آنها میگویند: این حقیقت‌دارد که به‌اندك بهانه‌ای ازدینی به‌دین دیگر خیز برداشتن دقیقاً کار پسندیده‌ای نیست، اما درشرق طرز تفکری وجود داردکه میگوید «دوتایکی است ویکی دوتا است». این مفهوم فلسفی شامل دین هم می‌شود وهمواره برای شناخت یك مذهب از طریق مذهب دیگر براساس راه ورسمی دوستانه راهی وجود دارد.

بسیاری ازغیرژاپنی‌ها بسختی می‌توانند باور کنند که مردم ژاپن‌هم پیرو آئین‌شینتو هستند وهم بودیسم. کمتر کسی می‌تواند باور کندکه ژاپنیها هنگام تولد کودك یابمناسبت «شیچیگوسان» Shichigosan (جشنی که توسط خانواده‌هائی‌که بچه‌های سه ساله، پنج‌ساله وهفت‌ساله دارند برگزار می‌شود) معبد شینتو را زیارت‌می‌کنند ولی‌مرده‌هایشان رابرسم بودائیگری وبکمك‌روحانیون بودائی ودر قبرستانی‌که درکنار یك معبد بودائی قرار دارد دفن مینمایند.

درمعبد بزرگ ومعروف «میجی» Meiji درتوکیو یك بودیست رادیدم‌که برسم پیروان‌آئین شینتو دراین معبد شینتوعبادت می‌کند. به‌او گفتم: توبااینکه بودیست هستی چرا درمعبد شینتو عبادت میکنی؟گفت: درست بهمان دلیل که پیروان شینتو هم در معابد بودائی عبادت می‌کنند.

یك شاعر قدیمی ژاپنی درکنار یك معبد بزرگ چنین سرود:

«من نمیدانم کدام خدای نگهبان دراینجا نگاهداری می‌شود،
درعین حال، نمی‌توانم ازگریستن خودداری کنم،
تامگر نهایت حق‌شناسی خودرا بجای آورده باشم.»

ژاپنی‌ها درتفسیر این شعر میگویند: بنظر میرسد این شعر کوتاه پراحساس، بی‌میلی ذاتی مردم ژاپن رانسبت به‌اینکه در هر راهی‌که توسط معبودها معین شده قرار گیرند تاکید می‌کند. این

امر نشانهٔ آن نیست که ژاپنیها درمذهب خود فاقد اصالت هستند بلکه نمایشگر تفریط آنها درامر مذهب است. آنها یک حالت خودفنائی راتحمل می‌کنند وسپس به‌آنچه برسر راهشان قرارگیرد بعنوان یك معبود تن درمیدهند.

شعور مذهبی مردم ژاپن خیلی ساده بنظر میرسد ولی طبعاً فوق‌العاده ظریف و پیچیده است. آنهانه مشرکند و نه موحد. ژاپنیها براساس این فلسفه که «یکی دوتااست ودوتا یکی است» پذیرا شدن ادیان متعددرا امر مشکلی نمیدانند. این امر بیش ازهرچیز به‌عدم آگاهی مردم ژاپن ازنقش دین واقعی درجامعه مربوط میشود که البته نتیجهٔ مستقیم بی‌محتوابودن ادیان موجود درژاپن میباشد. درحال حاضر، طبقه تحصیلکرده درژاپن آمادگی بیشتری برای گوش دادن به مطالب یك دین پرمحتوا دارند، هرچند درمیان سایر طبقات هم جستجوگران قابل تحسینی رامی‌توان یافت.

مسیحیت واسلام، دودین آسمانی هستندکه مردم ژاپن‌درقرون اخیر باآنها آشنا شدند. مسیحیت علیرغم سابقهٔ نسبتاً زیادی‌که در ژاپن دارد نتوانسته است جای پای محکمی درآن کشور پیداکند ودر حال حاضر نیز وضع متزلزلی دارد. اسلام بخاطرمحتوای سازنده‌ای که دارد می‌تواند بابهره برداری ازموقعیت بسیار مناسبی که در سالهای اخیر پیدا شده بسرعت درمیان مردم ژاپن گسترش یابد.

آئین شینتو

«شینتو» مذهب رسمی ژاپن است وبیش ازنیمی ازمردم آن کشور پیرو این آئین میباشند. آئین شینتو، مجموعه‌ای است از باورداشت‌های ژاپنی‌های‌عهد باستان که براساس آن کلیه مظاهر طبیعت‌ازماه‌وستاره وخورشیدگرفته‌تاکوه ودریا، خدایان‌جداگانه‌ای دارندکه باید مورد پرستش قرار گیرند. این آئین به پیروان خود

می‌آموزد که نفوس مردگان، جاوید خواهند ماند ولی بهیچوجه حساب وجزائی درکار نخواهد بود. شینتو. پیش ازورود بودائیگری به‌ژاپن حتی درنظر خود ژاپنی‌ها چیزی جز مجموعه‌ای ازافسانه‌های ملی نبود. ورود آئین‌های بیگانه وبخصوص بودائیگری به ژاپن سبب شدکه ژاپنی‌ها به‌فکر بیافتند به‌این افسانه‌ها رنك دینی بدهند وآنرا تحت عنوان «آئین شینتو» به جنك‌آئین‌های وارداتی بفرستند.

درعین حال، خود «شینتو» پس ازآنکه بصورت یك آئین درآمد، دچار انشعابات عمیق فرقه‌ای شد. محصول این انشعاب‌ها در درجه اول عبارتست ازتقسیم شینتو به دوفرقهٔ بزرك «جینجاشینتو» و «شینتوی انشعابی» (۱). درمرحلهٔ بعد، «شینتوی انشعابی» خودبه حدود ۱۶۰ فرقه تقسیم شد.

همزمان بااین انشعابات، تغییرات قابل ملاحظه‌ای نیزدراساس فلسفی آئین شینتو بوجود آمد. در پرستشگاههای عمومی شینتو، خدایان گوناگونی وجود دارند. خدایان: ماه، ستارگان، کوهها، رودها، دریاها، آتش، چهارپایان، سبزیها وبسیاری چیزهای دیگر. ابتدا اعتقاد براین بودکه این خدایان همگی نفوذ خودرا از عالم ماوراء برانسانها اعمال می‌کنند، اما بعدها اعتقاد براین شدکه این خدایان درروح مردم ساکن هستند. بدین‌ترتیب، اعتقاد عمومی‌مردم ژاپن درمورد تبدیل ارواح پاك انسانها به خدایان قدرتمندی که منشأ خیر و برکت هستند پا گرفت. برطبق این عقیده، ارواح انسانهای پاك عبارتند از «کامی‌ها» یاخدایان شینتو. این اعتقادات هرچند ازافسانه‌های باستانی شینتو مایه می‌گیرند، اما تردیدی نیست‌که درپی‌ریزی اساس فلسفی آئین شینتو، تعالیم بودا و کنفوسیوس نیز دارای سهم فراوانی بوده‌اند.

درخلال قرنهای پانزدهم تاهفدهم میلادی تعدادی از مکاتب

۱ـ ودر زبان ژاپنی «کیوهاشینتو» Kyoha Shinto

شینتو مانند «یوشیدا شینتو» و «یوشیکاواشینتو» درحالیکه روح را اساس فلسفهٔ خود قرار داده بودند بوجود آمدند. در پی این توسعه‌ها فرقه‌هائی ظاهر شدندکه ضمن طرفداری ازاصالت شینتو، هرگونه اختلاط بافلسفه‌های وارداتی رامورد حمله قرار میدادند. از این میان، فرقهٔ «سویکا شینتو» کوشید تاهرگونه فلسفهٔ خارجی مانند فلسفهٔ کنفوسیوس و بودارا بزداید وفرقهٔ «فوکوشینتو» به طرفداری ازبازگشت به روزگار افسانه‌ها ودورساختن کلیهٔ افکار روشنگراز حریم شینتو پرداخت. این مکتب‌های افراطی ملی هرچند توانستند به پیروزیهائی دست یابند وشینتو را به سلاحی نیرومند بـرای دسته‌بندی‌های سیاسی ملی تبدیل کنند. اما هنگامیکه ژاپن پس از صدهاسال انزواطلبی درهای خودرا به‌روی مراودات خارجی گشود احساسات افراطی پیروان این مکتبها نیز فروکش کرد.

دولت ژاپن، پس ازجنك جهانی دوم درپی اجراء قانون اساسی جدید، همراه بابرسمیت شناختن فرقهٔ «جینجاشینتو» حمایت خودرا از «شینتوی انشعابی» برداشت. ازآن پس، این فرقه بااتکاء بـر عواطف مردم اداره می‌شود.

همانگونه‌که اشاره شد، «شینتوی انشعابی» ازحدود ۱۶۰ فرقه تشکیل می‌شود. برخی ازقدیمترین ومهمترین فرقه‌های «شینتوی انشعابی» که درحقیقت «فرقه‌های مادر» هستند وهـرکدام دارای شاخه‌های کوچکتر میباشند عبارتنداز: فوسوکیو Fuso Kyo ایزومو-اویا شیروکیو Isomo Oyashiro Kyo کنکوکیو Konko Kyo کوروزومی کیو Kurozumi Kyo ، میسوجی کیو Misogi Kyo. او نتاکه کیو Ontake Kyo شینتوتای کیو Shinto Tai Kyo ، جیکوکیو Jiko Kyo ، شینتوشوزیها Shinto Shuseiha . شینتوتـایزی کـیو Shinto Taisei Kyo وتنری کیو Tenri Kyo.

معابد شینتو

معبد شینتو که ژاپنی‌ها به‌آن «جینجا» Jinja میگویند محل نگهداری خدایان است. ساختمان معابد شینتو بسیار ساده است و مانند همهٔ ساختمانهای سنتی ژاپن ازچوب ساخته شده است. جینجا، معمولا ازپرستشگاه، وضوخانه وساختمانهای مخصوص روحانیون وهمچنین جایگاههای مخصوصی که درآنها شراب نگاهداری می‌شود تشکیل شده‌است. اینهاهمه درباغی پردرخت قرار دارند که در فاصله‌های معینی ازآن دروازه‌های بلندی درمسیر پرستشگاه ساخته شده اند.

پرستشگاه معبد شینتو ازسه قسمت تشکیل می‌شودکه به‌ترتیب عبارتند از: قسمت مخصوص تقدیم هدایا، قسمت مخصوص عبادت وقسمت مخصوص نگهداری خدایان. کسانی که به معابد شینتو میروند تنها می‌توانند برای تقدیم هدایابه قسمت اول معبد که معمولا باایوانی نسبتاً بلند شروع می‌شود بروند. ورود به قسمت آخر، یعنی قسمت مخصوص نگهداری خدایان، برای مردم عادی ممنوع است وبه قسمت دوم، یعنی قسمت مخصوص عبادت تنها کسانی میتوانند بروند که بخواهند بکمك روحانی معبد عبادت خاصی انجام دهند. البته مواقعی که مراسم یاعبادات عمومی برگزار می‌شوند، همهٔ مردم می‌توانند به قسمت دوم معبد وارد شوند.

وضوخانهٔ معبد درقسمت چپ حیاط ودرفاصلهٔ میان آخرین دروازه وساختمان پرستشگاه قرار دارد. ساختمان وضوخانه ازچهار پایهٔ چوبی وسقفی پوشیده ازسفال تشکیل می‌شود که حوضی پراز آب رادرخود جای می‌دهد. حوض وضوخانه دارای آب جاری است وملاغه‌های چوبی بادسته هائی بلند درکناره‌های‌آن دیده می‌شوند.



وضوخانه یک معبد شینتو در شهر کیوتو

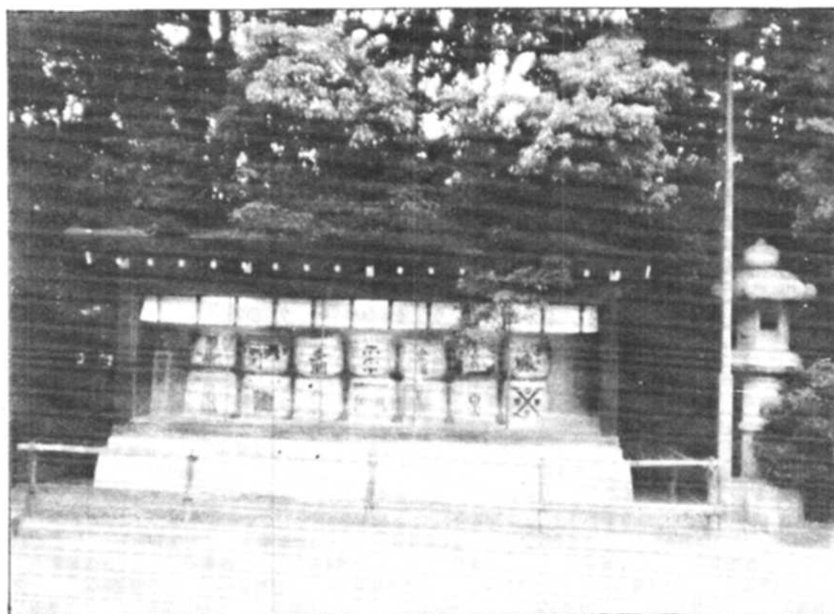
روحانیون شینتو درساختمانهای سنتی مخصوص خود که در فاصلهٔ میان وضوخانه و پرستشگاه قرار دارند، به‌کارفروش حرزها و پاسخ به‌سئوالات مراجعین و بالاخره ادارهٔ امور معبد اشتغال‌دارند. آنهاکه معمولا لباسهائی‌گشاد به‌تن‌دارند وکفشهای چوبی‌مخصوصی به‌پا، همواره آماده‌اند به حاجتمندان کمک‌کنند تاعبادت‌های مورد نظرشان رابرای برآورده شدن حاجاتشان انجام دهند.

درقسمتی ازحیاط معبد جایگاهی وجود دارد که مخصوص نگاهداری شراب است. این شرابها درمراسم مهم توسط حضار به‌مصرف میرسند.

معابد بسیار معروف ومهم شینتو رامیتوان در «ایسه» که‌شهری است درکنار خلیج ایسه درجزیرهٔ هونشو مشاهده کرد. این شهراز مراکز عمدهٔ آئین شینتو می‌باشد. علاوه براین، درکلیه شهرهای مهم ژاپن معابد بزرگ ومعروفی ازآئین شینتو وجود دارندکه از



یک روحانی شینتو در معبد معروف یاساکونی در توکیو . پشت سر او روحانی دیگری را که متصدی فروش حرزهای معبد است می‌بینید .



این جایگاه شراب معبد معروف یاساکونی در توکیو می‌باشد که در آن ١٤ خمرهٔ شراب گذاشته شده است . معمولا در معابد شینتو چنین جایگاههائی وجود دارد .

آن میان معابد «یاساکونی» و «میجی» در توکیو از شهرت خاصی برخوردارند. معمولا درکنار هر معبد بزرگ یك معبد بسیارکوچك و یك مرداب مقدس نیز بچشم میخورد.

عبادات شینتو

عبادات شینتو بردو نوعند: عبادات عمومی و عبادات خاصی که افراد مختلف برحسب نیازمندیها وحوائجشان انجام میدهند. عبادت عمومی شینتو، مجموعه‌ای است ازتقدیم هدایا، کرنش‌ها ودعاها. هدایائی‌که به‌معابد شینتوآورده می‌شوند اصولاخوردنی وآشامیدنی هستند ودرحال حاضر تقدیم پول نیز یکی ازرایج‌ترین شکل‌تقدیم هدایا است. سابقاً پارچه هم جزء هدایا بود. ولی اکنون یك هدیهٔ سمبلیك معروف به «گوهی» یا «نوسا» جای آنرا گرفته است‌که از نوارهای کاغذی بضخامت پارچه تشکیل می‌شود. این هدایا را به چوب یاشاخه‌ای ازدرخت همیشه سبز «ساکاکی» می‌بندند ودرجلوی جایگاه مخصوص تقدیم هدایا قرار میدهند. در اعتقادات شینتو، اهمیت هدایا بعنوان غذای روحی خدایانی که درمعبد نگاهداری می‌شوند دست‌کمی ازساختمان معبد که جایگاه دائمی آنانست‌ندارد.



پیروان شینتو پس از تقدیم هدایا ریسمانی را که از سقف ایوان معبد آویزان است تکان میدهند تا زنگی که به انتهای آن بسته شده به صدا درآید. آنها معتقدند با این عمل خدایان معبد را از کار نیک خود آگاه می‌کنند. ۳۰ جولای ۱۹۷۷ کوبه

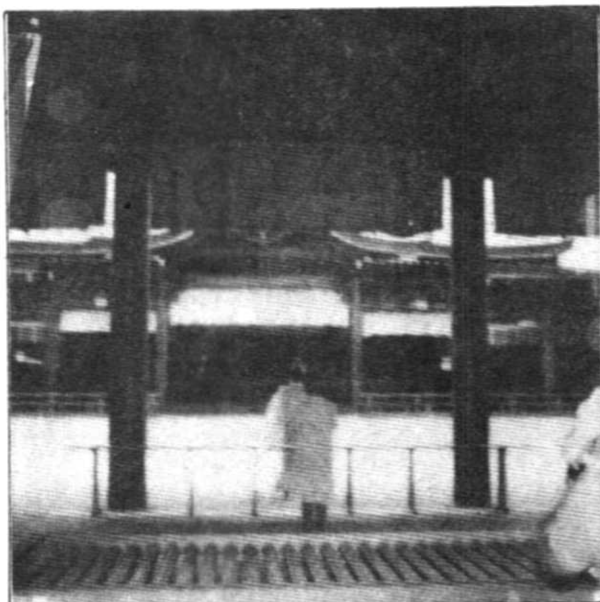
کرنش، درچند لحظه باخم شدن بطریقهٔ تواضع‌صورت میگیرد ومعمولا دعائی به‌همراه ندارد. دعا، مخصوص قسمت دیگر عبادت است که «نوریتو» Norito نام دارد. در این قسمت از عبادت، دعاهائی‌که برروی کاغذ نوشته شده‌اند خوانده می‌شوند. هدف از این عبادت اینست‌که توجه خدایان راباذکر نشانی روشن‌آنان جلب نمایند. دردعاهای شینتو بمنظور اینکه خدایان دربالاترین حدممکن ستایش شوند، اصولا کلماتی بکار گرفته شده‌اندکه در فرهنگ باستانی ژاپن بیانگر عالیترین شکوه وجلال بوده‌اند.

نوع دیگر عبادت شینتو به‌اشخاصی مربوط می‌شودکه حاجتهای خاصی دارند. این افراد همراه روحانی معبد به قسمت مخصوص عبادت میروند وبکمك اودرحالیکه روبه خدایان معبد ایستاده‌اند دعاهائی رامیخوانند تاحاجاتشان برآورده شوند.

پیش ازعبادت، تطهیر لازم است‌که ازسه طریق حاصل میشود: «هارای» Harai یاپلیدی زدائی، «میسوجی» Misogi یا پاکسازی و «ایمی» Imi یاپرهیز .

پلیدی زدائی بقصد ریشه‌کن ساختن ناپاکیهائی‌که دراثر بی‌حرمتی نسبت به‌خدایان پدید می‌آید توسط یك روحانی انجام می‌شود این عمل بدین طریق صورت می‌گیرد که ابتدا شخص مورد نظر هدایای مذکور («گوهی» یا «نوسا») راحاضر می‌کند وسپس شخص روحانی بادست به‌او اشاره می‌کند که طاهر شو. او همچنین سرود تطهیررا میخوانند.

میسوجی یاپاکسازی، بقصد زدودن آلودگیهائی که از طریق تماس باچیزهای ناپاك پیش می‌آیند انجام می‌شود. این‌کارازطریق شستشوومعمولافقط باپاشیدن‌آب‌یانمك صورت‌میگیرد. عبادت‌کنندگان



در این عکس، یک زن حاملهٔ ژاپنی در معبد میجی در توکیو پشت سر یک روحانی شینتو ایستاده است و بکمک او دعاهائی را برای سلامت کودکی که در شکم دارد در پیشگاه خدایان معبد میخواند.
۱۰ جولای ۱۹۷۷

دست ودهان خودرا باآبی‌که بکمك ملاغه‌های چوبی وضوخانه از حوض برمیدارند میشویند.

ازنظر پیروان شینتو، ایمی یا پرهیز جالبترین روشی است‌که برای تطهیر وجود دارد. پلیدی زدائی و پاکسازی سبب حصول تطهیر می‌شوند، درحالیکه پرهیز روشی است‌که باعث اجتناب از ریشه ومنبع گناه وآلودگی می‌شود. پرهیز عبارتست از حفظ محرومیت‌ها وممنوعیت‌های معین.

درگذشته، ازدواج چه درآئین شینتو وچه درآئین بودائی با مراسم مذهبی همراه نبود. ولی درحال حاضر معمول اینست که جشن عروسی دریك معبد شینتو وگاهی هم دریك معبد بودائی برگزارشود. روحانیون شینتوکه درگذشته بهیچوجه حاضر نمیشدند درمراسم مربوط به اموات شرکت کنند، اخیراً آمادگیهائی برای این کار ازخود نشان میدهند.

با وبرداشت‌ها وافسانه‌های شینتو درکتابی بنام «کوجیکی» که پس ازورود بودائیگری به‌ژاپن تدوین یافت جمع‌آوری شده است.

آئین بودائی

بودائیگری که در اواخر قرن ششم پیش از میلاد مسیح توسط «بودا» در شمال شرقی هندوستان پاگرفت، در نیمهٔ قرن ششم‌میلادی از طریق چین و کره به‌ژاپن راه یافت.

درآن هنگام درمیان مردم ژاپن وحتی خانواده‌های قدرتمند آن کشور دربارهٔ اینکه با این دین بیگانه چگونه بایدرفتارکرد، نظریات گوناگونی وجود داشت. پس از گذشت نیم‌قرن، در دوران سلطنت ملکهٔ «رگنانت‌سویکو» Regnant Suiko (۵۹۲ـ۶۲۸ م)آئین بودائی با برخورداری ازحمایت شاهزاده «ریجنت‌شوتوکو» (۵۷۳ـ۶۲۱ م) موقعیت مناسبی در دربار و مملکت بدست آورد.

شاهزاده «شوتوکو» خود یك دانشمند بودائی جدی بود و این امری است که از تفسیر مهمی که او برای روایات بودائی نوشته است بروشنی فهمیده می‌شود. او برتری آئین بودارا توضیح داد و آنرا پایه و اساس حکومت ژاپن معرفی کرد.

بر اساس آنچه در «نیهون‌شوکی (تقویم تاریخ ژاپن) آمده است، امپراطور «کوتوکو» Kotoku (امپراطور سالهای ۶۴۵ تا ۶۵۵م) «طریقهٔ آئین بودارا مهم شمرد و طریقهٔ شینتو را ناچیز انگاشت». او فرمانی صادر کرد که در آن آئین بودا بعنوان دین قانونی مردم اعلام شده بود.

از دورهٔ «نارا» (۷۱۰ـ۷۹۴ م) تا دورهٔ «هیآن» (۱۱۱۲ ـ ۷۹۴م) آئین بودا بعنوان یك آئین ملی درژاپن گسترش یافت واز حمایت کامل دربار برخوردار گردید. این آئین برای اینکه بتواند

بصورت دین فراگیر مملکت درآید، ازسوی امپراطوران وروحانیون بزرگ بعنوان یك مذهب ملی تلقی شد نه‌یك مذهب خارجی. برای نمونه: برطبق آنچه در روایات بودائی (Sutra) آمده امپراطورشومو (امپراطور سالهای ۷۲٤ تا ۷٤۹ م) از آئین بودا بعنوان «مذهب نگهبان کشور» یاد کرده است. در دورهٔ این امپراطور، بسیاری از جشنهای ملی ژاپن در پایتخت باستانی آن‌کشور «نارا» براساس تعالیم بودائی برگزار میشد. در دورهٔ «هیآن» دو روحانی مشهور بودائی «سایچو» و «کوکائی» در وعظ‌های خود گفتند: «آئین‌بودائی یعنی دینی که مملکت را محافظت می‌کند».

از سوی دیگر، چون آئین بودائی همراه با سیل موفقیت‌های علمی و فرهنگی چین وارد ژاپن شد، پذیرش آن برای ژاپنی‌ها بمعنای آشنائی با یك فرهنگ بسیار پیشرفته بود. برای مردم ژاپن چشم‌پوشیدن از آئین بودا از آنجهت که ناقل این فرهنگ بود کار بسیارمهمی بنظر میرسید. آنها که از پذیرش این آئین حمایت میکردند، طبعاً کسانی بودند که با دیدی وسیع و آزاد مشتاق جذب فرهنگ بسیار پیشرفته موجود در چین بودند؛ و آنها که با آن به‌مخالفت برخاستند عقیده داشتند که «بودا» یك خدای اجنبی‌است وبا خدای سرزمینشان مانقه‌الجمع میباشد.

همینکه آئین بودا با برخورداری از حمایت قدرتمندان مشغول ایفای نقش روزافزون مهم خود در فرهنگ ژاپن شد، شکاف میان «خدای اجنبی» و امثال و اقران بومی‌اش رو به‌کاهش گذاشت و سرانجام «بودا» در پی اصلاحات مکرر دارای مشخصاتی کاملاشبیه خدایان شینتو گردید. علاوه براین، همزمان باافزایش یافتن تعداد معابد بودائی، این آئین از طریق پذیرش سنت‌های ملی و وارد شدن در زندگی عامهٔ مردم، از امپراطور گرفته تا مردم عادی، در کلیه طبقات اجتماع نفوذ کرد.

در دوران «کاماکورا» آئین بودائی در ژاپن، همزمان با حفظ روابطش با ادیان دیگر، با پشتکار به تدوین اصول عقائد خود و ریشه‌دواندن در قلوب مردم ژاپن پرداخت. بدین ترتیب، ایـن آئین به‌دورترین نقاط ژاپن راه یافت. دوران «کاماکورا» بخاطر وجود آشوبهای داخلی و تاخت‌وتاز مغولهـا در سالهای ۱۲۷٤ و ۱۲۸۱ با مشکلات فـراوانی بـرای ملت توأم بود. ملت که دچار نومیدی شده بود، در جستجوی راه نجات به‌آئین بودائی چشم‌دوخته بود. روحانیون بودائی بابهره‌گیری از این‌موقعیت‌مناسب توانستند براعتبار این آئین در میان مردم بیافزایند.

برخی از تاریخ‌نـویسان ژاپنی معتقدند در دوران کاماکورا آئین بودائی درست همـان چیزی بود که چنان دوران پرآشوبـی عملا و بیش از حد یك‌تئوری به‌آن نیاز داشت. آنچه موجب گسترش نفوذ این آئین در میان مردم ژاپن در دوران کاماکورا شد سادگی و سهولتی بود که در تفسیر آن بکار رفته بود، بخصوص که این تفسیر با وعدهٔ نجات همهٔ مردم از نخبگان تا مردم عادی همراه بود.

در عین‌حال، اینطور نبود که آئین بودا از سرنـوشت طبیعی ادیان دیگر دور بماند. این آئین، به‌همان سرعت که در میان مردم ژاپن پیش رفت به‌فرقه‌های متعدد تقسیم شد. رهبران این فرقه‌ها ادارهٔ امور خود را برتبلیغ اعتقادات دینشان مقدم میداشتند. غایت آمال آنها تشریفات و ظاهرسازی بود و پیشبرد اعتقادات بودائی در درجهٔ دوم اهمیت قرار گرفت.

به‌تعبیر یکی از نویسندگان ژاپنی «همچنانکه آب در گودال راکد می‌شود و سرانجـام متعفن میگردد، آئین بودائـی در دوران «ادو» (۱۸٦۷ـ۱٦۰۳) نشانه‌های تنزل و سقوط را از خود ظاهر ساخت». درچنین شرایطی بود که فریاد اعتراض علیه آئین‌بودائی بلند شد. تا آنجاکه برخی از پیروان شینتو و دانشمندان ملی‌گرا

معتقد بودند آئین بودائی بدعتی بود که وارد ژاپن شد.

بدین ترتیب، همان بودائیگری که زمانی درعصر شاهزاده شوتوکو نیرومندترین دین دولتی بود و زمانی هم بهنگام بحران حامی روحی مردم ژاپن به‌حساب می‌آمد، آشکارا بعنوان یك بدعت مورد حمله قرار گرفته بود.

در زمان اصلاحات میجی(۱۹۱۲ـ۱۸۶۷)مخالفت بابودائیگری به‌اوج خود رسید. درآن هنگام چنین بنظر میرسید که زمان به‌قرن ششم، یعنی هنگامیکه بودائیگری برای اولین بار به ژاپن معرفی میشد، بازگشته است.

بهرحال، آئین بودائی دراثرکوشش پی‌گیر پاره‌ای ازرهبرانش توانست پس از تحمل امتحانی سخت در دورهٔ اصلاحات میجی به‌راه خود ادامه دهد واعتبار ونفوذ ازدست رفتهٔ خود را تاحدودی تدارك نماید. درحال حاضر با پیدایش فرقه‌های متعددی از بودائیگری که برخی از آنها دارای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی چشمگیری هم هستند،تبلیغات فراوانی به‌سود این‌آئین درسراسرژاپن بعمل‌می‌آید.

نگاهی به محتوای آئین بودائی

در آئین بودائی هم مسألهٔ چند خدائی مطرح است ولی با شینتو این فرق اساسی را دارد که مسألهٔ مکافات عمل و جزا و پاداش را تأیید میکند. البته باید توجه داشت که مکافات عمل در آئین بودائی از راه تناسخ است و با آنچه در ادیان آسمانی بعنوان دنیای دیگر آمده است تفاوت اساسی دارد.

در آئین بودائی اعتقاد براینست که روح هر انسانی پس از مرگ به‌بدن دیگری منتقل می‌شود و در آن بدن به‌مکافات اعمال‌خود درهمین جهان میرسد. بنابراین، جهان دیگری وجود ندارد واصولا نیازی به‌چنان جهانی نیست.

آئین بودائی درمسیرخود از هندوستان تاچین‌دستخوش تغییراتی شد و بطور کلی به دوشاخهٔ اصلی تقسیم گردید. آنچه این دوشاخه را از یکدیگر جدا می‌کند، تفاوت بنیادی دیدگاههای آنها در مورد دنیا است. آئین بودائی ابتدائی، نجات از درد و رنج تناسخ را در ترك دنیا جستجو می‌کند. ولی‌درآئین بودائی جدیداعتقاد براینست که بشر بدون ترك دنیا و با داشتن زندگانی عادی هم می‌تواند از طریق ایمان به بودا و تقدیس او نجات یابد.

در زبان چینی این عقیدهٔ جدید را «ماهایانا» مینامند. «ماها» یعنی بزرگ و «یانا» یعنی گردونه. بدین‌معنی که آئین بودا گردونه‌ای است بزرگ که همه‌کس می‌توانند بوسیلهٔ آن به نجات دست یابند، درمقابل آئین بودائی ابتدائی که «هینایانا» با «گردونهٔ کوچك» نام دارد و براساس آن تنها افرادی‌که بتوانند ازعهدهٔ ترك دنیا برآیند اهل نجات خواهند بود.

بودائیگری موجود در ژاپـن ازنوع «ماهایانا» است کـه نوع پیشرفته‌آنست‌وژاپنی‌هاآنرا «دایجو بوك‌کیو» مینامند. بهمین‌جهت، با اینکه آئین بودائی فی‌نفسه طرفدار انزواطلبی است، بودائیان ژاپن و بخصوص برخی از فرقه‌های جدید نه‌تنها به‌مسائل اجتماعی بی‌توجه نیستند بلکه به‌میدان سیاست هم قدم گذاشته‌اند.

انشعابات بودائیگری

آئین بودائی همراه با نیرومند شدن در ژاپن، آنچنان روحانیت خودرا ازدست داد وفاسد شد که درقرن سیزدهم سبب پیدایش چهار فرقهٔ جدید که هدفشان تطهیر و تصفیهٔ این آئین بود گردید. این چهار فرقه که هنوز هم‌نیرومندانه به حیاتشان ادامه‌میدهند عبارتند از: زن Zen، جودو Jodo، جودوشینشو Jodo-Shinshu یا (شینشو) و هوککه Hokke که به‌آن نیچیرن Nichiren هم گفته میشود.

فرقهٔ «زن» که توسط «ایسای» Eisai (۱۲۱۵_۱۱٤۱م) و «دوجن» Dogen (۱۲۳۵_۱۲۰۰م) از چین به ژاپن منتقل شد. در میان رهبران پرقدرت وفئودالهای حکومت‌شگون‌هادر دورهٔ کاماکورا، که به «سامورای» Samurai معروفند، طرفدارانی پیدا کرد. از دیدگاه فرقهٔ «زن» هرفرد باید نجات خود را از طریق انضباط در ریاضت‌های بدنی و روحی بدست بیاورد وبدینطریق میزان نیروی اراده و قدرت خویشتن داری را که یك «سامورای» بدان نیاز دارد افزایش دهد.

فرقه‌های «جودو» و «جودو شینشو» بترتیب توسط «هونن» Honen (۱۲۱۲_۱۱۳۳م) و یکی از هواداران او بنام «شینران» Shinran (۱۲٦۲_۱۱۷۳م) تأسیس شدند. این دو فرقه که اصول عقائدشان یکی است، برآنند که راه نیل به‌نجات منحصر است به اعتماد مطلق به‌نیروی نجاتبخش «آمیدابودا». این دکترین، در زبان ژاپنی به «تاریکی هونگان» Tariki Hongan بمعنی: نجات‌ازطریق ایمان به‌نیروئی دیگر، معروف است.

درعین‌حال، این دو فرقه در پاره‌ای‌مسائل با هم اختلاف زیادی دارند. فرقهٔ «جودو» مسألهٔ ازبرخوانی ورد «حمد برآمیدا بودا» را مورد تأکید فراوان قرار میدهد، درحالیکه فرقهٔ «شینشو» ایمان به «آمیدابودا» را کافی میداند و به از برخوانی ورد بعنوان یك حالت سپاس قلبی مینگرد.

فرق مهم دیگر اینست که فرقهٔ «شینشو» اصل تجرد و عزوبت روحانیون را، برخلاف اعمال دیگر ریاضت، برسمیت میشناسد. این فرقه از عملیات بودائی تقویت نفس، که روحانیون فرقه‌های «شینگون» و «نیچیرن» را به‌خود مشغول میدارند، بدور است. پیروان این فرقه تنها به «آمیدا بودا» ایمان دارند. آنها درعین‌حال که در برابر مجسمه‌های مؤسس فرقه بعنوان کاشف دکترین «آمیدا

بودا» عبادت می‌کنند، کلیهٔ مجسمه‌های دیگر را طرد مینمایند.

فرقهٔ «هوککه» یا «نیچیرن» که توسط «نیچیرن» Nichiren (۱۲۸۲ـ ۱۲۲۲م) تأسیس شد، تعالیم خود را براساس «هوککیو» یا روایات منقوله‌ای که مطالعهٔ آنها برای تنویر فکر ضروری است بنا کرده است. پیروان این فرقه، ورد «حمد بر مقدسات درخت حقیقت و راستی» رادستجمعی همراه باطبل باصدای بلند میخوانند. فرقه‌های «شینشو» و «نیچیرن» پست‌ترین فرقه‌های بودائی در ژاپن می‌باشند.

دیگر فرقه‌های مهم بودائی در ژاپن عبارتند از:

هوسو، جیشو، ریتسو، شینگون، تندای، یوزونم بوتیسو، ری‌یوکای، ریشوکوسی‌کای و سوکاگاک‌کای که هریك به شاخه‌های متعدد تقسیم می‌شوند.

سه فرقهٔ اخیر ازجمله فرقه‌هائی هستند که پس‌ازجنگ جهانی دوم بوجود آمده‌اند و برخی ازآنها مانند «سوکاگاک‌کای» دارای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نسبتاً گسترده‌ای می‌باشد.

معابد بودائی

معابد بودائی ژاپن، برخلاف معابد شینتو، که معمولا ساده هستند، از شکوه و عظمت ظاهری خاصی برخوردارند. این معابد که معمولا درباغهائی بزرگ دردامنهٔ کوههائی باصفاساخته‌شده‌اند دارای ساختمانهای متعدد بمنظور بهره‌برداریهای اداری، پرورش روحانی وبرگزاری مراسم عبادی میباشند.

معمولا در کنار هر معبد بودائی یك «پاگودا» که بنائی است برج‌مانند وچهارگوش وجوددارد. پاگوداهای ژاپنی‌که زیارتگاه‌های بودائیان این کشورند، از چوب ساخته می‌شوند و سه یا پنج طبقه دارند.

روحانیون بودائی‌که با سرها وصورتهای تراشیده ولباسهای



((پاگودا)) ی پنج طبقهٔ معبد معروف ((دایگوجی)) در شهر ((کیوتو)).

یك تکهٔ زرد یاسیاه روزگارشان رادر معابد میگذرانند، پس از طی دوره‌های تحصیلی به‌ادارهٔ امور معابدو وعظ مردم‌مشغول می‌شوند. یك دانشگاه بودائی درشهر کیوتو وجود دارد که مخصوص پرورش روحانیون و تحقیقات مذهبی است .



یک روحانی بودائی در حال وعظ مردمی که برای گذراندن تعطیل یکشنبه به معبد کهن و معروف «دایتو» در کیوتو رفته‌اند.
۲۴ ژوئیه ۱۹۷۷

معابدی که بودائیها در سالهای اخیر در ژاپن میسازند هرچند فاقد سبك معماری معابد قدیم هستند، اما نشانه‌هائی از عظمت آنها را در خود دارند. معابد بزرگ و قدیمی بودالش در شهر «کیوتو» پایتخت دوره‌های نارا، هیآن، ادو و کاماکورا که دوره‌های قدرت این آئین در ژاپن بودند، از جاذبه‌های مهم توریستی ژاپن بحساب میآیند. هرروز گروه کثیری از مردم ژاپن و خارجیهائی که به‌این کشور سفر می‌کنند به‌دیدار این معابد میروند و از این راه پول فراوانی به‌جیب روحانیون بودائی میریزند.

بودجه معابد و روحانیون بودائی ژاپن بیشتر از همین‌طریق تأمین می‌شود. تنها معبد «دایتو» در کیوتو در هرروز میلیونها «ین» از همین طریق به‌جیب متولیان خود سرازیر می‌کند.

نکتهٔ گفتنی اینست که روحانیون بودائی ازاین پولها به‌نفع مردم استفاده نمی‌کنند واین چیزی است که موجب بدبینی مردم

نسبت به‌آنها شده است. در کیوتو یك رانندهٔ تاکسی را دیدم که بخاطر همین امر از روحانیون بودائی بشدت انتقاد می‌کرد.

عبادت بودائی

بودائی‌ها سه‌نوع عبادت دارند: عبادتهای فردی، عبادتهای عمومی در روزهای مخصوص و عبادتهائی‌که بخاطر امور خاصی از قبیل امراض و گرفتاریها انجام می‌شوند. تنها عبادت‌فردی است‌که بدون کمك روحانی‌صورت میگیرد ولی دوعبادت دیگررا روحانیون بودائی اداره می‌کنند.

کیفیت عبادات بودائی به‌روش‌های گوناگون فرقه‌ها بستگی دارد، اماوجه مشترك میان‌آنهااینست‌که پیروان‌کلیهٔ فرق درمقابل مجسمهٔ بودا که در محراب معبد وجود دارد کرنش می‌کنند. علاوه براین، پیروان هر فرقه در برابر مجسمه‌های مؤسسین فرقه‌ها و مقدساتشان نیز کرنش می‌کنند.

در عبادتهای عمومی علاوه براین کرنش‌ها و خواندن فقراتی از درودها برای ارواح مقدسان، بخور هم سوزانده می‌شود.

بودائیان ژاپن معمولا در خانه‌هایشان معبدهای کوچکی دارند که باکتیبه‌هائی ازمقدسان گذشته واشیاء زینتی دیگرزینت شده‌اند. برروی پله‌های این‌معبدهای خانگی همیشه مقداری غذا ومیوه دیده می‌شود. اهل خانه این غذاهاومیوه‌هارابه ارواح‌گذشتگان وخدایان تقدیم می‌کنند و درمقابل از آنها برکت میخواهند. آنها پیش از خروج از خانه و پس از بازگشت به‌آن و همینطور هنگامیکه صبح از خواب بیدار می‌شوند، زنگ کوچك معبد را به‌صدا درمیآورند و درحالیکه دستهایشان را مقابل صورتشان دارند در برابر معبد به‌کرنش می‌ایستند.

بودائیهادرقبرستانهایشان هم به‌هنگام ادای‌احترام به‌مردگانشان



در این عکس، یک بودائی ژاپنی را در حال عبادت در برابر یک معبد خانگی، که مقداری موز، شراب، شیرینی و هنداوانه بر روی پله‌های آن دیده می‌شود، می‌بینید.

همینگونه کرنش می‌کنند. آنها هر وقت به قبرستان میروند، مقداری غذا و میوه برای هدیه کردن به مردگانشان باخود می برند.



یک برادر و خواهر بودائی با بسته‌ای از غذا و میوه بر مزار پدر.
۱۵ اوت ۱۹۷۷

تعداد پیروان شینتو و بودائیگری در ژاپن

همانگونه که در بخش شناسائی عمومی ژاپن گذشت، براساس آمار ماه مارس ۱۹۷۷، این کشور حدود ۱۱۳/۴۹۰/۰۰۰ نفر جمعیت دارد. از این تعداد، حدود یك‌میلیون نفر پیرو ادیان غیر شینتو و بودائی هستند. بنابراین، حدود ۱۱۲/۵۰۰/۰۰۰ نفر از ژاپنی‌ها پیرو این دو آئین میباشند. اما اینکه ازاین تعداد چندنفر پیرو شینتو و چند نفر پیرو آئین بودائی هستند، بدرستی روشن نیست.

علت این امر اینست که بسیاری از ژاپنی‌ها از اینکه خود را پیرو یکی‌از این دوآئین بدانند اجتناب میورزند و عملا هم به‌شینتو و هم به بودیسم تمایل نشان میدهند. درنتیجه، نمیتوان آمار دقیقی از پیروان این دو آئین در ژاپن بدست آورد.

جالب اینست که در جزوه‌ها و کتابهائی‌که در ژاپن منتشر می‌شوند، برای پیروان این دو آئین ارقامی ارائه می‌شوند که در جمع از تعداد کل جمعیت ژاپن خیلی بیشتر است. دریکی از این کتابها که درسال ۱۹۷۱ نوشته شده است تعداد پیروان شینتو ۷۷ میلیون نفر و تعداد بودیست‌ها ۶۵ میلیون نفر ذکر شده است‌که در جمع می‌شوند ۱۳۵میلیون نفر. درحالیکه طبق آماری که همان‌کتاب ارائه میدهد، جمعیت ژاپن در آن سال کمی بیش از ۱۰۰میلیون‌نفر بوده‌است. نویسندهٔ این‌کتاب، خود این مشکل را بکمك نکته‌ای که ذکر کردیم حل می‌کند. کتاب سال مذهبی ژاپن در ۱۹۷۲ تعداد پیروان شینتو را بیش از۸۳میلیون نفر وتعداد پیروان آئین‌بودائی را بیش از ۸۱ میلیون نفر میداند، درحالیکه مجموع این دو رقم از یك برابرونیم جمعیت ژاپن درآن سال هم تجاوز میکند.

بهرحال آنچه مسلم است و ازکلیهٔ آمارهای ارائه‌شده برمیآید.

اینست که تعداد پیروان آئین شینتو در ژاپن بیش از پیروان آئین بودائی در آن کشور می باشد.

بودائیان ژاپن کتاب مقدس معینی ندارند. پیروان هرفرقه، احکام مذهبی و عبادی خودرا از «سوترا»ها بارواياتی که ازمؤسسین و پیشگامان آن فرقه باقی مانده وتوسط روحانیون تفسیر شده‌اند اخذ می کنند.

---

* درنقل آمار وارقام وسابقهٔ تاریخی آئین‌های شینتو وبودائی ازکتابهای زیراستفاده شده است:

1. The Japanese, Jack Seward, 1977 Tokyo.
2. Religions in Japan, William K. Bunce, 1976 Tokyo.
3. The New Official Guide Japan, Japan National Organization of Tourism. 1975.

مسیحیت

مسیحیت در سال ۱۵٤۹ هنگامیکه «فرنسیس اکساویر» Francis Xavier به همراه دوژزوئیت(۱) اسپانیائی به‌ساحل «کاگوشیما» رسیدند، به ژاپن راه یافت. از آن تاریخ تا سال ۱۵۸۳ مبلغین کاتولیك رم به‌فعالیتهای تبلیغی خود ادامه دادند و به‌موفقیت‌هائی نیز دست یافتند. در آن سال مخالفتهائی علیه مسیحیت در ژاپن آغاز گردید. درسال ۱٦۳۹ دولت ژاپن مبلغان مسیحی را اخراج کرد و هرگونه فعالیت بنفع این دین را ممنوع ساخت.

این وضع تا سال ۱۸۵۳ ادامه یافت. در آن‌سال، در پی تغییراتی که درسیاست خارجی ژاپن بوجود آمد، بار دیگر به‌مبلغان مسیحی اجازه ورود به‌آن کشور وشروع فعالیت‌های تبلیغی داده شد.

درسال ۱۸٦۱ اولین کلیسای ارتودوکس یونانی توسط «پدر نیکلای» درتوکیو تأسیس شدکه هم‌اکنون بانام «کلیسای پدر نیکلای» معروفترین کلیسای توکیو می‌باشد. ازسوی کاتولیك رم نیز دو کلیسا درسالهای ۱۸٦۵ و۱۹۱٤ دردهکده «اوکارامی» که اکنون قسمتی ازشهر «ناگازاکی» است تأسیس شدند. دومین کلیسای این شهر بادومین بمب اتمی‌که دراوت ۱۹٤۵ توسط نیروی هوائی آمریکا برشهر «ناگازاکی» انداخته شد، ویران گردید.

درسال ۱۸٦۷ به مبلغان مسیحی درژاپن رسماً اجازه تأسیس

۱ــ ژزوئیت‌ها (Jesuites) مسیحیانی بودند که پس ازظهور مذهب پروتستان، در اروپا برای حفظ ایمان کاتولیك مدارسی تأسیس کرده به تربیت مذهبی جوانان پرداختند.

مدارس، انتشار رساله‌های دینی و بیان اصول عقائد مسیحیت در بنادری‌که به‌روی بازرگانان خارجی بازبود داده شد. ازآن پس، مبلغان مسیحی باتأسیس مدارس متعدد تحرك تازه‌ای به فعالیتهای تبلیغی خود دادند. ایجاد یك کلیسای متحد دریوکوهاما و یك کلیسای خواهر درتوکیو درهمان سالها ازجمله عواملی بودند که سبب گسترش تبلیغات مسیحیت درژاپن شدند.

براساس آماری‌که «کتاب سال‌مذهبی» ژاپن‌درسال۱۹۷۲منتشر کرده است، درآن سال تعداد کلیساهای مختلف ژاپن به ٦٤٢٤ رسیده بود.

مسیحیان ژاپن فقط درتوکیو ٦ دانشگاه و۷۰۰کلیسادارند. تعداد مبلغین مسیحی درژاپن متجاوز از۳۰ هزارنفر است. آنها علاوه برمدارس ودانشگاهها درکنار کلیساهایشان ساختمانهائی ساخته‌اند که درآنها کلاسهائی برای آموزش زبان وانواع هنرها به دختران وپسران ژاپنی ایجاد کرده‌اند. کتابخانه ودرمانگاه نیز از چیزهائی هستندکه بیشتر کلیساها به‌آنها مجهزند. دراین مراکز، مبلغان مسیحی ژاپن مانند همه مبلغان مسیحی درجهان زیر سرپوش آموزش زبان وهنر وخدمات دیگر، تبلیغاتشان را بخورد جوانان میدهند.

علاوه براینها، بودجهٔ هنگفتی که دراختیار مبلغین مسیحی‌در ژاپن میباشد، به‌آنها اجازه میدهد ازطریق پخش جزوات درمراکز عمومی، اجراء برنامه‌های مذهبی بادراختیار داشتن بخشی ازوسائل ارتباط جمعی وتوزیع انجیل به‌زبانهای ژاپنی وانگلیسی دراماکن عمومی وهتلها به‌تبلیغات خود گسترش بیشتری بدهند. آنهاعهد جدید وعهد قدیم رابترتیب درسالهای ۱۸۷۹ و۱۸۸٦ به‌زبان‌ژاپنی ترجمه کردند واکنون ترجمهٔ ژاپنی آنرا همه‌جا دراختیار مردم‌قرار میدهند. درشهرهای ژاپن، وقتی به‌هتل میروی یکی از چیزهائی

که حتماً دراطاقت خواهی دید یك جلد کتاب جلد قرمز است که وقتی بازش میکنی ترجمه‌های ژاپنی وانگلیسی انجیل رادرکنارهم بر روی صفحات آن می بینی .

واکنش مردم ژاپن در برابر تبلیغات مبلغان مسیحی

علیرغم تبلیغات گسترده وهمه جانبهٔ مبلغان مسیحی در ژاپن، مردم آن‌کشور نه‌تنها به‌دعوت آنان پاسخ مثبت نمیدهند بلکه تاآنجا که ممکن باشد اثراحتمالی تبلیغاتشان راخنثی می‌کنند. در حال حاضر کلیهٔ فرق بزرگ مسیحیت باامکاناتی که دراختیار دارند دست بکار تبلیغات‌درژاپن‌می باشند. فرقه‌های: کاتولیك، ارتودوکس وپروتستان باکلیساهای متعددی‌که ازآنها منشعب شده‌اند ازقبیل: کلیسای برادران مسیحی، کلیسای عیسی، کلیسای حواری،کلیسای ایمانوئل، کلیسای بین‌المللی مسیحی، کلیسای آب‌حیات، کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم، کلیسای اصلاحی، کلیسای میسیونری شرق، مجمع مسیحی وسپاه نجات درشهرهای مختلف ژاپن فعالیت دارند. درعین حال مسیحیت دراین کشور نه‌تنها پیشرفتی نمیکنند بلکه بزحمت می‌تواند به‌حیات خود ادامه دهد.

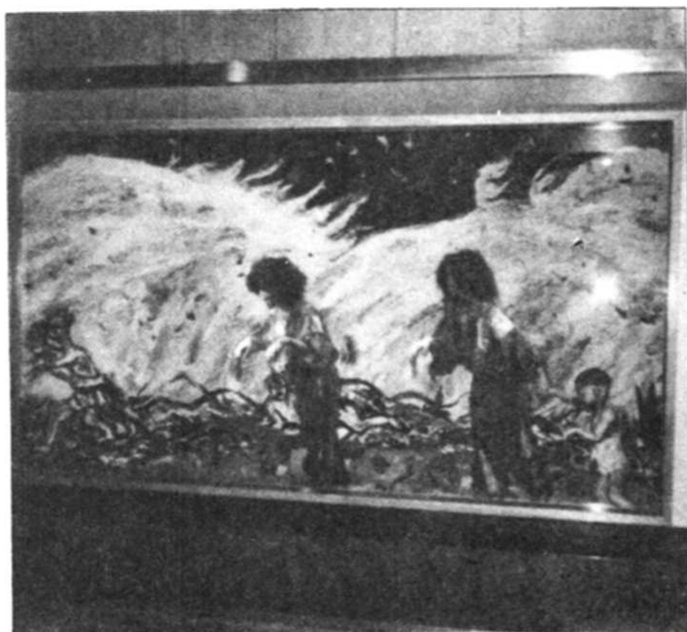
علت این امر چیست؟ پاسخ این پرسش رابهتر ازهرجامیتوان درشهرهای «هیروشیما» و «ناگازاکی» یافت. اینهادوشهری‌هستند که دراثر بمبارانهای اتمی در۱۹٤۵ توسط نیروی هوائی آمریکا ویران شدند. نیروی هوائی آمریکا درششم اوت ۱۹٤۵ برای‌اینکه ارتش ژاپن راکه سرسختانه دربرابر متفقین ایستادگی میکردوادار به‌تسلیم کند، شهر «هیروشیما» راباأولین بمب اتمی باخاك‌یکسان کرد وسه روزبعد بادومین بمب اتمی شهر «ناگازاکی» را دچار همین سرنوشت ساخت. براساس آماری که ازسوی مقامات ژاپنی تایید شد، تنها درفاجعه هیروشمابیش از ۱۰۰ هزارنفر کشته و

حدود ۵۰ هزار نفر مفقود ومجروح شدند. هیچیك از ساختمانهای شهر سالم نماندند وزیان‌های فوق‌العاده زیادی به مزارع اطـراف وارد آمد.

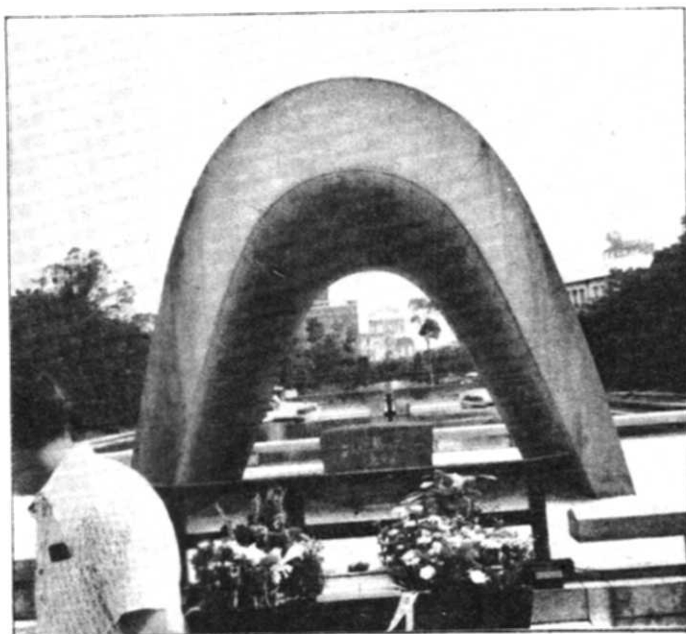
مردم ژاپن، میان این جنایت بزرك آمریکائیها و فعالیت هـای تبلیغی پدران روحانی! پیوندی انکار ناپذیر. می‌بینند و معتقدند این مبشران صلح ومحبت! همیشه وهمه‌جا دلالهائی بوده‌اند برای استثمار آمریکا وکشورهـای اروپائی، ایـن پیشگامان آدم‌کشی و خشونت. آنها فجایع آمریکارا درهیروشیما وناگازاکی به نمایش گذاشته‌اند وبـا تبلیغات دامنه‌دار خود هر بیننده‌ای را نسبت بـه آمریکائیها متنفر می‌کنند.

بودائی‌های ژاپن، از این «نمایشگاه های جنایت» حداکثـر بهره‌برداری را به‌نفع‌خود وبطور غیرمستقیم علیه‌مسیحیت بعمل می‌آورند. درنتیجهٔ این تبلیغات، مردم ژاپـن آنچنان از مسیحیت گریزان شده‌اند که هیچ نیروئی توانائی آنرا ندارد که آنهـا را بسوی کلیسا بکشاند.

درتاریخ ژاپن ازاین موضع‌گیری مردم ژاپن علیه کلیسا به عنوان «یك عکس‌العمل ملی علیه مسیحیت» یاد شده است. دراعتقاد مردم این کشور روحانیون مسیحی هیچ نقشی جزخدمت به منافع جنایت پیشگان غربی ندارند. آنهادراین اعتقادشان آنچنان‌استوارند که تبلیغات روزنامه نگارانی مانند «جان هرسی» که در گـزارش مشروحش ازفاجعه هیروشیما سعی‌کرده است پدران روحانی‌مسیحی رابهترین حامیان وخدمتگزاران مردم ژاپن معرفی‌کند حتی‌نمیتواند آنهارا به تجدیدنظر در طرز فکرشان وادارد. آنها دربارهٔ پدران روحانی ومذهبشان همان نظری رادارند که «جان‌هرسی»درگزارش خود ناآگاهانه اززبان یك ژاپنی فاجعه زده آورده است. او معتقد بود «روحانیون مسیحی جاسوسان آمریکائیها هستند ومذهب‌مسیح



این ماکت که در موزهٔ جنایات اتمی هیروشیما به نمایش گذاشته شده است، صحنه‌ای از فاجعه را مجسم میکند. توده‌هائی از آتش و دود و انسانهائی با لباسهای پاره‌پاره و بدنهای مجروح و خون‌آلود در جستجوی پناهگاه.



بودائیان بر سنگی که در زیر این بنای یادبود نصب شده است نوشته‌اند: ((آرام بخوابید و مطمئن باشید اشتباه ما هرگز بار دیگر تکرار نخواهد شد.)) در انتهای آب‌نما، ساختمان نیمه‌ویران موزهٔ علم و صنعت هیروشیما را که بعنوان نمونه‌ای از فاجعه به همان صورت نگهداری می‌شود می‌بینید.



ساعت ۸ و ۱۵ دقیقهٔ صبح بود که بمب اتمی بر روی هیروشیما انداخته شد. در آن لحظه بسیاری از کودکان در راه مدرسه بودند. این بنا به یادبود کودکانی که قربانی این فاجعه شدند ساخته شده است.

کوششی است علیه کشور ژاپن» (۱)

در بازدیدی‌که از نمایشگاه فجایع اتمی در هیروشیما داشتم، یکی ازمسلمانان معروف ژاپن همراه من بود. او هم مانند من برای اولین بار صحنه‌های دلخراش این فاجعه راکه درنمایشگاه یادشده به‌تماشا گذاشته‌شده‌اند میدید. صحنه‌ها بقدری غم‌انگیز بودندکه اونتوانست اثر عمیق آنهارا درخود پنهان کند. اودرحالیکه بشدت هیجان زده شده بود ومرتب «لااله الاالله» میگفت بااصراز ازمن میخواست هرچه زودتر ازهیروشیما خارج شویم. اومیگفت: «من در اینجا بوی مرده‌ها را حس می‌کنم و صدای بمب‌ها را می‌شنوم».

این تنها اونبود که این‌چنین تحت تأثیر قرار گرفته بود. در راه بازگشت، کلیهٔ افرادی‌که در اتوبوس بودند بشدت ناراحت بنظر میرسیدند. هنگام رفتن به‌محل نمایش فاجعه، همه‌آنهامیگفتند و میخندیدند، اما اکنون سکوتی معنی‌دار برفضای داخل اتوبوس

۱ـ هیروشیما، نوشته جان هرسی، ترجمه چنگیز حیات‌داوودی، چاپ‌دوم صفحه ۸۶

حکمفرما شده بود. همسفران ما به فکر فرورفته بودند. راستی آنها به‌چه‌چیز می‌اندیشیدند؟ لابد به‌اینکه این جنایت بزرگ انسانی را چه‌کسانی بوجود آورده‌اند؟ مسیحیان؟ همانها که خودرا مبشران محبت ونجات و پاسداران صلح میدانند؟

مردم ژاپن مبلغان مسیحی رادراین جنایت سهیم می‌دانند و بهیچوجه حاضر نیستند آنهارا ببخشند.

اینست که مسیحیت بانزدیك چهارقرن و نیم سابقه و باامکانات تبلیغی بسیار گسترده‌ای‌که درژاپن دارد، هنوز نتوانسته است بیش ازهفتصد هزارنفر پیرو دراین کشور داشته باشد. اگر در جائی خواندید ویاازکسی شنیدید که یك ژاپنی مسیحی شده است، قطعاً بدانید پای مسائلی ازقبیل: شغل، بورسهای تحصیلی، مال، سیاست و یالااقل ازدواج درمیان بوده است.

مردم ژاپن و مکتب‌های فکری

ژاپنی‌ها همواره جداازجریانهای فکری وفلسفی جهان، به پاسداری ازفرهنك خاص خودکه دربرگیرنده روایات بازمانده از عهد باستان بود علاقهٔ فراوان نشان دادند. روایات بازمانده ازعهد باستان ژاپن بازگو کننده افسانه‌هائی ازآفرینش جهان و روابط خدایان باهمدیگر می‌باشند. این روایات‌که درکتابی بنام «کوجیکی» گرد آورده شده‌اند، همان باورداشت‌هائی هستندکه پیکرهٔ اصلی آئین شینتو ازآنها بناشده است. آفرینش جزایر ژاپن ــ که براساس این افسانه دنیا درآنها خلاصه می‌شود ــ توسط «ایزاناگی» (خدای مرد) و «ایزانامی» (خدای زن)، پدید آمدن خدایان ماه وخورشید و دریا، تدبیر مزارع و نزول برکت از سوی ارواح مردگان، زاده‌شدن

مردم ژاپن ازخدایان وزاده شدن امپراطور ازخدای خورشیدمحتوای اصلی روایات بازمانده ازعهد باستان راتشکیل میدهند. مردم ژاپن درطول اعصار وقرون همواره کوشیدند تااین افسانه‌هارا از هرگونه جریان فکری وفلسفی بیگانه حفظ کنند واز آنها بعنوان پایه‌های اصلی فرهنگ ژاپنی حمایت نمایند.

اعتقاد به‌این باورداشت‌ها تااواخر قرن نوزدهم میلادی درمیان مردم ژاپن همچنان دوام داشت. دراین قرن، با آغاز دورهٔ میجی (۱۸٦۷) و گشوده‌شدن درهای ژاپن به‌روی تمدن‌های پیشرفته، جنبشی برای دورریختن خرابه‌ها و پی‌ریزی فرهنگی نو برای این کشور آغاز شد وژاپنی‌ها توانستند عقب‌ماندگی فرهنگی خود را دریابند و برای جبران‌آن به تلاشی پی‌گیر دست بزنند. درپی همین جنبش بودکه مکتب‌های فکری نو به‌ژاپن راه یافتند و برخی از آنها توانستند تاحدودی درمیان مردم این کشور نفوذ کنند.

اما ازآنجاکه ژاپنی‌ها ذاتاً بافلسفه‌های بیگانه میانه‌ای نداشتند، این بارهم مانند پیشینیانشان، که فلسفه‌های کنفوسیوس و بودارادر افسانه‌های شینتو هضم کرده بودند وباهمه نیازی‌که به حاملان‌چینی آنها بخاطر فرهنك درخشان وپربارشان احساس میکردند تسلیم آنها نشده بودند، روی خوشی به فلسفه‌های وارداتی اعم ازالهی ومادی نشان ندادند. آنها باحفظ روحیه سنتی خود، بجای هرگونه مکتب فکری، صنعت پیشرفتهٔ غرب راپذیرا شدند و بی‌امان کوشیدند تاعقب‌ماندگی خودرا ازکاروان پیشرفتهٔ تکنیك جبران کنند.

بدین ترتیب، هنوز شهد فلسفه‌های کهنه و نو شرق و غرب‌در کام ژاپنی‌ها فرونرفته بودکه نفت شرقیان ودودکارخانجات غربیان یکایك سلولهای بدن آنهارا پرکردند. ژاپنی‌ها که درپی سرازیر شدن اسکناسها ازبازارهای مصرف به ژاپن از طعم شیرین رفاه سرمست شده بودند، ترجیح دادند دستهایشان رادر چاههای سیاه

نفت فرو ببرند اما درحناهای رنگارنگ فلسفه‌های شرق و غـرب نگذارند.

علل ناکامی مکتب‌های فلسفی و فکری نو در ژاپن

آقای «ایوامورا» شرق شناس معروف ژاپنی و استاد دانشگاه کیوتو درگفتگوئی‌که بامن داشت ناکامی مکتب‌های فکری و فلسفی نو درژاپن رامعلول توجه فراوان ژاپنی‌هـا به رفاه وزندگی مـادی میدانست. اومیگفت: همین امر سبب شده است بحث هائی کـه سالها پیش درزمینهٔ فلسفه‌های گوناگون شرق وغرب به‌روزنامه‌ها ومحافل‌علمی راه‌یافته بودند متوقف‌شوند بطوریکه اکنون‌کوچکترین اثری ازآنها درجامعهٔ ژاپنی باقی نمانده است.

اگر سنتی بودن وروح آزادیخواهی مردم ژاپن رابرآنچه‌آقای «ایوامورا» گفته است بیافزائیم، به‌علت یاعلل ناکامی فلسفه های چپ ومکتب‌های فکری واقتصادی منشعب شده ازآنها هم که دراین کشور درحال عقب‌گرد هستند پی‌خواهیم برد.

دربخش شناسائی عمومی ژاپن، مطالبی دربارهٔ سنتی بودن و آزادیخواهی مردم ژاپن بیان شد. دراینجا لازم است به رفاهی که مردم ژاپن ازآن برخوردارند توجه کنیم‌و به اثرعمیق‌آن درگرایش‌ـ های فکری آنها بیاندیشیم.

آنچه میتوانم دراین زمینه بگویم اجمالی است ازدو مطلب‌که مشمهود خودمن هستند. یکی پیشرفت فوق‌العاده ژاپن و دیگـری رفتاری‌که درآن کشور باکارگران میشود.

مطلب اول، یعنی بیان پیشرفت ژاپن وره‌آوردهای آن بـرای مردم آن‌کشوررا باید ازافرادی که در زمینه‌های صنعتی تخصص دارند وازژاپن دیدن کرده‌اند شنید. اجمال مطلب اینست‌که: آنچه دولت ژاپن بعنوان بازده این پیشرفت‌ها دراختیار مردم آن کشور

قرار داده است برای یك انسان که درکشورهائی مثل ایران زندگی می‌کند راستی شگفتی‌زا است. درنتیجه، همانگونه‌که یك استاد اقتصاد درکلاس درس مرکز همکاریهای بین‌المللی ژاپن در توکیو میگفت: «۸۹ درصد مردم‌ژاپن درشرایطی مشابه ازیك زندگی مرفه برخوردارند واین رقم تاچندسال دیگر به حدود ۱۰۰درصد افزایش خواهد یافت.» مشاهداتی‌که من درژاپن داشتم درستی این گفته را برایم به‌اثبات رساند. من دردورافتاده‌ترین روستاهای آن‌کشورمردم رادیدم که ازآب وبرق وتلفن وکلیهٔ امکانات رفاهی دیگر بهره‌مند بودند.

دربارهٔ مطلب دوم هم باید بگویم: رفتار کارفرمایان باکارگران درژاپن براساس اسلوبی صحیح وانسانی استوار است. کارفرمایان هرروز پیش ازشروع کار به‌کارگرانشان فرصت میدهند درمحوطهٔ کارگاه یاکارخانه همراه باآهنك مخصوص ورزش و تعلیم استاد ورزش مدتی به‌تربیت بدن بپردازند. درکارخانه‌ها درفاصله‌های



در اینجا گروهی از کارگران ژاپنی را می‌بینید که در کنار کارگاهشان در حال ورزش صبحگاهی هستند. توکوشیما ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۷

معینی ازروز غذاهائی‌که دارای مواد لازم برای تأمین نیروی بیشتر ونشاط کافی هستند دراختیار کارگران گذاشته میشود. کارفرمایان براساس قوانین موجود، باتوجه به‌سابقهٔ کار وسن وتعداد افراد خانوادهٔ کارگران به‌آنها حقوق کافی میدهند ورفتاری بسیار خوب باآنها دارند. بارها رفتار کارفرما باکارگررا درژاپن دیدم.تعجب میکنید اگربگویم رفتار برادر بابرادر نه رفتاربرده‌دار بابرده!

علاوه‌براینها، توجه به‌روش دولت باکارگران اهمیت فراوان دارد. دولت ژاپن کلیه خدمات وکمکهای لازم رااعم از بیمه های گوناگون وخدمات رفاهی ودرمانی وورزشی دراختیار کارگران ژاپنی قرار میدهد.

بااینحال آیا فکر می‌کنید ژاپنی‌ها به مکتب‌های یادشده‌گرایش تازه‌ای نشان خواهند داد؟

بیائید پاسخ این پرسش راهم ازواقعیت‌های موجود در ژاپن بگیریم. درتابستان سال ۱۳۵٦ همزمان بادیدار من ازژاپن، انتخابات سنای آن کشور برگزار شد. نکتهٔ قابل توجهی‌که درنتایج این انتخابات وجود داشت، عقب‌گرد محسوس سوسیالیست ها و کمونیست‌ها وموفقیت قابل توجه بودیست‌ها بود. درجدول زیر تعداد کرسیهای جدید وکرسیهای سابق احزاب نشان داده شده‌اند.

نام احزاب	تعدادکرسیهای‌سابق	تعدادکرسیهای‌جدید
دموکراتهای آزاد	٦٥	٦٣
سوسیالیست‌ها	۳۲	۲۷
بودیست‌ها	۱۰	۱٤
کمونیست‌ها	۹	٥
سوسیال دموکراتها	٥	٦
لیبرالهای جدید	۰	۳
گروههای مختلف	۰	۳
منفردین	۳	٥

ملاحظه میفرمائید که در این انتخابات، سوسیالیست ها ٥ کرسی وکمونیست‌ها ٤ کرسی ازدست دادند، درحالیکه بودیست‌ها ٤ کرسی جدید بدست آوردند.

نکته‌ای که براهمیت پیروزی بودیست‌هادر برابر احزاب چپ‌گرا میافزاید اینست که حزب بودیست‌ها یعنی حزب Komeito که به فرقهٔ بودائی «سوکاگاک‌کای» وابسته است توانست کلیه کاندیدا هـای خودرا به‌مجلس بفرستد. بدین معنی که این حزب دراین انتخابات ١٤ کاندیدا داشت که همگی انتخاب شدند.

راستی شمافکرمیکنیدژاپنی‌ها باخصوصیات اخلاقی‌وروحی‌شان وبارفاهی که ازآن برخوردارند وآزادیهائی که دارند، بازهم درپی آن خواهند بود که سرخی پرچمشان از آنچه هست بیشتر شود؟!

بخش سوم

اسلام
در
ژاپن

فصل اول

ورود اسلام به ژاپن

تاریخچه ورود اسلام به ژاپن

راههای ورود اسلام به ژاپن

۱ـ مهاجرت

۲ـ جنگ

۳ـ تجارت

تاریخچه ورود اسلام به ژاپن

دربارهٔ تاریخ اسلام درژاپن، تاکنون مطالب چندانی نوشته نشده است. ازاینرو برای این دین مقدس الهی سابقهٔ تاریخی روشنی درژاپن نمی‌شناسیم واطلاعات ما دراین‌باره به اظهارات و نوشته های‌مسلمانان کنونی‌آن کشورمحدوداست. براساس‌این‌اظهارات ونوشته ها، مردم ژاپن از یك قرن پیش بااسلام آشنا شدند و ازآن هنگام تاکنون جسته‌گریخته اقداماتی برای گسترش این دین در میان ژاپنی‌ها بعمل آمده است.

هرچند محرومیت شدید مردم ژاپن ازارتباط بادنیای خارج درزمانهای پیش ازدورهٔ میجی رامی‌توان مانع بزرگی برای ورود اسلام به‌آن کشور دانست، ولی باتوجه به‌نفوذ دیرپای اسلام در کشورهای همسایهٔ ژاپن وبادرنظر گرفتن پیروان فراوانی‌که این دین دربسیاری ازکشورهای خاوردور ازقبیل چین، کره، فیلیپین ومالزیا دارد بسیار بعید بنظر میرسد ژاپن تااواخر قرن نوزدهم از اسلام بی‌خبر مانده باشد. بهرحال، تنها در محدوده یك قرن‌اخیر

است که اسلام در ژاپن کارنامهٔ روشنی دارد.

در بیان مطالب این کتاب دربارهٔ اسلام درژاپن، تاآنجا که به سابقهٔ اسلام ومسلمانان درآن کشور مربوط می‌شود، اظهارات و مدارك شخصی مسلمانان مسن وسابقه‌دار ژاپنی که خود پاره‌ای از عمرشان رادر مصاحبت اولین مسلمانان ژاپن صرف‌کرده واسلام خودرا ازآنان گرفته‌اند، مستند من است. کمااینکه دربیان اوضاع کنونی اسلام ومسلمانان درژاپن، ازهیچ منبعی جزمشاهدات عینی وبررسی‌های شخصی خودم درآن کشور استفاده نکرده‌ام. بدین ترتیب، آنچه دراین کتاب دربارهٔاسلام درژاپن‌میخوانید واقعیتهائی هستند که ازهرگونه افراط وتفریط دورند ودربیان آنها هرگز به گفته‌ها و نوشته‌های بی‌مأخذ تکیه نشده است.

همانگونه‌که اشاره شد، پیش ازآغاز دورهٔ میجی قرنها بودکه ژاپن درهای خودرا به‌روی دنیای خارج بسته بود. باآغاز دورهٔ میجی (ازسال ۱۸۶۷) مردم ژاپن ضمن برقرار کردن روابط تجاری و سیاسی باکشورهای آسیائی واروپائی توانستند بااسلام‌آشناشوند.

در سال ۱۸۷۷ کتابی بنام «زندگانی محمد» که‌توسط یکی از نویسندگان اروپائی نوشته شده بود، اززبان انگلیسی به زبان ژاپنی ترجمه شد واین اولین کتابی بودکه ژاپنی‌ها درآن چیزهائی دربارهٔ اسلام میخواندند. درسالهای بعد، کتابهای دیگری دربارهٔ اسلام درژاپن منتشر شد که بیشتر آنها از سوی مبلغان مسیحی تهیه میشد. مسیحیان باانتشار این کتابها سعی داشتند از اسلام چهرهٔ نادرستی درژاپن ترسیم کنند.

درسال ۱۸۹۰ دوکشتی عثمانی برای دیداری دوستانه از ژاپن به‌بنادر این کشور وارد شدند ومقدمات برقراری روابط میان‌ژاپن ودولت عثمانی رابعنوان یك کشور اسلامی فراهم ساختند. این‌دو کشتی هرچند در راه بازگشت به‌ترکیه غرق شدند، اما کوششی که

ژاپنی‌ها برای نجات سرنشینان آنها بعمل آوردند اثر عمیقی در تحکیم دوستی طرفین ازخود بجای گذاشت وراه را برای آشنائی بیشتر مردم ژاپن بااسلام ومسلمانان هموار کرد.

درپی این آشنائی‌های مقدماتی، دراوائل قرن حاضر سه‌تن‌از مردان سرشناس ژاپنی مسلمان شدند. اولین مسلمان ژاپنی شخصی بود بنام «میتسوتارویاماؤکا» که در سال ۱۹۰۹ در چین مسلمان شد ودرهمان سال به مکه رفت ودرسال ۱۹۳٤ باردیگر اعمال حج را انجام داد. اودر سفر دوم خود به مکه از کشورهای چین، هند، افغانستان، ایران، عراق وسوریه دیدن کرد وپس از بازگشت به ژاپن ازدنیا رفت.

دومین مسلمان ژاپنی تاجری بود بنام «احمد اریجا» که در بمبئی اسلام آورد واو نیز مانند «میتسوتارویاماؤکا» به انجام اعمال حج توفیق یافت. سومین ژاپنی مسلمان شخصی بود بنام «ایپای تاناکا» که استاد دانشگاه «دایتوبونکا» در توکیو بود.

بنابه‌اظهار کلیهٔ مسلمانان سابقه‌دار ژاپنی که با آنها گفتگو داشتم، این سه مسلمان ژاپنی پس ازاسلام آوردن لحظه‌ای ازتبلیغ اسلام درمیان مردم میهن خود غفلت نکردند وتا زنده بودند همچون سربازانی فداکار همواره درخدمت اسلام بودند. آنها توانستند با کوشش‌های پی‌گیر خود گروهی ازژاپنی‌هاراکه اکنون برخی ازآنها بعنوان مسلمانان سرشناس ژاپن شناخته می‌شوند مسلمان کنند.

راههای ورود اسلام به ژاپن

درمحدودهٔ تاریخ روشن اسلام درژاپن، یعنی دریك قرن‌اخیر، سه‌راه برای ورود اسلام به این‌کشور سراغ داریم:

۱ـ مهاجرت

مؤثرترین عامل معرفی اسلام به ژاپنی‌ها پس از آشنائی‌های مقدماتی آنها بااین‌دین، مهاجرت گروهی از مسلمانان ترک‌شوروی به‌ژاپن بود. این گروه‌که حدود ۳۰۰ خانوار بودند درپی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی ازآن کشور مهاجرت کرده ازطریق چین و کره به‌ژاپن رفتند ودرشهرهای توکیو، ناگویا وکوبه مستقر شدند. این افراد توانستند دوستی ومحبت مردم ژاپن رانسبت بخود جلب کنند ودین اسلام رابیش‌ازپیش به‌آنان بشناسانند.

درحال حاضر، هنوز می‌توان تعدادی ازپیشگامان این مهاجرت گروهی رادر جامعهٔ مسلمانان ترك ژاپن دید. آنها ازرفتاری که دولت ومردم ژاپن درپی ورودشان به‌آن کشور باآنها داشتند راضی هستند وتوفیقشان رادر ساختن مساجد وحفظ اعتقادات وبرگزاری مراسم اسلامی مرهون پشتیبانی آنان میدانند. درعین حال، این مسلمانان درانجام رسالت تبلیغی‌شان درجهت گسترش اسلام در ژاپن توفیق چشمگیری نداشتند.

درجستجوی علل این ناکامی میتوان گفت: ازمطالعه تاریخ زندگی این‌مسلمانان‌درژاپن درخلال‌نیم‌قرن‌گذشته‌ازیکسو، وبررسی اوضاع کنونی آنها درآن کشور ازسوی دیگر روشن می‌شودکه این افراد بعلت اینکه دراثر مهاجرت دچار نارسائیهائی درامر معاش شده بودند، چاره‌ای جزاین نداشتند که دروطن ثانوی خود بیش از هرچیز به‌تشکیل زندگی جدیدبیاندیشند وکمتر به‌فکر تبلیغ‌دینشان باشند. نکتهٔ دیگر اینکه درمیان این‌گروه افراد تحصیل‌کرده کم بودند وآنهاهم‌که تحصیلاتی داشتند اطلاعاتشان از تعالیم اسلام ناچیز بود.درنتیجه، بااینکه زمینهٔ گسترش اسلام‌درژاپن درآن‌زمان

خوب بود، مسلمانان مهاجر نتوانستند آنچنان که باید توفیق چشمگیری در این امر پیدا کنند.

بااینهمه، هرچند این مسلمانان نتوانستند سبب گسترش اسلام درمیان مردم ژاپن شوند، اما همانگونه که اشاره شد عامل بسیار مؤثری برای شناساندن این دین به‌آنها بودند وگروهی از آنهارا نیز مسلمان کردند.

در کنار مهاجرین ترك، باید مسلمانان دیگری را هم که از سایر کشورها ازجمله پاکستان، هند، ایران، کشورهای عربی، مالزیا وفیلیپین به‌علل گوناگون به‌ژاپن مهاجرت کردند نام برد. این مسلمانان نیز بنوبه خود درشناساندن اسلام به مردم ژاپن و گسترش آن درمیان آنها سهیم هستند.

۲ـ جنگهای ژاپن با کشورهای مجاور

پیش از جنگ جهانی دوم، ژاپن با برخی از کشورهای مجاور ازجمله چین وکره درگیریهائی داشت که درپاره‌ای موارد به پیاده شدن واقامت قوای ژاپنی درآن ممالك انجامید. درجریان جنك جهانی دوم نیز قوای نظامی ژاپن درسنگاپور، اندونزی، فیلیپین ومالزیا پیاده شدند.

یکی ازنتایجی که این جنگها ببار آوردند، آشنائی ژاپنی‌ها با زندگی مسلمانان درکشورهای یادشده بود. درچین وکره وسنگاپور واندونزی ومالزیا وفیلیپین وهرنقطه دیگر ازآسیا واقیانوس آرام که ژاپن به‌آنجا نفوذ میکرد، نظامیان ژاپنی وهمکاران غیرنظامی‌شان بامسلمانان درتماس بودند واعمال ورفتارشان رازیرنظر داشتند و ازاین‌رهگذر با تعالیم اسلام آشنا میشدند. دراین تماسها گروهی از ژاپنی‌ها شیفتهٔ تعالیم اسلام ورفتار مسلمانان کشورهای یادشده در زندگی روزمره‌شان شدند واسلام آوردند.

درمیان مسلمانانی که درژاپن باآنها گفتگو داشتم، به تعدادی ازاین افراد برخوردم. آنها درپاسخ این پرسش من که چگونه مسلمان شده‌اید جریان تماسشان بامسلمانان کشورهای دیگرراکه باژاپن در جنك بودند برایم شرح میدادند ومیگفتند که دراثر این تماسهابه مسلمانان علاقمند میشدند وهمانجا یاپس ازبازگشت به ژاپـن و تحقیق بیشتری دربارهٔ اسلام به‌این‌دین‌مقدس میگرویدند. برخی از این افراد توانستند پس ازبازگشت به‌ژاپن، زن‌وفرزندان وتعدادی از دوستانشان را هم مسلمان‌کنند وبدین‌ترتیب گامی برای‌گسترش اسلام در کشورشان بردارند.

درصفحات آینده، ضمن بررسی فعالیت‌های مؤسسات اسلامی ژاپن ومعرفی گروهی ازمسلمانان فعال درآن‌کشور، با تعدادی از ژاپنی‌ها که درجریان جنگهای ژاپن باکشورهای مجاور مسلمان‌شدند آشنا خواهید شد.

۳ـ تجارت

درتاریخ اسلام، همواره آندسته ازتجار مسلمان‌که بمسئولیت سنگین دینی خود توجه داشتند، درجهت گسترش این دین مقـدس الهی درسراسر جهان دارای نقش بسیار سازنده‌ای بودند. ازمطالعه تاریخ اسلام درکشورهای خاوردور بخوبی روشن میشود که تجار مسلمان درآشنا ساختن مـردم آن کشورها بااسلام سهم بزرگـی داشته‌اند. ژاپن نیز یکی ازهمین کشورها است.

بگفتهٔ مسلمانان بومی ژاپن، بازرگانان مسلمانی‌که ازشبه‌قاره هند وکشورهای عربی به‌ژاپن سفر میکردند کوشش فراوانی برای معرفی‌اسلام به‌مردم‌آن‌کشور مینمودند. دردهکده «اوواساچوماتوموررا» درکنار شهر زیبای «ناروتو» درجزیرهٔ شیکوکو به دیدار زن‌وشوهر سالخورده‌ای‌که ازجمله مسلمانان پاکدل ژاپن هستند رفتم. آقـای

«ذکریا ناکایاما» وخانم «مریم ناکایاما» ۲۰سال پیش دراثر تبلیغ یك جواهرفروش مسلمان پاکستانی بنام «مطیع والا» اسلام‌آوردند. آنها درگفتگویشان بامن، ازاین تاجر روشن‌ضمیر ومتعهد مسلمان آنچنان به‌نیکوئی سخن میگفتند که گوئی اورا جزئی از وجود خود میدانند.

مطیع والا، سالی چندبار به «ناروتو» میرفت و ضمن انجام کارهای تجاری خود تلاش پی‌گیری برای تبلیغ اسلام درمیان مردم آن ناحیه بعمل می‌آورد. او هربار که به‌این شهر میرفت مردم رابه دورخود جمع میکرد واسلام رابه‌آنان می‌آموخت. دراثر تبلیغات او ۴۰ نفر ازمردم «ناروتو» اسلام آوردند.

جالب اینست که این مسلمان خدمتگزار درمیهمانیهائی که به هزینهٔ خود ترتیب میداد ازمردم به‌گرمی پذیرائی میکرد وحتی با انفاقهای سخاوتمندانهٔ خود ازمستمندان دلجوئی مینمود و بدین ترتیب توجه آنهارا به اسلام جلب میکرد.

تاسف آقای «ذکریا ناکایاما» دراین بودکه «مطیع والا» بعداز چندی ازدنیا رفت وآنها ازمصاحبت بااین مسلمان فداکار محروم ماندند.

این، نمونه‌ای است ازتلاشهای پی‌گیر بازرگانان مسلمان برای تبلیغ اسلام درژاپن، هرچند تعداد بازرگانان مسلمانی که‌توانستند درژاپن به اسلام خدمت کنند کم‌بود، ولی تردیدی نیست که آنان دراین تلاش سازنده نقش ارزنده‌ای داشتند وتوانستند به مسئولیت ووظیفهٔ خود عمل کنند.

ازسوی دیگر، باید بخاطر داشت‌که بازرگانان ژاپنی نیز دراین امر سهم قابل ملاحظه‌ای بعهده داشتند. احمد اریجاکه یکی ازاولین مسلمانان ژاپن بود، تاجری بودکه دریکی ازسفرهای تجارتی‌اش به هندوستان دربمبئی مسلمان‌شد. اودربازگشت به‌ژاپن تلاش‌فراوانی

برای آشنا کردن مردم کشور خود بااسلام بعمل آورد ودراین راه به موفقیت‌هائی هم دست یافت.

بدین‌ترتیب، می‌بینیم‌که اسلام عزیز، نه از طریق مبلغان روحانی، بلکه ازطریق مهاجرین وتجار مسلمان وحتی بوسیلهٔ خود ژاپنی‌ها به‌ژاپن راه یافت وهمه‌جا بااستقبال گرم مردم آن کشور مواجه شد. راستی هیچ فکر کرده‌ایدکه اگر رهبران روحانی ما از همان ابتدای دورهٔ میجی، که ژاپن درهای خود را به‌روی خارجیان گشود وهرگونه تبلیغات مذهبی راآزاد اعلام کرد، با موقع شناسی خاصی‌که باید هرمسلمان آگاهی ازآن برخوردار باشد دست بکار تبلیغ اسلام درآن کشور میشدند چه پیشرفت سریعی درانتظاراسلام درآن کشور بود؟ برخلاف مسیحیت‌که ژاپنی‌ها هیچگاه روی خوشی به‌آن نشان ندادند، اسلام درصد سال تاریخ روشن خود در ژاپن با هیچ مانعی زوبرو نشد و ژاپنی‌ها همواره در برابر تبلیغات مسلمانان از خود واکنش‌های مساعدی نشان‌دادند. بااینحال، آیا ما بخاطر کوتاهیهائی‌که دراین زمینه داشته‌ایم مسئول نیستیم؟

فصل دوم

فعالیت های اسلامی در ژاپن

پیش از جنگ نفت :

۱ـ بنای مساجد

۲ـ ترجمه قرآن کریم به زبان ژاپنی

۳ـ تشکیل انجمن‌های اسلامی

۴ـ مسافرت گروههای تبلیغی به ژاپن

جنگ نفت و آثار آن در ارتباط با فعالیت‌های اسلامی در ژاپن

پس از جنگ نفت :

۱ـ گروه تبلیغی عربستان سعودی

۲ـ گروه تبلیغی جمعیة‌الدعوة‌الاسلامیه

فعالیت‌های اسلامی درژاپن راباید دردو مرحله بررسی کرد: مرحلهٔ پیش ازجنك نفت‌ومرحلهٔ بعداز جنك نفت.

مقصود از «جنك نفت» همان بحران انرژی است که در پی جنك ۱۹۷۳ اعراب واسرائیل پدید آمد. دربارهٔ این بحران وآثار ناشی ازآن درژاپن درارتباط بااسلام بعداً بحث خواهیم کرد. آنچه لازم‌است دراینجا مورد توجه قرار گیرد اینست که جنك نفت منشاء تحول قابل ملاحظه‌ای درفعالیت های اسلامی درژاپن بود. این تحول توانست به‌فعالیت‌های اسلامی درژاپن ابعاد جدیدی ببخشد وفصل تازه‌ای درتاریخ‌این فعالیت‌ها درآن‌کشور بگشاید. ازاینرو لازم‌است فعالیت‌هائی راکه قبل و بعداز جنك نفت درجهت گسترش اسلام در ژاپن صورت گرفته‌اند جدا ازیکدیگر مورد مطالعه قرار دهیم.

پیش ازجنگ نفت :

فعالیت‌هائی‌که پیش ازجنك نفت درجهت گسترش و تبلیغ اسلام درژاپن بعمل آمده است، میتوان درچهاربخش مورد نظر قرار داد :

۱ـ بنای مساجد

درسالهای پیش ازجنك جهانی دوم، سه مسجد درژاپن ساخته شده بود ولی درحال حاضر مسلمانان آن کشور تنها دومسجد دارند. مساجد یادشده درشهرهای توکیو، کوبه و ناگویا ساخته شده بودند. مسجد ناگویا درجنك بین‌المللی دوم دراثر بمباران ویران شد و پس ازآن هیچگاه کسی برای ساختن مسجد جدیدی بجای مسجد ویران شده‌که اکنون هیچ اثری ازآن باقی نمانده است اقدامی بعمل نیاورد.

مسجد کوبه

اولین مسجدی‌که درژاپن ساخته شد، مسجد کوبه بود. این مسجد راترکهای مهاجر بکمك مسلمانان چینی، هندی و پاکستانی مقیم شهر کوبه ساختند ودردوم سپتامبر ۱۹۳۵ آنرا افتتاح‌کردند. مسجد کوبه‌که ساختمانی زیبا ومحکم دارد، درزمینی به مساحت تقریبی ۴۰۰ مترمربع بناشده ودرمحلهٔ «ناکایاماته» قرار دارد. در کنار این مسجد ساختمانی باچهار اطاق وجود دارد که از آنها بعنوان کتابخانه و کلاسهای درس استفاده می‌شود.

این مسجد، درشهر کوبه دارای اهمیت خاصی است واز اماکن معروف ودیدنی شهر بحساب می‌آید. علت این امر آنست‌که علیرغم ویرانیهائی‌که در جریان جنك جهانی دوم درکوبه روی داد، مسجد این شهر بدون آنکه کوچکترین آسیبی ببیند سالم باقی ماند و موجب جلب توجه مردم شد. وقتی به نقشهٔ شهر کوبه نگاه می‌کنید، مسجد این شهررا می‌توانید بطورمشخص برروی‌آن ببینید درحالیکه از کلیسا و معابد شینتو و بودائی درآن خبری نیست.



در این عکس، مسلمانان مقیم کوبه را می‌بینید که چهار ماه پس از افتتاح مسجد آن شهر در پایان مراسم عید فطر (۲۷ دسامبر ۱۹۳۵) بر روی پله‌های در ورودی مسجد اجتماع کرده‌اند.



مسجد کوبه

مسجد توکیو

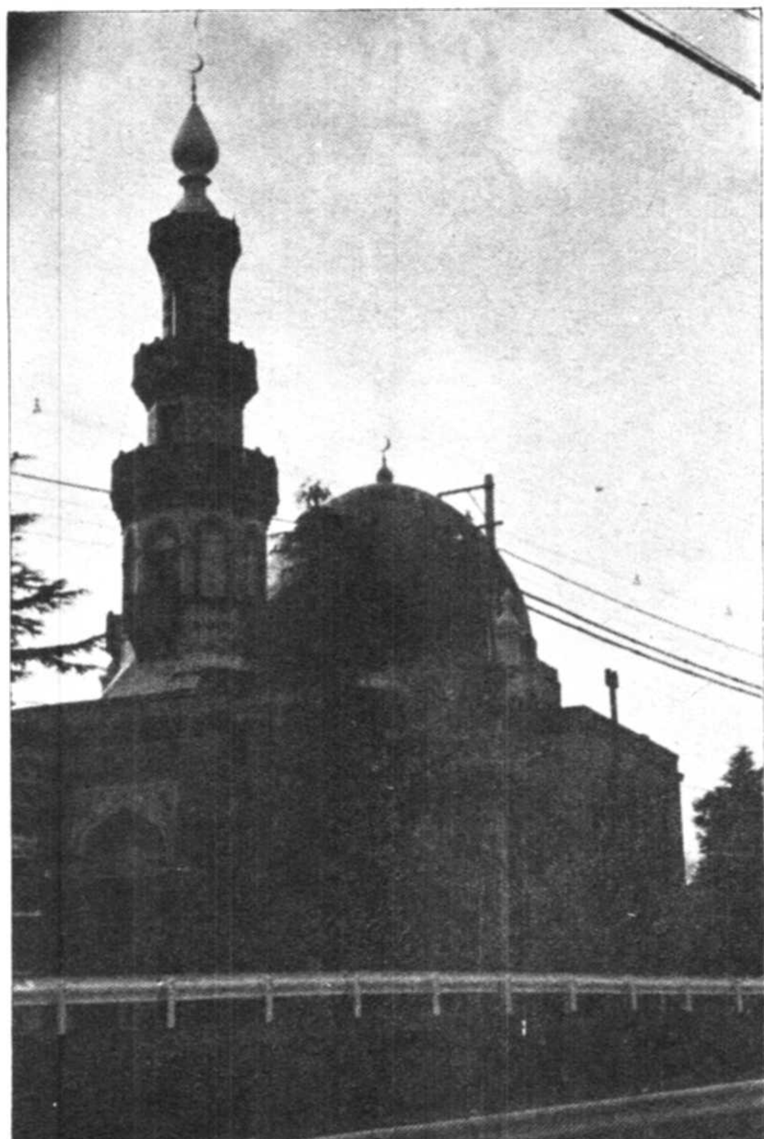
دومین مسجدی که در توکیو ساخته شد، مسجد توکیو میباشد. در بنای این مسجد نیز مسلمانان ترک سهم مهمی داشتند. رهبر این مسلمانان، مرحوم محمد قربانعلی که ازخادمان کوشای اسلام درژاپن بود توانست بکمك دیگر مسلمانانی که ازکشورهای مختلف به‌ژاپن رفته بودند و با برخورداری ازحمایت مسلمانان ژاپنی وحتی تعدادی ازغیرمسلمانان آن کشور، این مسجد رابنا کند ودر ۱۲ مه ۱۹۳۸ آنرا افتتاح نماید. (۱)

مسجد توکیو که درمحلهٔ «یویوگی» درمنطقهٔ «شیبویا» واقع در قسمت غربی شهر توکیو قرار دارد، درزمینی به‌مساحت تقریبی



گروهی از مسلمانان مقیم توکیو در مراسم افتتاح مسجد توکیو (۱۹۳۸)

۱ــ اخیراًباخبر شدیم گروهی از مسلمانان «کیوتو» به‌رهبری آقای «محمدمصطفی کمورا» بخشی ازیك ساختمان رادرشهر «اوساکا» بصورت شبستان مسجددرآورده وآنرا برای اداء نماز وبرگزاری مراسم دینی دراختیار مسلمانان آن شهر قرار داده اند.



مسجد توکیو

۵۰۰ مترمربع ساخته شده است. درکنار این مسجد یك ساختمان دوطبقه قرار داردکه محل سکونت امام‌مسجد است وانجمن مسلمانان ترك مقیم توکیو نیز درطبقه دوم آن تشکیل میشود.

امام مسجد توکیورا همواره ازمیان مسلمانان ترك برمیگزیدند وگاهگاهی ازوجود مبلغانی‌که برای یك اقامت تبلیغی کوتاه مدت‌از

کشورهای اسلامی به‌توکیو میرفتند استفاده میشد. درعین حال، مسلمانان ترك امامت این مسجد را همواره بعنوان حق مسلم خود قلمداد میکنند واین امر درمیان سایرمسلمانان و بخصوص مسلمانان ژاپنی باناخشنودیهائی همراه بوده ومیباشد.

مدتها بودکه امامت مسجد توکیو بعهدهٔ شخصی بنام «عینان صفا» که کاسبی ازگروه ترکهای مهاجر است، بود. اودر سالهای اخیر بعلت نابینائی وعوارض ناشی از سالخوردگی نمیتوانست از عهدهٔ وظائف خود برآید. ازینرو، درپی تقاضائی‌که سفارت ترکیه درتوکیو ازدولت متبوع خود بعمل آورد، شخصی بنام «حسین باش» ازترکیه برای امامت مسجد یادشده درنظر گرفته شد ودرجمعه ۱۲ اوت ۱۹۷۷ بابرگزاری نماز جمعه به انجام وظیفه دراین مسجد مشغول گردید.


آقای حسین‌باش امام جدید
مسجد توکیو

آقای حسین باش‌که ۳۶ سال دارد، پس‌از فراغت ازتحصیل دررشتهٔ تجارت درآنکارا به کار تبلیغ‌دین‌وامامت درمساجدآن‌شهر پرداخت. هنگامی‌که من درساختمان محل اقامتش درکنار مسجد توکیو به دیدار اورفتم، اوباهیچ زبانی جزترکی آشنائی نداشت.

امام جدید علیرغم نارسائیهائی که درزمینهٔ علوم اسلامی و زبانهای خارجی دارد، مسلمانی علاقمند به‌خدمت وانسانی متواضع وخوش‌برخورد بنظر میرسد. بهرحال، برای اینکه دریابیم او چه نقشی درساختن مسلمانان توکیو ایفا خواهد کرد باید کمی صبر کنیم .

۲ـ ترجمه قرآن کریم به زبان ژاپنی

یکی ازاقدامات بسیار مهمی‌که درجهت خدمت بـه اسلام و

شناساندن آن به‌مردم ژاپن در سالهای پیش‌ازجنگ نفت بعمل‌آمد، ترجمهٔ قرآن کریم به‌زبان ژاپنی بود. مسلمانان مهاجر، در همان سالهای اول ورودشان به‌ژاپن به‌فکر انجام این کار افتاده بودند. اولین ترجمهٔ قرآن کریم به‌زبان ژاپنی درسال ۱۹۲۹ چاپ و منتشر شد.

باتوجه به‌اینکه مسمانان مهاجر مقیم ژاپن بعلت عدم تسلط برزبان ژاپنی توانائی لازم رابرای ترجمهٔ قرآن کریم به‌این زبان نداشتند، وازسوی دیگر مسلمانان ژاپنی نیز بعلت عدم آشنائی با زبانهای عربی وانگلیسی ومفاهیم اسلامی نمی‌توانستند ازعهدهٔ چنین کاری برآیند، بناچار انجام آنرا بعهدهٔ شخص غیرمسلمانی بنام «ك. ساکاموتو»، که بخاطر مطالعاتش درباره اسلام وآشنائی‌اش بازبانهای عربی وانگلیسی احتمالا بیش ازدیگران قدرت انجام آنرا داشت، گذاشتند. بااینهمه، اولین ترجمهٔ ژاپنی قرآن کریم خالی ازنقص نبود. بهمین جهت درسال ۱۹۳۸ ترجمهٔ دیگری از قرآن‌کریم منتشر شد که‌یکی از مسلمانان معروف ژاپنی بنام «احمد اریگتا» درکار تهیه‌آن بایك غیرمسلمان ژاپنی بنام «ج. تاکاهاشی» همکاری کرده بود.

درسالهای بعد نیز سه ترجمهٔ دیگر ازقرآن کریم منتشر شدکه همهٔ آنها توسط‌افراد غیرمسلمان تهیه شده بودند. سرانجام، در سال ۱۹۷۲ ترجمهٔ جدیدی‌که ششمین ترجمهٔ قرآن کریم به زبان ژاپنی بود همراه بامتن عربی منتشر شد. این ترجمه، توسط آقای «عمرمیتا» که ازمسلمانان معروف وسابقه‌دار وخوشنام ژاپن است وبا مسافرتهائی که به عربستان سعودی وسایر کشورهای اسلامی نموده بمقدار قابل ملاحظه‌ای بافرهنك اسلامی آشنائی پیدا کرده است، تهیه شد. این ترجمه، یکسال بعد، یعنی درسال ۱۹۷۳ بدون متن عربی تجدید چاپ گردید.

دراینجا برای اینکه خوانندگان عزیز ازجزئیات بیشتری درمورد کلیهٔ ترجمه‌های یادشده آگاهی یابند، خلاصهٔ مطالب مربوط به هریك ازآنهارا می‌آوریم :

ـ اولین ترجمه، ازانگلیسی به‌ژاپنی، توسط آقای «ك. ساکاموتو» K. Sakamoto (غیر مسلمان) بعمل آمده و بدون متن عربی در سال ۱۹۲۹ دریك جلد بچاپ رسید.

ـ دومین ترجمه، ازانگلیسی به ژاپنی، توسط آقای «ج ـ تاکاهاشی» G. Takahashi (غیرمسلمان) به کمك آقای «احمداریگنا» A. Arigna بعمل آمده وبدون متن عربی درسال ۱۹۳۸ در یك جلد به‌چاپ رسید.

ـ سومین ترجمه، ازانگلیسی به‌ژاپنی، توسط آقای «س. اوکاوا» S. Okawa (غیرمسلمان) بعمل آمده وبدون متن عربی درسال ۱۹۵۰ دریك جلد به‌چاپ رسید.

ـ چهارمین ترجمه، ازعربی به‌ژاپنی، توسط آقای «ت. ایزوتسو» T. Izutsu (غیر مسلمان) مستشرق و اسلام‌شناس معروف ژاپنی بعمل آمده وبدون متن‌عربی درسال ۱۹۵۷ در سه جلد بچاپ رسید.

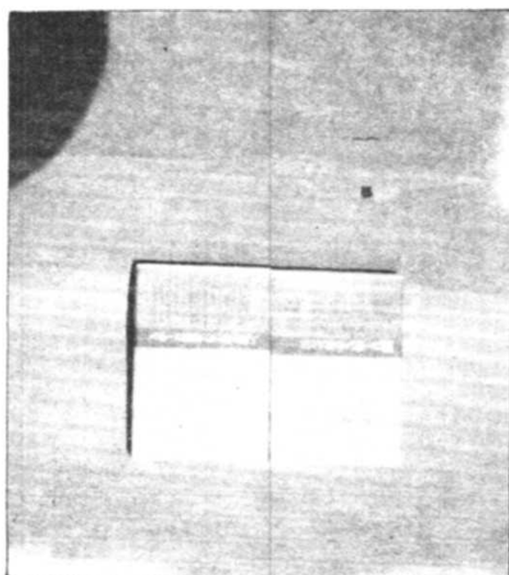
ـ پنجمین ترجمهٔ، از زبان‌عربی به‌ژاپنی، توسط پرفسور «بان» Ban و پرفسور «ایکادا» Ikada (غیرمسلمان) استادان زبان عربی دردانشگاه اوساکا بعمل آمده و در سال ۱۹۷۰ در یك جلد به‌چاپ رسید.

ـ ششمین ترجمه، ازانگلیسی به‌ژاپنی، توسط آقای «عمرمیتا» O. Mita (مسلمان) بعمل آمده و همراه با متن عربی در سال ۱۹۷۲ در یك جلد به‌چاپ رسید و در سال ۱۹۷۳ بدون متن عربی تجدید چاپ شد.

برخی از مسلمانان ژاپنی صاحب‌نظر معتقدند در میان ترجمه‌های موجود، ترجمهٔ آقای «ایزوتسو» و آقای «عمرمیتا» بهتر



قران کریم ترجمهٔ آقای
((ت. ایزوتسو))



قران کریم ترجمهٔ آقای
((عمر میتا))

از سایر ترجمه‌ها میباشند.

۳ـ تشکیل انجمن‌های اسلامی

یکی دیگر از فعالیت‌هائی که درسالهای پیش از جنگ نفت در

جهت خدمت به‌اسلام و مسلمانان در ژاپن صورت گرفت، تشکیل انجمن‌های اسلامی در آن کشور بود. این انجمن‌ها که بمنظور ایجاد پیوندهای بیشتر میان مسلمانان و شناساندن هرچه بیشتر اسلام به‌مردم‌ژاپن بوجود آمده بودند، معمولا‌دارای تشکیلات‌خاصی نبودند و ازمیان آنها تنها سه انجمن توانستند با پشت‌کار و نظم تقریباً قابل ملاحظه‌ای به‌کار خود ادامه دهند.

تعداد این انجمن‌ها تقریباً برابر با تعداد ملیت‌هائی بود که مسلمانان ژاپن را تشکیل میدادند، یعنی هرگروه از مسلمانان که دارای ملیت خاصی بودند انجمنی بنام خود تأسیس میکردند و در مواقع معین دورهم جمع‌میشدند وضمن‌برگزاری مراسم‌دینی باهم به مذاکره و مشاوره می‌پرداختند و در مورد کارهائی که باید انجام بدهند تصمیم‌هائی میگرفتند. این انجمن‌ها که معمولا مقر خاصی نداشتند و درخانه‌های‌اعضاء تشکیل جلسه میدادند عبارت‌بودند از: انجمن مسلمانان ترك، انجمن مسلمانان پاکستانی، انجمن مسلمانان هندی، انجمن مسلمانان چینی، انجمن مسلمانان اندونزیائی و مالزیائی و انجمن مسلمانان عرب.

تشکیل این انجمن‌ها که در عین اسلامی بودن رنگ ملیت‌های جداگانه را بخود گرفته بودند، هرچند تاحدودی برای تقویت پیوندهای‌موجود میان مسلمانان در چهارچوب همان ملیت‌های خاص سودمند بود ولی بهرحال چیزی نبودکه با تعالیم اسلامی کاملا سازگار باشد. اسلام با رساترین بیان و بیشترین تأکید مرزهای میان ملیت‌ها را برداشته و همواره سیاه و سفید و زرد و سرخ راکنار هم‌نشانده و بجای معیارهای نادرست ملیت‌پرستان قرون و اعصار معیار تقوا را به‌ارمغان آورده است. و این برعهدهٔ مسلمانان است که وقتی از کشورهای اسلامی دور می‌شوند و به‌کشورهائی چون ژاپن میروند که در آنها از تعالیم اسلام خبری نیست، بجای آنکه

اسیر آب‌وخاك باشند بیش از هرچیز پیوندهای خود را با مسلمانان دیگر استوارتر کنند و برابری و برادری اسلامی را عملا در برابر چشمان غیر مسلمانان به‌نمایش بگذارند.

در پی احساس همین ضرورت بود که رهبران مسلمانان مقیم توکیو از ملیت‌های گوناگون بفکر تشکیل یك انجمن‌اسلامی افتادند که دربرگیرندهٔ کلیهٔ مسلمانان از ملیت‌های مختلف باشد. این‌انجمن درسال ۱۹۵۲ بانام «انجمن مسلمانان ژاپن» تشکیل شد.

انجمن دانشجویان مسلمان ژاپن نیز یکی ازانجمن‌هائی است‌که باهمین دید و به‌ابتکار چندتن ازدانشجویان مسلمان غیرژاپنی مقیم توکیو در سال ۱۹۶۰ آغاز به‌کار کرد. این‌انجمن هم‌اکنون درحالیکه در برگیرندهٔ دانشجویان مسلمان ژاپنی نیز هست باموفقیت به‌کار خود ادامه می‌دهند. انجمن دوستی اسلامی ژاپن نیز در شهر «کیوتو» مشغول فعالیت شد و برای‌تبلیغ‌اسلام در نواحی جنوب‌غربی ژاپن وشناساندن آن به‌مردم آن‌ناحیه منشاء خدمات باارزش گردید.

بهرحال، آنچه مسلم است اینست‌که تأسیس انجمن‌های یادشده در ژاپن‌را بایدیکی ازگامهای‌مثبت درجهت‌خدمت به‌اسلام درآن‌کشور در سالهای پیش از جنگ نفت دانست. دربارهٔ این انجمن‌ها و فعالیت‌های آنها درفصل‌بعد که‌مخصوص شناسائی انجمن‌های اسلامی و بررسی فعالیت‌های آنها است به‌تفصیل سخن خواهیم گفت.

٤ـ مسافرت گروههای تبلیغی پاکستان به‌ژاپن

یکی از اقدامات بسیار سودمند برای شناساندن اسلام به‌مردم ژاپن، مسافرتهائی بود که گروههای تبلیغی پاکستان به‌آن کشور کردند وبافعالیت‌های مخلصانه خود آثار فراموش ناشدنی بسیاری در میان ژاپنی‌ها بجای گذاشتند. این مسافرت‌ها در سالهای پیش از جنگ نفت صورت گرفت و مبلغین پاکستانی توانستند با این اقدام

گروهی از ژاپنی‌ها را به‌اسلام عزیز هدایت کنند.

بررسی‌های من‌دراین‌باره نشان‌میدهند: رمز موفقیت‌این‌مبلغان این بود که آنها مسلمانانی عامل بودند و رفتارشان بامردم بهترین معرف اسلام بود. در ژاپن با افرادی برخورد و گفتگو داشتم که در اثر تبلیغات این مبلغان اسلام آورده بودند. آنها میگفتند: مشاهدهٔ رفتار و کردار این مسلمانان ما را شیفتهٔ آنان کرد و همین امر سبب شد ما در بارهٔ اسلام بیاندیشیم و سپس مسلمان شویم.

بگفتهٔ مسلمانانی‌که مبلغین‌پاکستانی رادرسفرهای تبلیغی‌شان به ژاپن دیده‌اند، این مبلغین نه‌تنها در رفتار بامردم بلکه حتی در شیوهٔ بحث و مناظره‌هم نمونه‌های ارزنده‌ای بودند از تربیت‌یافتگان واقعی مکتب قرآن. آنها در پاکستان تعلیمات لازم را برای شناخت اسلام و شیوهٔ تبلیغ دین فرا گرفته‌و برای انجام این‌منظور به‌کشورهای غیراسلامی سفر میکردند. نتیجهٔ این تبلیغات در ژاپن وجود گروهی مسلمان پاکدل است که اسلام خود را مدیون این مبلغان میدانند و همواره از آنها به‌نیکی یاد می‌کنند. تعداد این مبلغان و تعداد دفعاتی‌که آنها به ژاپن رفتند و همینطور مقدار وقتی که هربار در آن کشور اقامت میکردند هرچند در مقایسه با نیازهای ژاپن ناچیز بود، اما نیت پاك و پشتکار آنها سبب شدآثار قابل ملاحظه‌ای ازآنها باقی بماند.

جنگ نفت و آثار آن در ارتباط با فعالیت‌های اسلامی در ژاپن

تاچند ماه پس ازجنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳ هیچگونه تشکیلات رسمی ازسوی کشورهای‌اسلامی برای‌تبلیغ اسلام درژاپن وجود نداشت.این جنگ‌که سرآغاز تحولی آشکار در مبارزات اعراب بود، نتایجی بهمراه داشت که یکی ازآنها جنبش تبلیغات اسلامی در خارج‌ازکشورهای اسلامی از جمله ژاپن بود.

همانگونه‌که میدانیم، اعراب جنك ۱۹۷۳ رابا تحریم صدور نفت به‌کلیه کشورهائی که بنحوی با اسرائیل همکاری‌میکردند ادامه دادند. این اقدام‌که حربه‌ای کاری علیه اسرائیل وحامیان‌آن بود و درسراسر جهان تأثیری بسیار عمیق داشت، بحران انرژی یابحران نفت نام‌گرفت که فکر میکنم بهتراست آنرا «جنك نفت» بنامیم.

یکی‌ازنتایج جنك نفت این بودکه توجه مردم سراسر جهان را بسوی اسلام ومسلمانان جلب کرد. همه جـا جنبشی برای شناخت اسلام ومسلمانان‌که تاآن‌زمان دراثر تبلیغات سوء دشمنان اسلام و کوتاهیهای مسلمانان یاناشناخته مانده بودند ویاچهرهٔ نـادرستی از آنان در برابر چشمان جهانیان ترسیم شده بود براه افتاد.

این جنبش درژاپن بی‌اندازه چشمگیر بود. علت این امر آن بودکه ژاپن کشوری است تقریباً تمام صنعتی‌که حیات اقتصادی‌آن بیش ازهرچیز به‌نفت بستگی دارد. جنك نفت برای ژاپن بی‌اندازه خطرناك بود. ژاپنی‌هاکه درپی بسته شدن شیرهای نفت از سوی اعراب، حیات اقتصادی خودرا درخطر میدیدند بفکر افتادند تابیش ازپیش به اعراب نزدیك شوند وپیوندهای خودرا باآنها استوارتر سازند.

بگفتهٔ بسیاری از ژاپنی هائی‌که گفتگوهائی باآنهاداشتم: اولین چیزی‌که مردم ژاپن درخلال جنك نفت بفکر آگاهی ازآن افتادند، دین اعراب بود. ژاپنی‌ها از همدیگر می‌پرسیدند: اعراب، ایـن مردمی‌که رگهای پیکرهٔ اقتصادی ماخون خودرا ازآنان میگیرنـد پیرو چه دینی هستند؟ وجواب می‌شنیدند: اسلام.

ژاپنی‌ها خیلی زود بفکر افتادند اسلام رابشناسند. درروزهای جنك نفت بیشتر صفحات مجله‌ها وروزنامه‌های ژاپنی به اخبـار مربوط به مسلمانان ومطالب مربوط به‌اسلام اختصاص یافت ودر پی‌آن جنبشی درمیان مردم ژاپن برای آشنائی بااسلام براه افتاد.

رشتهٔ زبان عربی دانشگاه توکیو که تاآن زمان از بی‌مشتری ترین رشته‌های این دانشگاه بود، یکباره رونق گرفت ودرشهرهای توکیو، اوساکا وکوبه موسساتی برای تدریس زبان عربی بوجود آمد و گروههائی ازجوانان ژاپنی برای فراگرفتن این زبان به‌این مؤسسات هجوم آوردند.

بدین‌ترتیب، درژاپن زمینه‌ای بسیار مساعد برای فعالیتهای اسلامی بوجود آمد وبرخی از کشورهای اسلامی اقداماتی برای بهره‌برداری از این زمینهٔ مساعد بعمل آوردند. این‌اقدامات هرچند تاکنون بعلت نارسائیهائی‌که ازنظر نیروی انسانی داشت، پیشرفت چشمگیری نصیب اسلام درژاپن ننموده است ولی ازآن جهت که راه‌گشای فعالیتهای اسلامی مؤثرتری درآن‌کشور میباشد از اهمیت خاصی برخوردار است.

پس از جنگ نفت :

درسالهای پس ازجنگ نفت، دواقدام اساسی برای تبلیغات اسلامی درژاپن بعمل آمد: یکی ایجاد مؤسسات اسلامی جدید در توکیو وبرخی دیگر ازشهرها ودیگری اعزام مبلغین از سوی کشورهای اسلامی به‌ژاپن. دربارهٔ مؤسسات اسلامی در فصل بعد سخن خواهیم داشت. بنابراین، دراینجا می‌پردازیم به‌مسئله‌تبلیغات اسلامی درسالهای پس ازجنگ نفت وارزیابی فعالیتهای مبلغانی‌که ازسوی کشورهای اسلامی به‌ژاپن اعزام شده‌اند.

همانگونه‌که درگذشته اشاره شد، درسالهای پیش ازجنگ نفت ازسوی هیچ کشور اسلامی هیچگونه تشکیلاتی برای تبلیغ اسلام در ژاپن وجود نداشت. پس از جنگ نفت ، مشاهدهٔ‌زمینهٔ آماده برای فعالیتهای اسلامی درژاپن، مسئولان مذهبی برخی از کشور های اسلامی رابرآن داشت که بااعزام گروههای تبلیغی به‌آن کشور از

زمینهٔ مساعد موجود بهره‌برداری کنند. این مؤسسات عبارتند از: «رابطة‌العالم‌الاسلامی» ازعربستان‌سعودی و«جمعیة‌الدعوة‌الاسلامیه» از لیبی.

۱ـ گروه تبلیغی عربستان سعودی

گروه تبلیغی عربستان سعودی ۵ عضو داردکه هیچیك ازآنها اهل خود عربستان سعودی نیستند. این افراد ازکشورهای: عراق، سودان، مصر، پاکستان وسوریه هستند و مؤسسهٔ «رابطة العالم الاسلامی» باموافقت وحمایت وزارت علوم عربستان سعودی و همکاری برخی ازدانشگاههای آن کشور آنهارا استخدام کرده بعنوان مبلغان اسلام به‌ژاپن اعزام نموده است.

این گروه تبلیغی دراواخر زمستان سال ۱۳۵۲ کار خودرا با یکنفر شروع کرد ودر ماهها وسالهای بعد تعداد اعضاء آن به ۵ نفر رسید. آخرین عضو این گروه درزمستان سال ۱۳۵۵ به‌ژاپن اعزام شد.

اعضاء این گروه، باستثناء شخص اخیر، دررشته‌هائی غیراز علوم اسلامی تحصیل کرده‌اند وآشنائیشان بامعارف اسلام اندك است. بیشتر ابن افراد درزمینهٔ آشنائی بازبان ژاپنی کم بهره‌اند وباتوجه به‌ابنکه درمیان مردم ژاپن کمتر کسی رامیتوان یافت که با زبانهای خارجی آشنائی داشته باشد وقهراً دانستن زبان ژاپنی برای مبلغان کلید اصلی گشودن باب نفوذ درمیان آنها میباشد، این افراد ازاین جهت نیز نارسائیهائی دارند.

بدین‌ترتیب، بادرنظرگرفتن نارسائیهائی‌که افراد این گروه درزمینهٔ آگاهی ازاسلام وآشنائی بازبان ژاپنی‌دارند نمیتوان‌انتظار داشت فعالیتهای آنها دارای بازده قابل ملاحظه‌ای باشد. ادارهٔ مؤسسه‌ای بنام«مرکزاسلامی‌ژاپن» وتدریس‌زبان‌عربی درکلاسهائی

که هفته‌ای چندبار در برخی مؤسسات اسلامی توکیو تشکیل میشوند، مجموعهٔ فعالیتهای این گروه راتشکیل میدهند. دربارهٔ مرکز اسلامی ژاپن بعداً به‌تفصیل سخن خواهیم گفت.

۲ـ گروه تبلیغی جمعیةالدعوةالاسلامیه

در پائیز سال ۱۳۵۳ دومین گروه تبلیغی از سوی مـؤسسهٔ «جمعیةالدعوةالاسلامیة» که مقر آن درطرابلس است به‌ژاپن اعزام شد. اعضاء این گروه‌که چهارنفر بودند، پس از شش ماه اقامت درتوکیو وکسب آشنائی مقدماتی بازبان ژاپنی به دوگروه دونفری تقسیم شدند. یك گروه به «کوبه» رفت وگروه دیگر درتوکیوماند.

افرادگروه تبلیغی«جمعیةالدعوةالاسلامیة» همگی‌فارغ‌التحصیل رشته‌های مختلف علوم اسلامی هستند وتحصیلات خودرادردانشگاه‌ـ های اسلامی کشورهای عربی ازجمله مصر به‌پایان برده‌اند. بااینکه سه‌تن ازاین افراد اهل فیلیپین هستند وچهارمی اهل پـاکستان، همگی برزبان عربی تسلط کامل دارند. آشنائی آنها بازبان ژاپنی کم‌است ولی انگلیسی رادرحد تفاهم میدانند.

کارهای تبلیغی آندسته ازافراد این گروه‌که درتوکیو مشغول فعالیت هستند، به‌تدریس زبان عربی وقرآن وحدیث به‌گروهی از مسلمانان‌که درکلاسهای مؤسسات اسلامی شرکت می‌کنند محـدود می‌شود، ولی همکاران آنهـا درشهر کوبـه دارای تحرك بیشتری می‌باشند.

مبلغین مقیم کوبه جدی‌ترین مبلغین اسلام درژاپـن هستند و فعالیت‌های آنها پرمحتواترین فعالیت‌های تبلیغی سالهای اخیر در آن کشور بوده است. آنها نه‌تنها مسجد کوبه راپایگاه فعالیت‌های خود قرار داده‌اند واز امکاناتی‌که دراختیار دارند بنحو شایسته‌ای بنفع اسلام بهره‌برداری می‌کنند، بلکه تلاشهای خودرا به‌شهرهای

مجاور ازجمله «اوساکا» که یکی ازمهمترین مراکز صنعتی و تجاری ژاپن است وگروه زیادی ازمسلمانان باملیت‌های مختلف در آنجا زندگی میکنند نیز گسترش داده و هم‌اکنون مرکز کاری نیز درآن شهر دائر کرده‌اند.

درهای مسجد توکیو تنها روزهای جمعه وگاهی هم یکشنبه ها به‌روی مردم باز می‌شوند. ولی درهای مسجد کوبه همیشه به‌روی مردم بازند ومبلغین این‌شهر دراین‌مسجد ودراطاقهای ساختمانی که درکنار آن قرار دارد به‌آشنا ساختن علاقمندان به اسلام مشغول هستند. این مبلغین باترتیب‌دادن سخنرانیهای اسلامی دردانشگاهها ومجامع گوناگون کوبه واوساکا ودیگر شهرهای مجاور، اسلام رابه مردم آن ناحیه ازژاپن عرضه می‌کنند.

امتیازی‌که این افراد برسایر همکارانشان دارند اینست که آنها مسلمانان جدید رابه‌حال خودشان رها نمیکنند، بلکه خودرا در برابر آنها مسئول میدانند وباعلاقه وکوشش درخور تحسینی به تعلیم آنها می‌پردازند.

درتوکیو افرادی رادیدم‌که باعلاقه وپی‌گیری فراوان بااسلام آشنا شده بودند ولی ازبی‌توجهی مبلغین اسلام نسبت به تعلیم و تربیت اسلامی آنان سخت گله‌مند بودند. آنها میگفتند: این مبلغین تنها دلشان رابه‌این خوش کرده‌اندکه مامسلمان شده‌ایم ومی‌توانند نام مارا درنشریاتشان چاپ کنند و از بوقهای تبلیغاتی‌شان به مسلمانان جهان خبر بدهند که مادرژاپن چندین وچندنفررامسلمان کرده‌ایم. اما اگرازآنها بپرسید آیابرای آشنائی بیشتر آنها با اسلام وتربیت صحیح اسلامیشان هم گامی برداشته‌اید یا خیر؟ جوابی ندارندکه بدهند. اینست‌که بسیاری ازتازه مسلمانان پیش ازآنکه‌واقعاً دارای‌هویت اسلامی بشوند ازاسلام روگردان میشوند وآنهاهم‌که مسلمان باقی میمانند بیشترشان‌مسلمانان اسمی هستند.

درکوبه، درست برعکس آنچه ازتوکیو گفتیم، افرادی رادیدم که اززحمات وتلاشهای مبلغین آن شهر درراه آشناساختن آنها با اسلام تقدیر میکردند. درمیان این افراد، کسانی رادیدم که هرروز عصر باصرف چهارساعت وقت برای رفت و آمد از اوساکا به‌کوبه میرفتند تادر جلسات درس قرآن وحدیث وزبان عربی شرکت کنند و آگاهیهای اسلامی خود را بالاببرند. آنهااین‌عشق‌وشور فراوان خود را برای فراگرفتن قرآن وحدیث مرهون‌سخت‌کوشی‌های مبلغان اسلام درکوبه میدانستند.



درپی مطالعات وبررسیهائی‌که درمورد فعالیت‌های دو گروه تبلیغی موجود درژاپن داشتم، درجمع‌بندی بازده این فعالیت‌ها به این نتیجه رسیدم‌که: گروه تبلیغی جمعیة‌الدعوة وبخصوص آندسته ازاعضاء این گروه‌که درکوبه مشغول فعالیت هستندبااینکه امکانات کمتری دراختیار دارند بازده بهتر وپرمحتواتری راارائه داده‌اند. آنها برخلاف همکاران خود ازگروه رابطة‌العالم‌الاسلامی، که عموماً درپی اسقاط تکلیف هستند نه‌انجام وظیفه‌ومسئولیت دینی، نگرشی عمیق‌ترنسبت به‌کاری‌که برعهدهٔ آنهااست‌دارندوتاکنون‌توانسته‌اند به‌مقدار قابل ملاحظه‌ای براساس همین نگرش پیش بروند.

تعداد مبلغین کنونی اسلام درژاپن به‌اعضاء همین دوگروه، یعنی ۹ نفر، محدود است، واین تعداد خیلی کمتر ازآن است‌که در درآن کشور لازم است. مهمتراینکه فعالیت‌های همین افراد هم با همهٔ نارسائیهائی که‌دارند، هماهنگ نیست و هر گروه، یا بهتر بگویم هرفرد ازآنها، روش وعقیدهٔ خاصی رادنبال می‌کند. وباز ازهمهٔ اینها مهمتر اینکه کلیهٔ برنامه‌های اعضاء این هردوگروه از سوی سفارتخانه‌های دولتهائی‌که آنهارا اعزام‌کرده‌اندکنترل میشود و کمتر اتفاق میافتد که‌شعاع فعالیتهایشان ازمحدودهٔ خواسته‌های

نمایندگان این دولتها فراتر رود.

آگاهیهائی هم‌که این مبلغین دارند ازدید ماکافی نیست. بهمین جهت هرگز نمیتوان انتظار داشت آنها مبلغانی کاملاشایسته برای اسلام باشند وکار آنها درحدی باشد که ازیك مسلمان آگاه ومسئول انتظار میرود.

نتیجه آنکه: هنوز از زمینهٔ بسیار مساعدی که درپی جنگ نفت برای تبلیغ اسلام درژاپن بوجود آمده است بهره‌برداری نشده و آنچه تاکنون دراین کشور برای اسلام صورت گرفته دربرابر آنچه ممکن بود درچنین موقعیت مناسبی انجام گیرد بسیار ناچیز است.

فصل سوم

مؤسسات اسلامی در ژاپن

۱ـ انجمن دوستی اسلامی ژاپن
۲ـ انجمن مسلمانان ژاپن
۳ـ انجمن دانشجویان مسلمان ژاپن
٤ـ مجمع فرهنگ اسلامی ژاپن
٥ـ مرکز اسلامی ژاپن
٦ـ فدراسیون جوانان مسلمان ژاپن
۷ـ کنگرهٔ اسلامی ژاپن
۸ـ گروه خیریه اسلامی
۹ـ انجمن جوانان مسلمان ژاپن

تاسال ۱۹٤۰ درژاپن هیچگونه مؤسسهٔ اسلامی وجود نداشت. درآن سال اولین مؤسسهٔ اسلامی بانام «انجمن دوستی اسلامی ژاپن» درتوکیو تشکیل‌گردیدکه بعدها به‌کیوتو منتقل شد واکنون در آن شهر مشغول فعالیت است.

درسالهای پس ازجنك جهانی دوم، مسلمانان خارجی مقیم ژاپن انجمن‌هائی تشکیل دادندکه هریك ازآنها دربرگیرندهٔ‌گروهی ازمسلمانان ازملیتی خاص بودند . این انجمن‌ها فاقد هرگونه تشکیلات وبرنامهٔ ویژه‌بودند و معمولا در منزل اعضاء تشکیل جلسه میدادند.

درسال ۱۹٥۲ این انجمن‌ها جای خودرا به «انجمن مسلمانان ژاپن» دادندکه فراگیرندهٔ همهٔ مسلمانان ژاپن اعم ازژاپنی وغیر ژاپنی بود. درسال ۱۹۷۲ درپی اختلاف نظرهائی‌که میان مسلمانان ژاپنی وغیرژاپنی برسر ادارهٔ انجمن یادشده ومیزان نفوذمسلمانان غیرژاپنی درآن بروز کرد، مسلمانان غیرژاپنی به تأسیس‌مؤسسه‌ای بنام «مرکز بین‌المللی اسلامی» مبادرت کردند و همین امر منشأ پیدایش مؤسسات اسلامی متعدد درژاپن گردید.

ازمیان انجمن های سابق، تنها انجمن ترکهای مسلمان است که همچنان پابرجا است. درکنار مسجد توکیو، ساختمان دو طبقه‌ای وجود داردکه ترکهای‌مسلمان توکیو آنرا ازاسلافشان به‌ارث برده‌اند. طبقهٔ اول این ساختمان محل سکونت امام مسجد است ودرطبقهٔ دوم آن تعدادی میزوصندلی‌تاشده وغبارگرفته بچشم میخوردکه‌گاهگاهی ترکهای مسلمان برروی‌آنها می‌نشینند وباهم‌چای‌میخورند وسیگار دود میکنند. اگر مطلب تازه‌ای بود مطرح میکنند ولی برروی هم فکر تازه‌ای برای اسلام نمیکنند وگام جدیدی برنمیدارند. کسی چه میداند شاید امام جدید مسجد توکیو بتواند قارداش هایش را به‌فعالیت وادارد ودرآینده شاهد گامهای مثبت این انجمن باشیم.

از این نوع انجمن‌ها که‌بگذریم، میرسیم به‌انجمن‌هائی که دارای تشکیلات وتأسیسات وبرنامه‌ها وفعالیت‌های معین هستند و میتوان ازآنها بعنوان مؤسسات اسلامی درژاپن یادکرد. در حال حاضر ۹ مؤسسه اسلامی درژاپن وجود داردکه هرچند ازنظرفعالیت ومیزان بازده تفاوت زیادی میان آنها مشاهده می‌شود و برخی از آنها گامهای مثبتی درجهت تبلیغ اسلام درآن کشور برمیدارند، ولی هیچیك ازآنهارا نمیتوان درحد یك مؤسسه اسلامی کاملافعال وصددرصد مطلوب دانست.

بهتراست پیش ازداوری دربارهٔ این مؤسسات به معرفی آنها وبررسی فعالیت‌هایشان بپردازیم. شاید درضمن این بررسی نقاط ضعف‌وقوت وجهات‌مثبت ومنفی‌این مؤسسات را دریابیم وبتوانیم داوری صحیح‌تری درباره آنها داشته باشیم.

۱ـ انجمن دوستی اسلامی ژاپن

دربررسی تاریخ انجمن دوستی اسلامی ژاپن، به دو مرحله برخورد می‌کنیم‌که هرچند یکی ازآندو ازجهتی ادامهٔ دیگری است

ولی ازجهت دیگر تفاوتهائی باآن دارد. این مؤسسه درسال ۱۹٤۰ درتوکیو آغاز بکارکرد. هدف ازتشکیل این مؤسسه ایجادوگسترش پیوندهای دوستی میان مردم ژاپن ومسلمانان جهان بود.

درمرحلهٔ اول یعنی ازسال ۱۹٤۰ تاپایان جنگ جهانی دوم هدف اصلی گردانندگان این انجمن جلب دوستی کشورهای اسلامی باژاپن بود. این امر چون باامنافع دولت ژاپن سروکار داشت، رهبران سیاسی آن‌کشور نیز دراین انجمن نقش‌هائی بعهده‌گرفتند. ازجمله: «سنجورو ـ هایاشی» Senjuro - Hayashi نخست‌وزیر وقت ژاپن ازابتدای تأسیس انجمن، ریاست آنرا بعهده گرفت و پس از او «شوزو ـ موراتا» Shozo Murata وزیر حمل‌ونقل آن کشور که خود از بازرگانان مهم بود عهده‌دار این مقام شد.

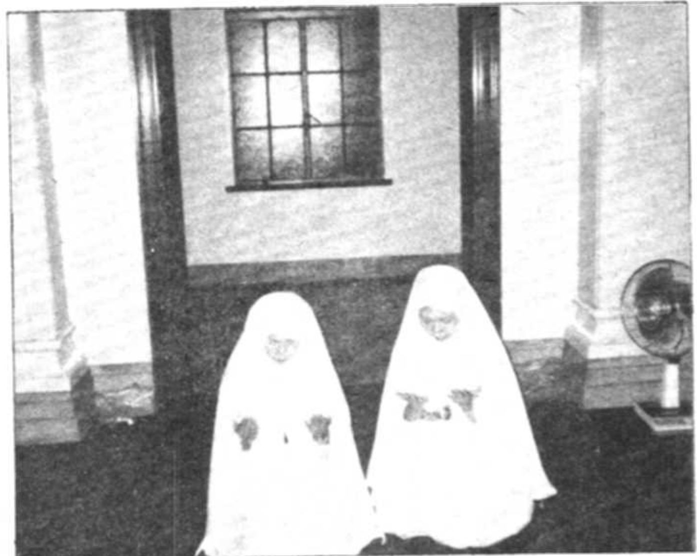
پس ازجنگ جهانی دوم، این انجمن به‌ریاست آقای مصطفی کمورا وریاست افتخاری آقای عمر میتا کارخودرا در شهر کیوتو دنبال کرد. این، سرآغاز مرحلهٔ دوم تاریخ انجمن دوستی اسلامی ژاپن بود. دراین مرحله، هرچند هدف این انجمن گسترش دوستی میان ژاپن ومسلمانان جهان بود، امااین هدف بافعالیت‌هائی برای



در این عکس، گروهی از مسلمانان را پس از نماز جمعه در مسجد کوبه می‌بینید. افرادی که با علامت × مشخص شده‌اند از راست به چپ عبارتند از: عباس نبیل عضو گروه تبلیغی رابطة، یحیی منیر و ماهید موتیلان اعضاء گروه تبلیغی جمعیة الدعوة در کوبه.



△
آقای ماهید موتیلان در حال تعلیم شهادتین و اصول عقائد اسلام به چهار تازه مسلمان در مسجد کوبه:
(۱) محمدتاکیشی کارمند یک شرکت در اوساکا
(۳) مهندس ادریس‌ایده.
(۳) خانم زیباکومه فارغ‌التحصیل دانشگاه کیوتو
(٤) خانم جمیله هیروس معلم.



▷
خانم جمیله هیروس و زیبا کومه در حال عبادت در مسجد کوبه.

تبلیغ اسلام درداخل ژاپن همراه بود.

درسالهای پس ازجنگ جهانی‌دوم بخاطر تحولاتی که‌دراوضاع جهان و بخصوص درروابط ژاپن باکشورهای دیگر رخ داد، دولت آن‌کشور خودرا ازهمکاری باانجمن دوستی اسلامی بی‌نیاز دید. از آن پس این مؤسسه دراثر فعالیت‌های آقای مصطفی کمورا و بااتکاء

به همکاریهای اعضاء خودادامه حیات داد. این مؤسسه درسال ۱۹٦٥ به‌ثبت رسیدوازسوی دولت ژاپن بعنوان یك مؤسسهٔ اسلامی برسمیت شناخته شد.

همانگونه‌که اشاره شد، درحال حاضر ریاست این مؤسسه بـا آقای مصطفی کمورا وریاست افتخاری آن باآقای عمر میتااست.

آقای کمورا پیرمردی است ٦٥ ساله که ٥٠ سال پیش دراثـر تبلیغات احمد اریجا، که ازاولین مسلمانان ژاپن بود، اسلام آورد. برای امرار معاش، تجارت راپیشه کرد وقسمتی ازدرآمد خود را صرف تبلیغ اسلام نمود. اوتوانست دراثر تلاش پی‌گیرخود گروهی ازمردم ژاپن رامسلمان کند وباهمکاری آنان اسلام رابه مردم غرب آن کشور بشناساند. تواضع ورفتار بسیار دوستانهٔ آقای کموراسبب شدکه اوبتواند درمیان جوانان نفوذ پیدا کند وبسیاری از آنها را بااسلام آشنا سازد.

آقای کمورا درسال ١٩٦٤ باتفاق آقای عمر میتا وبنابه‌دعوت



آقای مصطفی کمورا

مؤسسهٔ «رابطةالعالم الاسلامی» به‌عربستان سعودی رفت. این دو مسلمان معروف وپرسابقهٔ ژاپنی مدت دوسال درعربستان سعودی اقامت نمودند وضمن‌آن به مطالعه اسلام واوضاع مسلمانان ودیدار ازاماکن مقدسهٔ اسلامی پرداختند.

آقای عمر میتا ۸٤سال دارد و ٤٠ سال پیش درچین مسلمان شد. اوکه یك کارمند فنی درراه‌آهن منچوری بود، مطالعات خودرادربارهٔ اسلام ازسالهای جوانی آغاز کرده بود. آقای میتا فعالیت‌های اسلامی خودرا باعضویت درانجمن مسلمانان ژاپن شروع کرد ودر سالهای ۱۹۵۷ و۱۹۵۸ ریاست آن انجمن رابعهده داشت. درسالهای ۱۹٦٤ و۱۹٦۵ به‌همراه آقای مصطفی کمورا به‌مطالعهٔ اسلام درعربستان سعودی پرداخت ودرسال ۱۹۷۰ درسفر مجددی‌که به‌آن کشور نمود به‌پیشنهاد ویاری مؤسسهٔ رابطةالعالم‌الاسلامی کار ترجمهٔ قرآن کریم اززبان انگلیسی به‌زبان ژاپنی راآغاز کرد ودرسال ۱۹۷۲ آنرا به‌چاپ رسانید.

آقای عمرمیتا که در حال حاضر ریاست افتخاری «انجمن‌دوستی



آقای عمر میتا

اسلامی ژاپن» وسمت مشاورت بسیاری ازانجمن‌های اسلامی ژاپن رابعهده دارد، مسلمانی است متواضع، معتقد وکوشا. او بخاطر همین صفات، درمیان مسلمانان ژاپن ازاحترام خاصی برخوردار است .

فعالیتهای انجمن دوستی اسلامی ژاپن

این انجمن درگذشته مجله‌ای بنام «اسلام درژاپن» به زبان ژاپنی منتشر میکردکه درحال‌حاضر بعلل مالی متوقف شده است. بودجهٔ انجمن ازسوی اعضاء آن‌که درحدود ۳۰۰ نفر هستند تأمین می‌شود. پس ازمتوقف شدن انتشار مجلهٔ انجمن، هرچندوقت یکبار مطالب لازم مشتمل برکارهای انجام شده وتصمیمات مربوط به کارهای آینده درجزوه‌ای چاپ وبرای اعضاء فرستاده میشود.

ایراد سخنرانیهای اسلامی درمجامع علمی، تماس بادانشجویانی که ازکشورهای دیگر به‌ژاپن مسافرت میکنند ودر شهر کیوتو و شهرهای مجاور مشغول تحصیل هستند، واعزام دانشجویان ژاپنی به‌کشورهای اسلامی بمنظورکسب معلومات اسلامی ازجمله‌فعالیتهای انجمن دوستی اسلامی ژاپن میباشد.

درسال ۱۹۶۹ دودانشجو ازشهر کانازاوا بامعرفی این انجمن به‌پاکستان اعزام شدند ومدت دوسال درآن‌کشور به تحصیل علوم اسلامی پرداختند. همچنین درسال ۱۹۷۷ دانشجوی دیگری ازکیوتو بامعرفی این انجمن به عربستان سعودی اعزام شده و اکنون در دانشگاه ریاض سرگرم تحصیل است.

یکی دیگر ازفعالیتهای انجمن دوستی اسلامی ژاپن، مبارزه با سمپاشی‌هائی است‌که ازسوی مبلغان مسیحی درژاپن علیه اسلام بعمل می‌آید. درسال ۱۹۶۷ یك کشیش معروف مطالبی دریکی از روزنامه‌های ژاپن منتشر کردکه درآن اتهاماتی به‌اسلام وارد شده

بود. آقای مصطفی کمورا رئیس انجمن دوستی اسلامی ژاپن، با انتشار مقاله‌ای درهمان روزنامه اتهامات وارده را رد کرد و با اقدامات خود توانست جلوی اینگونه سمپاشی‌هارا بگیرد.

یکی ازهدف‌های انجمن دوستی اسلامی ژاپن اینست که در آینده‌ای نزدیك مسجدی درشهر کیوتو بناکنند وآنرا مرکزی برای فعالیت‌های گسترده‌تر اسلامی درغرب ژاپن قرار دهد. بگفتهٔ آقای کمورا اقدامات مقدماتی برای این کار بعمل آمده و بزودی کار ساختمان این مسجد شروع خواهد شد.

۲ـ انجمن مسلمانان ژاپن

انجمن مسلمانان ژاپن درسال ۱۹۵۲ توسط رهبران مسلمانان مقیم ژاپن تأسیس شد وهدف آن ایجاد ارتباط و همکاری میان مسلمانان آن‌کشور، اعم ازژاپنی وغیرژاپنی، بود. همانگونه که قبلا اشاره شد، این مؤسسه درابتدای کار فراگیرندهٔ کلیهٔ مسلمانان مقیم ژاپن بود، ولی ازسال ۱۹۷۲ درپی اختلاف نظری که میان گردانندگان ژاپنی‌وغیرژاپنی آن برسرمیزان نفوذ مسلمانان غیرژاپنی درامور مربوط به‌انجمن پدید آمد نفوذ خودرا درمیان مسلمانان غیرژاپنی ازدست داد وتقریباً بصورت یك مؤسسه مخصوص ژاپنی‌ها درآمد.

در سالهای پس از جنگ نفت در اثر تحولاتی که در اوضاع مسلمانان ژاپن رخ داد، گردانندگان انجمن مسلمانان ژاپن‌کوشیدند پیوند خودرا بامسلمانان غیرژاپنی استوارتر سازند ونفوذازدست رفتهٔ انجمن رادرمیان‌آنان بازیابند. آنها هرچند دراین امرتاحدودی موفق شدند، ولی هرگز نتوانستند ازپیدایش انجمن‌ها و مؤسسات اسلامی متعدد، که بهرحال نمی‌توانست چیزجالبی برای جامعه بسیار کوچك مسلمانان ژاپن باشد، جلوگیری کنند. درحال حاضر

بااینکه بیشتر رهبران مسلمانان ژاپن درجلسات ماهانهٔ این انجمن شرکت میکنند وبظاهر همکاری خود را باآن اعلام میدارند ولی در واقع هرکدام راه خودرا میروند وکاری به‌کار انجمن ندارند.

ریاست این انجمن درآغازکار برعهده مرحوم صادق‌ایمایزومی Imaizumi بود. او که یکی ازمسلمانان قدیمی و فعال ژاپن بود تا سال ۱۹۵۷ دراین پست انجام وظیفه کرد. پس ازاو بترتیب‌آقایان: عمرمیتا، عبدالکریم سایتو، ابوبکر موریموتو وعبدالمنیر واتانابه عهده‌دار این پست بودند. درحال حاضر ریاست انجمن مسلمانان ژاپن باآقای محمد عمر ابوکیبه میباشد.

آقای محمد عمرابوکیبه ۵۵ سال دارد.خلبان بازنشسته است ودرجنك بین‌المللی دوم دراثر معاشرت بامسلمانان سنگاپور اسلام آورد وپس ازبازگشت به‌ژاپن باانجمنی که اکنون رئیس آنست همکاری نمود تااینکه در مارس ۱۹۷۷ به‌ریاست‌آن برگزیده شد.

درحال حاضر انجمن مسلمانان ژاپن۷کارمند داردکه بیشترشان



آقای محمد عمر ایوکیبه × با دو تن از همکارانش در محل انجمن مسلمانان ژاپن

بطور افتخاری وبدون دریافت حقوق بااین انجمن همکاری میکنند. آقای ابوکیبه رئیس انجمن نیز ازجمله کسانی است‌که بدون دریافت حقوق برای این مؤسسه کار میکند.

ازمیان رؤسای سابق انجمن مسلمانان ژاپن، آقای عبدالکریم سایتو منشاء خدمات بیشتری برای این انجمن ومسلمانان ژاپن بوده است. آقای سایتو در سال ۱۹٤٦ دراثر تبلیغات یك گروه تبلیغی پاکستانی درشهر کوبه مسلمان شد. اواستاد تاریخ سیاسی شرق وفرهنك اسلام‌دردانشگاه «تاکوشو» درتوکیومی باشد وباسمت‌مشاور بامؤسسات اسلامی ژاپن همکاری میکند. او ازسوی‌مسلمانان ژاپن دربسیاری ازکنفرانسهای بین‌المللی اسلامی شرکت کرده وبارها برای انجام مراسم حج وآشنائی با اوضاع مسلمانان بـه‌عربستان سعودی وسایر کشورهای اسلامی سفر کرده است.



آقای عبدالکریم سایتو

آقای عبدالکریم سایتو توانست دردوران ریاستش بـر انجمن مسلمانان‌ژاپن، این انجمن را به‌ثبت برساند وزمینی بـه‌مساحت ۱۰٫۰۰۰ متر مربع درشهرك «انزان» درحومهٔ توکیو خریـداری نموده جهت قبرستان مسلمین اختصاص دهد.

فعالیت‌های انجمن مسلمانان ژاپن

انجمن مسلمانان ژاپن درحال‌حاضر فعالیتهائی در زمینه‌های زیر دارد:

۱ـ انتشار مجله‌ای بنام «صدای اسلام» به زبانهای ژاپنی و انگلیسی. اولین شمارهٔ این مجله درسال ۱۹۶۹ منتشر شد وانتشار شمارهٔ دوم‌آن تاسال ۱۹۷۳ به‌تأخیر افتاد. برنامهٔ انجمن اینست‌که هر سال یك‌شماره از این مجله را منتشر کند ومطالبی از تاریخ اسلام درژاپن وفعالیت‌های جاری مسلمانان آن کشوررا بدین طریق باطلاع عموم برساند.

۲ـ علاوه برمجلهٔ یادشده، این انجمن هرماه یکبار جزوه‌ای منتشر میکندکه حاوی اطلاعاتی دربارهٔ فعالیت‌های ماهانهٔ انجمن میباشد. این جزوه بانام «مناره» به‌زبان ژاپنی منتشر میشود.

۳ـ این انجمن بمنظور تعلیم زبان عربی به مسلمانان ودیگر علاقمندان کلاسهائی ترتیب میدهد واز مبلغین اسلام درتوکیو برای تدریس درآن کلاسهااستفاده‌میکند. استقبال مسلمانان‌وغیرمسلمانان ازاین کلاسها تقریباً خوب است.

٤ـ انجمن مسلمانان‌ژاپن گاهگاهی به‌تشکیل جلسات‌سخنرانی اسلامی درمجامع علمی وغیرعلمی توفیق می‌یابند. دراین جلسات، اعضاء این انجمن میکوشند درحد آگاهیهای خود اسلام را به مردم ژاپن بشناسانند.

۵ـ این انجمن همواره میکوشد دانشجویان مسلمان ژاپنی را برای تحصیل دردانشگاههای اسلامی به کشورهای اسلامی اعزام نماید. تاکنون ۲۰ دنشجو بامعرفی این انجمن به کشورهای: عربستان سعودی، ایران، مصر، لیبی واندونزی اعزام شدند. این

کار هرچند فی‌نفسه اقدام بسیار ارزشمندی است، ولی ازآنجا که درانتخاب دانشجو و همینطور درچگونگی تعلیم وتربیتشان درکشورـ های اسلامی هوشیاری لازم بعمل نیامد بیشتر آنان پس ازبازگشت به‌ژاپن به‌استخدام شرکتها وادارات درآمدند وجز یکی دونفربقیه حاضر نشدند مقداری ازوقت خودرا برای خدمت باسلام صـرف کنند.

بودجهٔ انجمن مسلمانـان ژاپن ازسوی مؤسسهٔ «رابطةالعالم الاسلامی» تأمین میشود.

۳ـ انجمن دانشجویان مسلمان ژاپن

درسال ۱۹۶۰ گروهی از دانشجویان مسلمانی‌که ازکشورهای اسلامی برای ادامه تحصیل به‌ژاپن رفته ودرتوکیوزندگی میکردند، برای برقرار کردن پیوند میان کلیهٔ دانشجویان مسلمان مقیم ژاپن انجمنی تشکیل دادندکه آنرا «انجمن دانشجویان مسلمان ژاپـن» خواندند. این انجمن هرچند کارخودرا باتعداد کمی ازدانشجویان آغاز کرد، ولی بعدها بافزونی گرفتن تعداد دانشجویان مسلمان در ژاپن تعداد اعضاء آن بیشتر شد وتحرك بیشتری به‌خود گرفت. هم‌اکنون تعداد اعضاء این انجمن به‌حدود ۸۰نفر میرسد.

ازغاز سال ۱۹۷۶ کـه آقـای سید مقبول مـرتضی، یکـی از دانشجویان پرتحرك، عهده‌دار ادارهٔ این انجمن شده‌است، تحولات امیدبخشی درفعالیت‌های آن بچشم میخورد. آقای سیدمقبول مرتضی اهل بنگلادش است. ۲۹ سال دارد و۶ سال پیش برای ادامهٔ تحصیل به‌ژاپن رفته واکنون دردورهٔ دکتری رشتهٔ جامعه شناسی دانشگاه توکیو سرگرم تحصیل است.

تاسال ۱۹۷۷ فعالیت انجمن دانشجویان مسلمان ژاپن به‌توکیو ودرمیان دانشجویان مسلمان مقیم آن شهر محدود بود. درماه ژوئن



آقای سید مقبول مرتضی در کنار مرکز دانشجویان خارجی مقیم توکیو که دفتر کار انجمن دانشجویان مسلمان در آن قرار دارد.

۱۹۷۷ به‌ابتکار آقای سید مقبول مرتضی کنفرانسی درتوکیو برپا شدکه دانشجویان مسلمان مقیم شهرهای دیگر ژاپن نیزدرآن شرکت داشتند. دراین اجتماع تصمیم گرفته شد انجمن دانشجویان مسلمان درشهرهای مختلف ژاپن شعبه‌هائی داشته باشد و دانشجویان مسلمان مقیم آن شهرها بعنوان نمایندگان این انجمن درآن شعبه‌ها مشغول فعالیت باشند. بودجهٔ انجمن دانشجویان مسلمان ژاپن از سوی خود دانشجویانی که اعضاء آن هستند تأمین میشود.

فعالیت‌های انجمن دانشجویان مسلمان ژاپن

این انجمن تاپیش ازسال ۱۹۷۶ فعالیت مهمی نداشت. از آن سال ببعد، همانگونه‌که اشاره کردیم، جنبشی درمیان اعضاء این انجمن پدیدار شد وفعالیت های آنها شکل ورنك نوی بخود گرفت. اگر فعالیت‌های آینده این انجمن دقیقاً برطبق طرح جدید انجام

گیرد، بی‌تردید درسالهائی که در پیش داریم شاهد جنبشی گسترده‌تر درتاریخ تبلیغات اسلامی درژاپن بخصوص در سطح دانشگاهی خواهیم بود.

فعالیت های کنونی انجمن دانشجویان مسلمان ژاپن از اینقرار است:

۱ـ دعوت ازکلیهٔ دانشجویان مسلمانی که برای ادامه تحصیل ویاگذراندن دوره‌های کوتاه مدت تخصصی وارد ژاپن می شوند برای عضویت درانجمن.

۲ـ دعوت ازدانشجویان غیرمسلمان ژاپنی وغیرژاپنی برای مطالعهٔ اسلام وآشناشدن باتعالیم قرآن ازطریق کتابهای اسلامی.

۳ـ ترجمهٔ کتابهای اسلامی به‌زبان ژاپنی وچاپ وتوزیع آنها درمیان دانشجویان.

٤ـ ادارهٔ یك کتابخانهٔ اسلامی درساختمان مرکز دانشجویان خارجی مقیم توکیو.

٥ـ مبارزه باگروههای منحرف که ممکن است خطرهائی برای اسلام دربر داشته باشند.

٦ـ اعزام نماینده به کنفرانسهای اسلامی در کشور های مختلف ودرسطح دانشجویان مسلمان برگزار می‌شوند.

۷ـ انتشار جزوهٔ کوچکی که حاوی اطلاعاتی درباره کارهای انجام شده و برنامه‌های آیندهٔ انجمن میباشد.

٤ـ مجمع فرهنگ اسلامی ژاپن

مجمع فرهنك اسلامی ژاپن درسال ۱۹۷٤ توسط آقای ابوبکر موریموتو بمنظور شناساندن فرهنك اسلام به مردم ژاپن و آگاه ساختن مسلمانان جهان ازاوضاع مسلمانان ژاپن تاسیس شد.

آقای «موریموتو» در ۱۹۰٥ درتوکیو بدنیا آمد. او تحصیلات



آقای ابوبکر موریموتو

خود را در رشتهٔ مهندسی ماشین های چاپ و فتوگرافی در دانشگاههای «چیبا» Chiba در توکیو و لایپزیگ Leipzig در آلمان به پایان برده و پس از بازگشت به ژاپن در شرکت های بزرگ سازندهٔ ماشینهای چاپ و فتوگرافی خدمت کرد. از سال ۱۹٤٦ تا ۱۹۷۱ برای نظارت بر کارهای فنی چاپ و فتوگرافی به کشورهای ویتنام، پاکستان، کره، سیلان و هند مسافرت هائی کرد و در خلال اقامت در پاکستان در اثر معاشرت باکارگران مسلمان چیتاگون (در بنگلادش کنونی) مجذوب اسلام شد و تصمیم گرفت این دین را مورد مطالعه قرار دهد. او پس از بازگشت از پاکستان به ژاپن، در سال ۱۹٦٥ مسلمان شد و به انجمن مسلمانان ژاپن پیوست. آقای موریموتو در سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷٤ ریاست انجمن یادشده را بعهده داشت و در سال ۱۹۷٤ پس از کناره‌گیری از این سمت، مجمع فرهنگ اسلامی ژاپن را تأسیس کرد.

دفتر کار مجمع فرهنگ اسلامی در طبقهٔ دوم خانهٔ مسکونی آقای موریموتو در توکیو قرار دارد. کارمندان این مؤسسهٔ اسلامی عبارتند از خود آقای موریموتو و خانم او. این زن و شوهر مسلمان

فعال تمام وقت خودرا وقف این مجمع می‌کنند وجالب اینست که قسمت عمدهٔ هزینهٔ آنرا نیز ازدرآمد شخصی خودشان میپردازند.

فعالیتهای مجمع فرهنگ اسلامی ژاپن

همانگونه‌که اشاره شد، هدف آقای موریموتو ازتاسیس مجمع فرهنگ اسلامی ژاپن آشناساختن مردم ژاپن بافرهنگ اسلام و آگاه ساختن مسلمانان جهان ازوضع مسلمانان آن کشور بود. مجمع فرهنك اسلامی برای تحقق بخشیدن به این هدف دوکار میکند:

۱ـ تهیه مقالاتی دربارهٔ اسلام به‌زبان ژاپنی وانتشار آنهادر مطبوعات ورادیو و تلویزیون‌های ژاپن. این مقالات، که آقای موریموتو میکوشد تادرآنها چهرهٔ اسلام رابه‌مردم بشناساند، علاوه براینکه ازطریق وسائل‌ارتباط جمعی به‌زبان ژاپنی منتشرمیشوند، از سوی‌سازمان رادیوتلویزیون‌ژاپن .N.H.K به‌زبانهای‌دیگرترجمه و پخش میگردند.

۲ـ انتشار مجله‌ای بنام Islamic Culture Forum یا «میدان الثقافةالاسلامیه» به‌زبان انگلیسی. این مجله که هرچندماه یکبار منتشر میشود حاوی مطالبی دربارهٔ فرهنك اسلام، جغرافیای‌ممالك اسلامی واخباری ازمسلمانان ژاپن‌میباشد. همچنین اطلاعات‌مربوط به کنفرانسهائی که ازسوی مؤسسات مشابه اسلامی در سطح بین‌المللی تشکیل میشوند وآقای موریموتو شخصاً در آنها شرکت میکند، ازجمله مطالبی‌هستندکه دراین مجله می‌توان یافت. هشتمین شمارهٔ این‌مجله که‌حاوی‌اطلاعاتی دربارهٔ کنفرانس جهانی‌کارگران مذهبی درمسکو (ژوئن ۱۹۷۷) ومسلمانان شوروی نیز میباشد در اوت ۱۹۷۷ منتشر شد. این‌مجله به‌رایگان برای‌علاقمندان درداخل وخارج ژاپن فرستاده میشود.

۵ـ مرکز اسلامی ژاپن

درسال ۱۹۷۲ بدنبال اختلاف نظرهائی‌که میان گردانندگان انجمن مسلمانان ژاپن ورهبران مسلمانان غیرژاپنی برسر میزان نفوذاین رهبران دراداره‌ٔ انجمن یادشده رخ‌داد، مسلمانان غیرژاپنی به‌رهبری متحد آقایان: «حسین‌خان» تاجر پاکستانی مقیم توکیو، «چانگ» تاجر چینی مقیم توکیو، «هادی مقتدر» تاجر ایرانی مقیم کاریزاوا، «هرمانتو» سیاستمدار اندونزیائی مقیم توکیو، «علی حسن‌السمنی» استاد مصری زبان عربی دردانشگاه توکیوو «محیط» تاجر ترك ساکن توکیو مؤسسه‌ای بنام «مرکز بین‌المللی اسلامی» تاسیس کردندکه دربرگیرندهٔ کلیهٔ مسلمانان ژاپن بود. هرچند تأسیس این مرکز، عکس‌العملی بودکه مسلمانان غیرژاپنی دربرابر گردانندگان انجمن مسلمانان ژاپن، که حاضر نبودند به‌آنها نقشی دراداره آن انجمن بدهند، ازخود نشان دادند ولی افراد یاد شده بهیچوجه نمیخواستند این‌مؤسسه جبهه‌ای‌باشد علیه برادران‌مسلمان ژاپنی‌شان. هدف آنهااین بودکه پیوندهای موجود میان مسلمانان‌مقیم ژاپن راکه ازملیت‌های گوناگون بودند استوارتر سازند وکوششی درجهت هرچه بیشتر شناساندن اسلام به‌مردم ژاپن بعمل‌آورند.

اکثر بانیان مرکز بین‌المللی اسلامی ژاپن ازمسلمانان پاکدل و فعال مقیم آن‌کشوربودند. آنها باشور وشوق‌فراوان دورهم جمع شدند وباتمام امکاناتشان آمادگی خودرا برای خدمت به اسلام عزیزاعلام کردند. بهرحال، این مرکز کار خودرا درمنزل آقای حسین‌خان آغاز کرد.

درکشوری مثل ژاپن باشرایط کار بسیار منظم وکنترل شده‌ای که دارد، ادارهٔ چنین مؤسسه‌ای آنهم برای کسانی که ناچار بودند تمام وقتشان راصرف کسب وتجارت کنند تااز قافله عقب نمانند

بسیار مشکل مینمود. آنها بزودی دریافتند که اداره این مرکز از عهدهٔ آنها خارج است و برای این‌کار به افرادی نیازمند هستندکه تمام وقتشان رابه‌آن اختصاص دهند.

درك این حقیقت، بانیان مرکز بین‌المللی اسلامی ژاپن را برآن داشت تاطی نامه‌ای از «رابطة‌العالم‌الاسلامی» تقاضاکنند مبلغ یامبلغینی به‌آن کشور اعزام نماید.

این اقدام بامسافرت برخی از مسلمانان ژاپن به عربستان سعودی ومسافرت ملك‌فیصل پادشاه وقت‌آن کشور به‌ژاپن همزمان بود. سرانجام اقداماتی‌که در دوکشور دراین زمینه صورت گرفت به‌اعزام اولین‌مبلغ‌ازسوی «رابطة‌العالم‌الاسلامی» به‌ژاپن درزمستان ۱۳۵۲ منجر شد واین مبلغ چندماه پس ازورود به‌آن کشور «مرکز اسلامی ژاپن» رابجای «مرکز اسلامی بین‌المللی ژاپن» تاسیس‌کرد.

فعالیت‌های مرکز اسلامی ژاپن

باتوجه به‌اینکه بودجه «مرکز اسلامی ژاپن» را «رابطة‌العالم الاسلامی» و برخی دیگر از مؤسسات دینی وعلمی عربستان سعودی که همگی به دولت آن کشور وابسته هستند تأمین می‌کنند و تجار کشورهای اسلامی نیزکمکهای قابل ملاحظه‌ای به‌آن می‌کنند، این مؤسسه ازنظر مالی دروضع بسیار خوبی قرار دارد و بودجهٔ‌آن با بودجهٔ سایر مؤسسات اسلامی ژاپن اصولا قابل مقایسه نیست. با اینحال، گردانندگان این مؤسسه دراثر نارسائیهائی که از نظر آگاهیهای اسلامی دارند تاکنون نتوانسته‌اند آنچنانکه بودجه‌شان ایجاب میکند درژاپن به‌اسلام خدمت کنند. بی‌تردید، ایستا بودن این افراد نیز درموفق نبودن تبلیغات اسلامی سالهای اخیر در ژاپن تأثیر فراوان داشته است.

بهرحال، فعالیت‌های مرکز اسلامی ژاپن را می‌توان اینگونه

بیان کرد :

۱ـ انتشار مجله‌ای به‌زبان ژاپنی بنام «السلام». این مجله‌که هرچندماه یکبار منتشر میشود، حاوی مطالبی درمعرفی کشور های اسلامی، اخبار مربوط به مسلمانان ژاپن وفعالیت های مرکزاسلامی میباشد وبه‌رایگان دراختیار علاقمندان قرار میگیرد. مطالب این مجله سطحی است ودیدگاههای آن باشعاع فکری منتشر کنندگانش که عموماً ازآگاهی کامل اسلامی محرومند هماهنگ است. ازاینرو این مجله رانمیتوان بعنوان نشریه‌ای‌که منادی ندای راستین اسلام درژاپن ورسم کنندهٔ چهرهٔ واقعی این دین عزیز وآگاهی بخش در آن کشور باشد تلقی کرد.

۲ـ ترجمهٔ کتابها وجزوه‌های اسلامی به‌زبان ژاپنی. کتابهائی که ازسوی مرکز اسلامی ژاپن ترجمه ومنتشر می‌شوند، معمولا آن دسته ازکتابهائی هستندکه توسط سید قطب وابوالاعلی مودودی و دیگر نویسندگان معاصر عرب واردوزبان نوشته شده وبه انگلیسی ترجمه گردیده‌اند. مرکز اسلامی ژاپن این کتابهارا به‌زبان ژاپنی ترجمه میکند وآنهارا به‌رایگان دراختیار علاقمندان میگذارد.

آنچه مایه تأسف است اینست که نشریات مرکز اسلامی ژاپن، اعم ازکتاب ومجله، تنها دردسترس افراد مسلمان آنهم کسانی که خودشان درجستجوی چنین نشریاتی باشند قرار دارد. گردانندگان مرکز اسلامی منتظر میمانند تادیگران بسراغ آنها بیایند وازآنها چیزی بخواهند و هرگز خودشان درصدد ایجاد زمینه‌های جدید برای توزیع نشریات اسلامی وتبلیغ اسلام برنمی‌آیند. درژاپن معمولا نشریات اسلامی ازمحدودهٔ مؤسسات اسلامی ومسلمانهای سرشناس فراتر نمیرود. درست مثل نشریات مذهبی خودمان درایران‌که ابتدا آنهارابرای مراجع میفرستیم، بعد روحانیون دیگر واگر چیزی باقی ماند وماهم همتی داشتیم چندتائی ازآنهارا برای بازاریهای

متدین روانه می‌کنیم!

۳ـ برگزاری اجتماعات اسلامی درمجامع علمی. مرکز اسلامی ژاپن برای شناساندن اسلام به طبقهٔ تحصیلکردهٔ ژاپن هرچند وقت یکبار در یکی از مجامع علمی این کشور کنفرانسی ترتیب میدهد وطی آن دانشمندان مسلمان که ازکشورهای اسلامی دعوت میشوند سخنرانیهائی پیرامون مسائل اسلامی ایراد می‌کنند.

یکی ازاین اجتماعات کنفرانسی بودکه در٤ تا٧ ژوئیه ۱۹۷۷ همزمان بادیدارم ازژاپن باهمکاری دانشگاه «چو» دراین دانشگاه درتوکیو برگزار شد. دراین کنفرانس که تحت عنوان «کنفرانس فقه‌اسلامی» برگزارگردید، تعدادی ازحقوقدانان عربستان‌سعودی، اردن وسوریه شرکت کرده ودر موضع فقه اسلامی ومقایسهٔآن با حقوقهای دیگر سخن گفتند.

این کنفرانس به ابتکار وپیشنهاد آقای خالد کیبا دبیر کل مرکز اسلامی ژاپن وباحمایت مالی «رابطةالعالم‌الاسلامی» برگزار شد. آقای کیباکه ازمسلمانان پاکدل وفعال ژاپن است خود فارغ‌ـ



در این عکس، آقای مصطفی احمد الزرقاء استاد دانشگاه عمان را در حال سخنرانی در کنفرانس فقه اسلامی می‌بینید. سخنرانان دیگر کنفرانس از جمله محمدعلی الحرکان رئیس رابطة العالم الاسلامی هم دیده میشوند.

التحصیل رشتهٔ حقوق از دانشگاه چو میباشد. او که درحقوق تطبیقی مطالعاتی دارد و به فقه اسلامی وبخصوص فقه زنده وسرفرازشیعه علاقهٔ فراوانی نشان میدهد، اولیاء دانشگاه «چو» رابرای برگزاری کنفرانس فقه اسلامی درآن دانشگاه تشویق کرد وبا جلب حمایت رابطة العالم الاسلامی ازطریق مرکز اسلامی ژاپن مقدمات تشکیل این کنفرانس رافراهم ساخت.

این کنفرانس درمیان دانشجویان وطبقهٔ تحصیلکردهٔ ژاپن، تأثیر مطلوبی داشت وسبب شد این گروهها تحرک تازه‌ای برای آشنا شدن بااسلام ازخود نشان‌دهند. لکن آنچه‌مهم‌است‌اینست‌که از این زمینهٔ‌مساعد بهره‌برداری‌شود و نیازهای‌این‌پویندگان برآورده‌گردد.



آقای خالد کیبا در حال سخنرانی در کنفرانس فقه اسلامی توکیو

ولی متأسفانه درشرایط کنونی امید چندانی به‌انجام‌این مهم‌نیست. زیرا تاکنون پاسداران اسلام درآن منطقه ازجهان کمتر بفکر بهره‌برداری ازچنین زمینه‌های مساعدی بوده‌اند.

نگهبانان اسلام در بسیاری از مناطق جهان معمولا تبلیغات دامنه‌داری درمطبوعات مذهبی و غیرمذهبی کشورهای اسلامی از جمله ایران به‌راه میاندازند واز فعالیت‌ها وپیشرفتهای چشمگیر خود! درزمینهٔ تبلیغ رسالت اسلامی سخن میگویند. ولی دریغا که مسلمانان وحتی مبلغان اسلام دل خودرا به‌این تبلیغات پوچ خوش نگهداشته وکمترازهرچیز به واقعیات می‌پردازند.



ساختمان
مرکزاسلامی‌ژاپن
توکیو

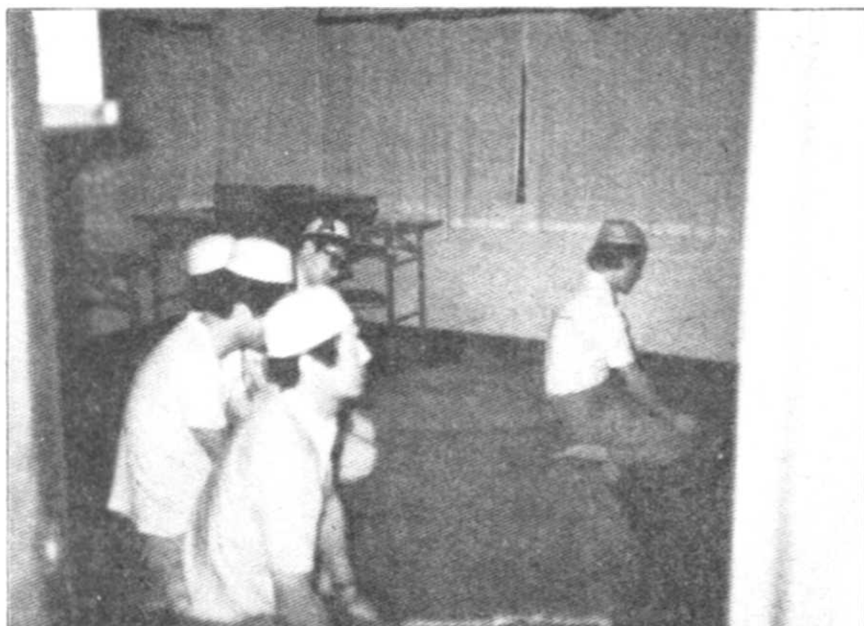
۶ـ فدراسیون جوانان مسلمان ژاپن

فدراسیون جوانان مسلمان ژاپن محصول کوششها و تلاشهای آقای کمورا وفعالیت‌های اسلامی اودر خارج ازشهر توکیو میباشد. این فدراسیون راآقای عثمان کوتاکی جوان ۲۷ ساله‌ای‌که ۸ سال پیش توسط آقای کمورا مسلمان شده واکنون در دانشگاه ریاض مشغول تحصیل علوم اسلامی است تأسیس کرده است.

آقای کوتاکی که قسمتی از تحصیلات دانشگاهی‌اش را در دانشگاه «کانازاوا» انجام داده، درپی تبلیغاتی‌که درآن شهر درمیان دوستان دانشجویش داشت توانست ۱۰ نفر ازآنان رامسلمان کند. این جوانان درسال ۱۹۷۵ بکمك آقای کوتاکی «فدراسیون جوانان مسلمان‌ژاپن» را درشهر کانازاوا واقع‌درغرب‌ژاپن تأسیس کردند.

اعضاء این فدراسیون درشبهای دوشنبه ضمن یك گردهم‌آئی دردفتر فدراسیون، نماز مغرب رابه جماعت برگزار می‌کنند وپس ازاستماع گزارش هفته دربارهٔ کارهای آینده باهم به‌بحث وگفتگو می‌نشینند. فعالیت این فدراسیون، که عبارتست ازدعوت جوانان کانازاوا به مطالعهٔ اسلام وایجاد پیوند و همکاری بیشتر میان مسلمانان آن شهر، درجزوهٔ کوچك ماهانه‌ای به زبان ژاپنی منتشر می‌شود.

این فدراسیون از سوی هیچ منبعی حمایت مالی نمیشود و اعضاء آن باپرداخت حق عضویت بودجهٔ آنرا تأمین میکنند. جوانان مسلمان کانازاوا، که‌دوتن از آنها مدت‌دوسال درپاکستان به‌تحصیل پرداختند وتاحدودی باجوحاکم برجامعهٔ اسلامی‌آشنا هستند، آمادگی فراوانی برای بالا بردن آگاهیهای اسلامی خود وشناساندن اسلام به‌مردم ژاپن دارند. متأسفانه مبلغین اسلام درژاپن به این افراد



گروهی از جوانان مسلمان کانازاوا در حال خواندن نماز مغرب در دفتر کار فدراسیون جوانان مسلمان ژاپن در کانازاوا. آقای کوتاکی با علامت × مشخص شده است.

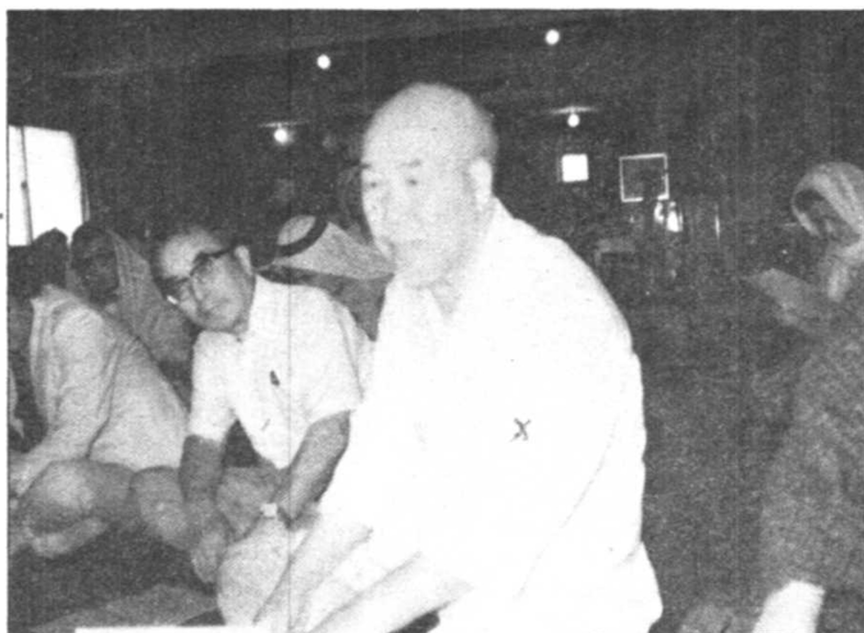
توجهی ندارند وآنهارا به‌حال خود گذاشته‌اند.

درتماسی که درکانازاوا باجوانان مسلمان آن شهر داشتیم، آنها آرزو میکردند درمیان خود ازنعمت وجود یك مسلمان‌آگاه برخوردار بودند ومیتوانستند ازطریق اوآگاهیهای اسلامی خودرا بالا ببرند. درحال حاضر، این افراد به‌آقای عثمان کوتاکی چشم امیددوخته‌اند تاتحصیلاتش رادر دانشگاه ریاض به‌پایان برساند ودربازگشت به ژاپن آنهارا دراین امر مهم یاری دهد.

۷ـ کنگرهٔ اسلامی ژاپن

کنگرهٔ اسلامی ژاپن که درسال ۱۹۷۵ توسط آقای دکتر «شوقی فوتاکی» پزشك سرشناس ژاپنی در توکیو تأسیس شد، یکـی از معروفترین مؤسسات اسلامی درژاپن میباشد.

آقای فوتاکی در سال ۱۹۰۸ در کانازاوا چشم به‌جهان گشود.



دکتر شوقی فوتاکی (×) با تعدادی از همکاران مسلمانش در سالن مخصوص نماز جمعه در رویال کلینیک توکیو

در ۱۹۳۸ ازدانشکدهٔ پزشکی دانشگاه کانازاوا فارغ‌التحصیل شدو در ۱۹۳۸ بعنوان پزشك ارتش ژاپن به شمال چین اعزام گردید. او پس ازبازگشت به‌ژاپن، چند مؤسسهٔ آزاد پزشکی تأسیس کرد که سرانجام ازادغام آنهایك مؤسسهٔ بزرگ پزشکی بنام «رویال کلینیك» بوجود آمد. این مرکز پزشکی که تحت سرپرستی دکتر فوتاکی اداره میشود، یکی ازمراکز پزشکی معروف توکیو میباشد.

دکتر فوتاکی درپی مطالعاتی که به‌تشویق آقای ابوبکر موریموتو رئیس مجمع فرهنگ اسلامی ژاپن دربارهٔ اسلام بعمل آورده بود، درسال ۱۹۷٤ مسلمان شد. اسلام‌آوردن آقای فوتاکی سبب شدگروهی ازهمکاران اودر رویال کلینیك نیز بــه دین مقدس اسلام مشرف شوند. بدنبال مسلمان شدن این گروه، دکتر فوتاکی مؤسسهٔ «کنگرهٔ اسلامی ژاپن» رادرمارس ۱۹۷۵ تأسیس کرد تافراگیرندهٔ همکاران تازه مسلمان او باشد.

دکتر فوتاکی درآوریل ۱۹۷۵ همراه باتعدادی ازاعضاءکنگرهٔ اسلامی ژاپن به عربستان سعودی، کویت، قطر، لیبی والجزایرسفر کرد و بارهبران‌اسلامی‌این‌کشورها ومؤسسات مذهبی آنها آشناشد. دردسامبر همان سال باردیگر به عربستان سعودی رفت ومراسم حج رابجا آورد. ازآن سال ببعد هرساله هیئتی ازسوی این مؤسسه برای شرکت درمراسم حج به عربستان سعودی اعزام میشود.

ازسوی مؤسسات اسلامی عربستان سعودی نیزدرسالهای اخیر هیئت‌هائی برای بازدید ازفعالیت‌های کنگرهٔ اسلامی ژاپن به‌توکیو اعزام شدند. این دیدارها سبب شدند پیوند این گروه مسلمان‌ژاپنی باکشورهای اسلامی استوار شود و مؤسسه اسلامی آقـای فوتاکی بصورت یك مؤسسهٔ فعال در ژاپن درآید.

کنگرهٔ اسلامی ژاپن، درحال حاضر حدود ۲۰۰ عضو مسلمان و۲۵۰۰۰ هواخواه غیرمسلمان دارد. دکتر فوتاکی بابرنامه‌هائی که دردست اجراء دارد میکوشد تابتدریج اعضاء مسلمان این کنگره را بیش ازپیش بااسلام آشناکند واعضاء غیرمسلمان آنرا به این دین مقدس دعوت نماید. کنگرهٔ اسلامی برای عملی ساختن این منظور ازوجود آقای عباس نبیل مبلغ اعزامی رابطةالعالم‌الاسلامی وعثمان امام مبلغ اعزامی جمعیةالدعوة الاسلامیة بهره میگیرد.

یکی از اقدامات جالب کنگرهٔ اسلامی ژاپن ایجاد یك کلینیك اسلامی‌درساختمان رویال‌کلینیك توکیو میباشد. این‌کلینیك‌اسلامی، درحد ظرفیت خود بیماران رابه‌رایگان معالجه میکند. بـراساس قوانین رفاهی ژاپن ۷۰درصد هزینهٔ معالجات کلیه بیماران از سوی دولت‌پرداخت می‌شود. بیمارانی‌که درکلینیك‌اسلامی معالجه میشوند ازپرداخت بقیهٔ هزینهٔ معالجه‌که ۳۰ درصداست نیز معافند. هدف دکتر فوتاکی از تأسیس این کلینیك تشویق ژاپنی‌ها به‌روی‌آوردن به‌اسلام‌است. کلیه کارکنان‌این کلینیك برروی‌سینه‌خود آرمی‌دارند

که جملهٔ «جمعیة مسلمی الیابان» درآن بچشم میخورد. بودجهٔ کنگرهٔ اسلامی ژاپن راآقای فوتاکی شخصاً تأمین میکند.

فعالیت‌های کنگره اسلامی ژاپن

درحال حاضر فعالیت‌های کنگرهٔ اسلامی ژاپن عبارتند از:

۱ـ برگزاری نماز جمعه درسالن مخصوص مراسم مذهبی در رویال کلینیك و تعلیم عبادات به اعضاء کنگره.

۲ـ انتشار جزوه‌هائی به‌زبانهای ژاپنی وانگلیسی که حاوی مطالبی دربارهٔ کارنامه واهداف کنگره میباشد.

۳ـ چاپ سور قصار قرآن کریم همراه باترجمهٔ ژاپنی آنهابه سبك های سنتی ژاپن واهداء آنها به مردم جهت تبلیغ اسلام.

٤ـ تشکیل کلاسهای عربی و آموزش دین برای مسلمانها.

٥ـ اعزام دانشجویان مسلمان ژاپنی به عربستان سعودی‌برای تحصیل در دانشگاههای اسلامی آن کشور. تاکنون دودانشجو ازسوی این کنگره به‌عربستان سعودی اعزام شده‌اندکه هردو در دانشگاه ریاض مشغول تحصیل هستند.

آقای فوتاکی درگفتگوئی که دررویال کلینیك توکیو بـا هم داشتیم، دربارهٔ انگیزهٔ اعزام دانشجویان ژاپنی به دانشگاه هـای اسلامی میگفت: تجربهٔ چندساله بمانشان داد که مابرای تبلیغ اسلام درمیان مردم ژاپن نمیتوانیم به مبلغین غیر ژاپنی متکی باشیم. ازاینرو فکر کردیم بهترین راه اینست که افرادی رابه کشورهای اسلامی اعزام کنیم تاپس ازتحصیل دردانشگاههای آن کشوروآشنا شدن بااسلام، به‌ژاپن برگردند و به‌کار تبلیغ این دین درمیان مردم مامشغول شوند. تردیدی نیست‌که آنها بهتر میدانند مردم ژاپـن راچگونه وازچه راهی میتوان بایك دین الهی چون اسلام آشناکرد.



در این عکس گروهی از اعضاء کنگرهٔ اسلامی ژاپن را که عموما از همکاران آقای فوتاکی در رویال کلینیک توکیو هستند در حال استماع خطبهٔ نماز جمعه در سالن مخصوص مراسم مذهبی این کلینیک می‌بینید. آنها معمولا با لباسهای عربی در این مراسم شرکت می‌کنند.

۸ـ گروه خیریه اسلامی

گروه خیریهٔ اسلامی درسال ۱۹۷۶ توسط آقای محمد ساوادا درتوکیو شروع به‌کار کرد. بگفتهٔ خود آقای ساوادا هدف ازتشکیل این گروه این بودکه باایجاد مؤسسات ومراکزی از قبیل مؤسسهٔ آموزش زبان عربی ومرکز تهیهٔ گوشت حلال گامهای مثبتی بـرای رفاه مسلمانان ژاپن بردارد.

مسألهٔ تهیهٔ گوشت حلال یکی ازمشکلات مسلمانان در کلیـهٔ کشورهای غیراسلامی است، هرچند تازگیها برای مسلمانانی‌که در کشورهای اسلامی زندگی میکنند هم بصورت مشکلی درآمده است! مسلمانان ژاپن نیز بااین‌مشکل روبروهستند. گروه خیریهٔ اسلامی درسال ۱۹۷۶ مرکزی رابرای تهیهٔ گوشت حلال درتوکیو دائر کرد

ولی پس ازمدت کوتاهی این مرکز بدلائل مالی تعطیل شد.

آقای ساوادا که مؤسس ورئیس گروه خیریۀ اسلامی است، ابتدا پیرو آئین شینتو بود، سپس به‌بودائیگری روی آورد وپس از مدتی مسیحی شد. اودر دورانی‌که مسیحی بود حتی بـه مدیریت کلیسای «سنت یونایتوس» توکیو هم رسید. در سال ۱۹۷۵ اسلام آورد ویکسال بعد گروه خیریۀ اسلامی رابا همکاری چنـد تن از دوستانش که به‌تشویق اومسلمان شده بودند تأسیس کرد.

یکی از اقدامات این‌گروه تأسیس یك‌مؤسسۀآموزش زبان‌عربی در توکیو میباشد. دوتن‌ازفرستادگان جمعیةالدعوةالاسلامیة در این مؤسسه به‌تدریس زبان عربی به‌علاقمندان مشغول هستند. نام این مؤسسه را «بنیاد فاتحه» گذاشته اند.

آقای ساوادا طرح گسترده‌ای برای کارهای آیندۀ گروه خیریۀ اسلامی درژاپن به‌رابطةالعالم‌الاسلامی ارائه کرده که بخشی ازآن تأسیس یك دانشگاه اسلامی در توکیو میباشد. ولی رابطةالعالـم الاسلامی موافقتی بااین طرح نشان نداده است.



گروهی از مسلمانان ژاپن در مراسم افتتاح ((بنیاد فاتحه)) یا مدرسه زبان عربی وابسته به گروه خیریه اسلامی ژاپن شخص کلاه بسر در ردیف نشسته آقای محمد ساوادا مؤسس گروه است.

بهرحال، گروه خیریهٔ اسلامی تاکنون درفعالیت‌های خود توفیق چندانی نداشته است. بنابراین، باید منتظر بمانیم و ببینیم درآینده چه خواهد کرد.

۹ـ انجمن جوانان مسلمان ژاپن

جدیدترین مؤسسهٔ اسلامی ژاپن «انجمن جوانان مسلمان» آن کشور است‌که درسال ۱۹۷۶ توسط یکی از فرستادگان «جمعیة الدعوةالاسلامیة» در توکیو تشکیل شد. هدف این انجمن بنا بگفتهٔ مؤسس آن، گسترش فعالیت‌های تبلیغی درمیان جوانان ژاپنی‌است.

این انجمن هرچند تاکنون بخاطر نوپا بودنش فعالیت چندانی نداشته است، ولی‌افرادی‌که دست اندرکارادارهٔآن هستندامیدوارند بتوانند درآینده گامهای مؤثری درجهت پیشبرد هدفشان بردارند.



درحاشیهٔ بررسی مؤسسات اسلامی ژاپن، تذکر چند نکته را لازم میدانم :

نکته اول اینست‌که : در ژاپن علیرغم کثرت انجمن‌ها ومراکز اسلامی مشکل است بتوان مؤسسه‌ای پیداکرد که صددرصد مطلوب بوده وفعالیت‌هایش بدون هیچ شائبه‌ای درجهت اعتلای اسلام درآن کشور باشد. علت این امر اینست که: گردانندگان بسیاری از این مؤسسات اصولا خدمت به‌اسلام راکمتر درنظر دارند. آنها هم که میخواهند برای اسلام قدمی بردارند، عموماً شناخت درستی ازاین دین عزیز ندارند وباروح تعالیم قرآن کریم و بینش عمیق رهبران اسلام آشنا نیستند.

نکتهٔ دوم اینکه این مؤسسات بایکدیگر همکاری ندارند و بدین ترتیب برخلاف تأکیدی‌که اسلام نسبت به اتحاد و همکاری دارد، هر

یك ازآنها باپیمودن راهی سوای دیگر مؤسسات بجای آنکه از امکانات خود حداکثر بهره رابگیرند درواقع آنرا بهدر میدهند. اینستکه بازده فعالیت‌های اسلامی درژاپن ناچیز است بخصوص اگر این بازده راباامکانات موجود به مقایسه بگیریم.

دیگر اینکه: همانگونه‌که در بررسی فعالیت‌های مؤسسات‌اسلامی ژاپن دیدیم، هیچیك ازآنها تاکنون درصدد برنیامده‌اند بخشی از مطبوعات ودیگر وسائل ارتباط جمعی ژاپن رادراختیار بگیرند واز طریق آنها درسطح گسترده‌تری به تبلیغ اسلام بپردازند. در ژاپن باکمال آزادی و بدون برخوردباهیچ مانعی میتوان ازیك دین تبلیغ کرد. دراختیار داشتن وسائل‌ارتباط جمعی هم درآن‌کشور کارچندان مشکلی نیست. ازطرف دیگر، برخی از مؤسسات اسلامی ژاپن آنقدرها بودجه‌دارندکه حتی بتوانند یك فرستنده رادیوئی رااداره کنند. بااینحال آنهاهنوز بفکر چنین‌کاری نیافتاده‌اند.

فصل چهارم

مسلمانان ژاپن و آینده اسلام در آن کشور

تعداد مسلمانان ژاپن و فرق اسلامی در آن کشور
مسلمانان غیرژاپنی در ژاپن
مسلمانان ژاپنی
چرا ژاپنی‌ها مسلمان می‌شوند؟
دانشجویان مسلمان مقیم ژاپن
آیندهٔ اسلام در ژاپن

تعداد مسلمانان ژاپن و فرق اسلامی در آن کشور

ازتعداد دقیق مسلمانان ژاپن، اطلاع صحیحی دردست نیست. هیچیك ازمؤسسات اسلامی ژاپن ازتعداد مسلمانان‌آن‌کشور بدرستی باخبر نیستند. تازگیها گروه تبلیغی «جمعیةالدعوةالاسلامیة» در کوبه بمنظور ازمیان برداشتن این کمبود، درصدد آمار گیری از مسلمانان ژاپن برآمده است. اما باتوجه به محدودیت امکانات این گروه، معلوم نیست این‌کار به‌شکل دقیق و کاملی انجام گیرد.

بهرحال، براساس گفته‌های مسلمانان صاحب‌نظر ژاپنی، در این‌کشور درحدود سه هزار مسلمان ژاپنی و همین تعداد مسلمان غیرژاپنی زندگی میکنند. یعنی درمجموع، تعداد مسلمانان ژاپن درحال حاضر به‌حدود ۶۰۰۰ نفر میرسد.

مسلمانان ژاپن عموماً پیرو مذهب شافعی هستند وتعداد کمی ازآنها پیرو سایر مذاهب میباشند.

مذهب تشیع، تعداد انگشت شماری پیرو درمیان مسلمانان ژاپنی دارد که البته گروه کوچك تجار ایرانی مقیم آن کشورراهم باید برآنها افزود.

مذهب تشیع تاکنون هیچگونه تبلیغات دینی درژاپن نداشته وبهمین دلیل درمیان مردم آن کشور شناخته شده نیست. اخیراً کتاب کوچکی که اسلام رااز دیدگاه تشیع معرفی میکند، با اقدام گروهی ازمسلمانان‌ایران توسط یك‌مسلمان‌ژاپنی از زبان‌انگلیسی به‌ژاپنی ترجمه وچاپ شد. این اولین گام برای معرفی تشیع به مردم ژاپن میباشد.

فرقهٔ احمدیه (قادیانیه) وهمچنین پیروان مسلك بهائیگری هرکدام برای خود یك مرکز تبلیغی در ژاپن دارند. آنها نیز در روزنامه‌های معروف توکیو، آدرس مراکز تبلیغی خودرا در کنار آدرس مسجد وکلیسا چاپ می‌کنند ومردم رابه این مراکز دعوت می‌نمایند.

مسلمانان ژاپن درشهرهای: توکیو، یوکوهاما، ناگویا، کیوتو، اوساکا، کوبه، هیروشیما، کانازاوا وسندای در جزیرهٔ مرکزی (هونشو)، ساپورو درجزیرهٔ شمالی (هوکایدو)، توکوشیما وناروتو درجزیرهٔ جنوبی (شیکوکو) زندگی می‌کنند. تعداد مسلمانان در شهرهای توکیو، کوبه واوساکا ازشهرهای دیگر بیشتر است.

مسلمانان غیرژاپنی در ژاپن

درمیان مسلمانانی که ازکشورهای اسلامی به‌ژاپن رفتند ودر آنجا ماندگار شده‌اند، ترکهای مهاجر روسی دارای اکثریت هستند. ازاینها که بگذریم به پاکستانیها، هندیها، عربها و مسلمانان کشورهای آسیای دور میرسیم که به‌مناسبت‌هائی به‌ژاپن راه یافته ودرآن کشور جاخوش کرده‌اند. دراین میان به‌چند ایرانی هم باید اشاره شود که ازسالها پیش درژاپن به تجارت مشغولند.

این مسلمانها درشغل‌ها وپست‌های گوناگون ازکاردرشرکتها گرفته‌تا تدریس دردانشگاههای ژاپن سرگرم فعالیت هستند. وضع

اقتصادی آنها عموماً خوب است وحتی برخی ازآنان اززندگی کاملا مرفهی برخوردارند. ازنظر اخلاقی و پای‌بندبودن به مسئولیت‌های اسلامی همه‌گونه افرادی درمیان این مسلمانان دیده می‌شوند. بهتر است بگویم: ازاین نظر میان مسلمانان مقیم ژاپن بامسلمانانی که درکشورهای اسلامی زندگی می‌کنند درمجموع تفاوتی‌دیده نمیشود. همانگونه که دراین کشورها مسلمانان راستین ودروغین هردورادر کنارهم‌میشود دید، درآنجاهم‌این هردوگروه‌وجود دارند. شاید بتوان گفت: تنها تفاوت اینست‌که چون مسلمانان بی‌مسئولیت در یک کشور غیراسلامی مانند ژاپن ازآزادی بیشتری برای بی‌مسئولیت بودن برخوردارند، روش‌های نادرست‌تری درپیش میگیرند وبااین کار گامی درجهت خلاف رسالت انسانی واسلامی خود دریك‌جامعهٔ غیرمسلمان، که‌مردم آن بیش ازهرچیز باید ازطریق اعمال‌مسلمانان بااسلام آشنا شوند، برمیدارند.

دربیشتر سفارتخانه‌های اسلامی درتوکیو، کمتر نشانه‌ای از اسلام بچشم میخورد. بسیاری ازکارکنان سفارتها مشروبات الکلی وگوشت خوك راازشیر مادر حلالتر میدانند وخوردن آنهارا نشانهٔ تمدن! رفتار بسیاری ازاین باصطلاح نمایندگان کشورهای اسلامی به رفتار هرکسی شبیه است جزبه رفتار يك مسلمان.

درعین‌حال، نباید از یاد بردکه این وضع به‌همهٔ مسلمانان غیرژاپنی مقیم آن‌کشورمربوط نمیشود وبسیاری ازآنهاهم پای‌بند اخلاق هستند وهم‌اهل مسئولیت‌های‌اسلامی. مسلمانان پاکستانی بهترین وپای‌بندترین مسلمانان غیرژاپنی درژاپن هستند. وقتی برای نماز به‌مسجد توکیو میروی، نصف شرکت کنندگان پاکستانی هستند وبقیه ازکشورهای دیگر. کارکنان سفارت پاکستان بقوانین اسلام پای‌بند هستند وحتی دروانفسای نایابی گوشت حلال درژاپن، مرغ یاگوسفند زنده میخرند وآنهارا درمحل سفارت ذبح میکنند تا

گوشت حلال بخورند ومانند بسیاری از دیگر همکارانشان متمدن نباشند! و به‌آنها بفهمانند که درهر شرایطی میتوان مسلمان باقی ماند و به رسالت اسلامی عمل کرد.

آنچه‌مایهٔ تأسف است اینست‌که: روش خلاف گروه‌اول‌وسیله‌ای است برای سست‌شدن اعتقاد تازه مسلمانان ژاپنی نسبت به‌اسلام ومانعی است برای جلب مردم غیرمسلمان آن کشور بسوی اسلام. در گفتگوهائی که با ژاپنی‌های غیرمسلمان داشتم بیشتر آنها همین نکته رابه‌من یادآور میشدند. آنهامیگفتند: روش اخلاقی ماژاپنی‌ها از بسیاری از مسلمانانی‌که مادراین کشور می‌بینیم بهتراست. آنها مدعی صفات پسندیده‌ای هستند که درآنها وجود ندارد ولی بسیاری ازما ژاپنی‌ها آن صفات راداریم. بااینحال آیا انتظار بجائی است‌که مادین آنهارا بپذیریم ؟

شنیده‌اید که سید جمال‌الدین اسدآبادی میگفت: ماابتدا باید به غیر مسلمانان اعلام کنیم که مسلمان نیستیم، آنگاه آنهارا به اسلام دعوت نمائیم؟ من هروقت یك مسلمان شناسنامه‌ای را می‌بینم که بااسلام عملافرسنگها فاصله دارد، به‌یاداین سخن سیدجمال‌الدین میافتم. شما چطور ؟

مسلمانان ژاپنی

با سیمائی که ازمبلغین اسلام درژاپن ازیکسو و مسلمانان غیرژاپنی مقیم‌آن کشور ازسوی دیگردرذهن دارید، میتوانید دربارهٔ مسلمانان ژاپنی چیزهائی را حدس بزنید.

مهمترین چیزی‌که یك مسلمان واقعی به‌آن نیازدارد، شناخت صحیح اسلام است. باتوجه به‌میزان آگاهی مبلغین اسلام در ژاپن، نمیتوان انتظار داشت آنهاکه دراثر تبلیغات این افراد مسلمان میشوند ویاکسانیکه میخواهند بکمك آنها اسلام رابفهمند، باروح

این دین آشنا باشند. واقعیت اینست که آگاهی اسلامی مسلمانان ژاپنی بسیار ناچیز است. بسیاری ازآنها اسلام را در ممنوعیت مشروبات الکلی وگوشت خوك خلاصه میدانند واینکه باید نماز جمعه خواند ودرماه رمضان بجای صبحانه وناهار، سحری وافطاری خورد! بیشتر مسلمانان ژاپنی ازاسلام همین رامیدانند ودیگر هیچ.

تعداد انگشت شماری ازمسلمانان ژاپنی رادیدم که در ذهن خود کوره راهی به‌بینش‌های عمیق اسلامی درمسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی وعبادی داشتند. اینها معمولا کسانی هستند که به‌مناسبت‌هائی بامحیط‌های اسلامی خارج از ژاپن ارتباط پیدا کردند واز دانشمندان مسلمان ویاکتابهای آنها بهره گرفتند و بدینطریق بادیدی نسبتاً عمیق بامحتوای اسلام آشنا شدند.

درمرحلهٔ عمل، مسلمانان ژاپنی هم مانند دیگر مسلمانان بطور کلی به‌دوگروه تقسیم می‌شوند. گروهی ازآنها براستی به‌آنچه از اسلام میدانند پای‌بند هستند ودرحد آگاهیهایشان نمونه‌های خوبی ازمسلمانان پاکدل وراستین میباشند. گروه دیگر کسانی هستندکه نتوانسته‌اند خودرا ازجو غیراسلامی حاکم برژاپن آزاد نمایند و مانند یك مسلمان واقعی زندگی کنند. آنها تحت فشار مشکلاتی که معمولا درکشورهای غیراسلامی برای مسلمانان وجود دارد، بناچار از انجام دستورات اسلامی شانه خالی کرده وبرای‌خود از اسلام‌تنها نام اسلامی وعضویت دریکی ازمؤسسات مذهبی واحیاناً شرکت در برخی از مراسمشان را محفوظ نگهداشته‌اند.

بی‌تردیدکوتاهیهائی‌که پاسداران اسلام درژاپن درامررسیدگی به مشکلات مسلمانان ژاپن وتربیت صحیح اسلامی آنها مینمایند دراین امر تأثیر فراوان دارد. ازینرو کمتر میتوان این گروه از مسلمانان رانکوهش کرد. همانگونه‌که نباید اهمیت وارزش واقعی آندسته ازمسلمانان پاکدل ژاپنی راکه درچنان شرایط سختی به

وظائف اسلامی خود عمل میکنند، از یاد برد.

بیشتر مسلمانان ژاپنی دارای تحصیلات عالیه هستند ودرمیان آنها کمتر میتوان افراد کم‌سواد یافت. بهمین جهت بسیاری ازاین مسلمانان دارای شغل‌ها و پست‌های قابل توجه میباشند. در فصل گذشته ضمن بررسی مؤسسات اسلامی ژاپن، باتعدادی از مسلمانان سرشناس ژاپنی آشنا شدیم. این افرادمعمولا درتوکیو زندگی میکنند وازاینجهت این شهررا باید مهمترین مرکز مسلمانان ژاپن دانست.

پس ازتوکیو، شهرهای «توکوشیما» و «ناروتو» ازاین نظر دارای اهمیت زیادی هستند. «توکوشیما» مرکز جزیرهٔ جنوبی «شیکوکو» یکی ازچهارجزیرهٔ بزرگ ژاپن‌میباشد و«ناروتو»شهرك زیبائی استکه درکنار آن قراردارد. آقایان: عمرکاواباتا پزشك معروف ورئیس جامعهٔ پزشکان ژاپن، خالد کیبا حقوقدان ودبیرکل مرکز اسلامی ژاپن، فاروق ساکای رئیس مجلس ایالتی شیکوکو و یوسف ناکاشیما رئیس مرکز فرهنگی توکوشیما ازجمله مسلمانان سرشناس و پرسابقهٔ ژاپن میباشند که دراین دوشهر زندگی میکنند. درمرحلهٔ بعد، شهرهای‌اوساکا وکیوتو که‌گروهی‌ازمسلمانان‌معروف ژاپنی درآنها زندگی میکنند، برای مسلمانان آن کشور از اهمیت خاصی برخوردارند.

چرا ژاپنی‌ها مسلمان می‌شوند؟

درسالهای اخیر، ژاپنی‌ها گرایش چشمگیری نسبت به اسلام ازخود نشان میدهند. این گرایش برای مسلمانان علاقمندباینگونه مسائل موجب‌پیدایش این پرسش می‌شود که: چراژاپنی‌ها مسلمان می‌شوند؟

دربررسی انگیزهٔ این گرایش به‌این نتیجه رسیدم که مردم ژاپن به‌علل زیر مسلمان میشوند:

ـ تحقیق و مطالعه
ـ ازدواج
ـ تجارت وروابط فرهنگی

۱ـ تحقیق و مطالعه

درمیان مردم‌ژاپن افرادی را دیدم‌که ازروی تحقیق اسلام را پذیرفته وباعلاقهٔ فراوان به مطالعهٔ آن ادامه میدهند. البته ممکن است همین افراد ازنظر معلومات وآگاهیهای‌اسلامی درسطح بالائی نباشند ولی این چیزی است‌که به مبلغان‌اسلام ونارسائیهای‌تبلیغات اسلامی درژاپن مربوط می‌شود. برخی ازاین افراد آنچنان تشنهٔ اسلامند که آمادگی دارند مقدار زیادی از وقتشان را صرف درك و فهم آن کنند.

تعداد انگشت شماری ازاین مسلمانان محققانی هستند که در رشته‌هائی ازعلوم اسلامی مطالعات قابل ملاحظه‌ای دارند و در دانشگاهها ومجامع علمی ژاپن ودیگر کشورها سرگرم تدریس و تحقیق میباشند. درنسل جوان ژاپن و دانشجویان آن کشور نیز جنبشی برای آشناشدن بااسلام بچشم میخورد. درمجموع، هر چند تعداد افرادی که ازروی تحقیق ومطالعه اسلام آورده باشند کم‌است ولی این نشانهٔ آنست که مردم ژاپن اسلام را بعنوان یك دین و نه چیز دیگر خواهند پذیرفت.

توجه به این نکته لازم است‌که این گروه ازمسلمانان ژاپن در شرایطی به اسلام روی آوردند که برای این دین عزیز هیچگونه تبلیغی درکشورشان نمیشد. درآن شرایط نه‌تنها درژاپن برای اسلام تبلیغی نمیشد، بلکه مردم‌آن‌کشوردربرابرتبلیغات روزافزون مسیحیت ومسلك‌ها ومکتب‌های گوناگون نیز قرار داشتند. آنها چون درجستجوی‌حقیقت بودند، ازاین کانالها عبورکردند وسرانجام

به چشمهٔ زلال حقیقت یعنی اسلام رسیدند ومطلوب خودرا در آن یافتند.

۲ـ ازدواج

یکی دیگر ازعواملی که سبب گرایش مردم ژاپن به اسلام است، ازدواج آنها بامسلمانان میباشد. گاهی دختران ژاپنی برای اینکه بتوانند به همسری یك مرد مسلمان درآیند مسلمان می‌شوند، و گاهی هم مردان ژاپنی برای ازدواج بادختران مسلمان اسلام‌را می‌پذیرند. جالب اینست که همزمان بادیدارم ازژاپن مواردی از این هردو نمونه درآنجا پیش آمد ومن توانستم باتعدادی از این گروه مسلمانان ژاپنی گفتگوهائی داشته باشم.

درمسجد کوبه بازن تازه مسلمانی گفتگو داشتم که بخاطر ازدواج بایك خلبان پاکستانی اسلام آورده بود. اوکه جمیله هیروس نام دارد میگفت: پیش ازآنکه مسلمان شوم بهیچوجه مطالعه ای دربارهٔ اسلام نداشتم وصرفاً بخاطر ازدواج بااین خلبان مسلمان دین اورا پذیرفتم. نمونهٔ دیگر که درتوکیو رخ داد، مسلمان شدن یك جوان بودائی‌ژاپنی برای ازدواج بایك دخترمسلمان ایرانی بود.

اسلام آوردن این افراد هرچند اگر درآیندهٔ آنها اثری نگذارد کار بی‌ارزشی است، اما درمیان همین افراد کسانی پیدا میشوندکه ازاین رهگذر به مطالعه وتحقیق دربارهٔ این دین می‌پردازند و در نتیجه به یك مسلمان واقعی تبدیل می‌شوند. خانم جمیله هیروس نمونه‌ای است از اینگونه افراد. اومیگفت: هرچند مسلمان‌شدن من صرفاً بخاطر ازدواج بوده وباهیچگونه مطالعه‌ای دربارهٔ اسلام‌همراه نبود، اما پس از ازدواج به‌تشویق شوهرم تصمیم گرفتم این دین را مطالعه کنم. این کاررا باعلاقمندی وکنجکاوی فراوان دنبال کردم واکنون احساس می‌کنم سخت مجذوب اسلام هستم.

درمورد این گروه هم نباید نقش مبلغین اسلام راازیاد برد. خانم جمیله هیروس این شانس را داشت که در کوبه بکمك گروه تبلیغی جمعیةالدعوةالاسلامیة به مطالعهٔ اسلام بپردازد. اما آنهاکه به‌این گروه دسترسی ندارند، قطعاًچنین شانسی رانخواهند داشت. این افراد اگربکمك پویائی وجستجوگری خودشان راه به جائی نبرند، کسی هم نیست‌که بفکر آنها باشد. وچه بسا زمینه های آماده‌که بهمین ترتیب ازدست میروند.

۳ـ روابط تجاری و فرهنگی

میدانیدکه چرخهای اقتصاد ژاپن راصنایع آن کشور به‌گردش درمی‌آورند. ومیدانیدکه آسیای صنایع جهان‌وازجمله ژاپن رانفت، وبخصوص نفت کشورهای‌اسلامی، بکار میاندازد. بنابراین، نفت دراقتصاد ژاپن نقش بسیار مهمی دارد.

ازسوی دیگر، ژاپنی‌ها برای فروش فرآورده‌های صنعتی خود به‌بازارهای کشورهای جهان سوم‌نیاز دارند ومیدانیم‌که‌کشورهای اسلامی مصرف‌کنندگان‌عمدهٔ کالاهای‌آنهاهستند. ازاینرومسلمانان نه‌تنها بخاطر نفتشان بلکه همچنین بخاطر اینکه مصرف کنندگان خوبی! برای کالاهای ژاپنی هستند، مورد توجه فراوان مردم آن کشور میباشند.وآنها به‌هر ترتیب که شده میخواهند روابط‌خودرا بامسلمانان استوارتر سازند.

برای رسیدن به‌این هدف، دولت وملت ژاپن هرکدام به سهم خود تدابیری اندیشیده‌اند. دولت ژاپن بابرقراری روابط سیاسی حسنه باکشورهای اسلامی و تأسیس مؤسساتی برای همکاریهای فرهنگی باآن کشورها میکوشد تاهرچه بیشتر به مسلمانان نزدیك شود. دراین میان نقش آندسته ازمردم ژاپن که‌به نحوی بامسلمانان درارتباطند اینست که برای جلب توجه مسلمانان و بمنظور اینکه

موفقیت بیشتری در کارشان داشته باشند به اسلام اظهار علاقه میکنند واحیاناً گروهی ازآنها مسلمان می‌شوند. بنابراین، این گروه ازمردم ژاپن درواقع مسلمان نیستند، بلکه هدفشان‌ازمسلمان شدن تنها سوداگری است.

برخی ازجوانان ژاپنی نیز توجه زیادی به فراگرفتن زبان عربی نشان میدهند. بیشتر این افراد میخواهند بافراگرفتن این زبان درکار مبادلات تجاری میان ژاپن وکشورهای عربی بشرکتهای تجاری وصنعتی کمك کنند وازاین رهگذر در غوغای نفت کمری ببندند. آنها برای اینکه بهتروآسانتر به‌هدفشان برسند، مسلمان می‌شوند تاازاین طریق توجه‌مسلمانان رابه‌خود جلب کنند وازسوی آنها به‌امتیازاتی ازقبیل بورسهای مجانی و همکاریهای دیگر دست یابند.

من، افرادی ازاین گروههاراکه همزمان با دیدارم از ژاپن مسلمان شده بودند درآنجا دیدم و باآنها گفتگوهائی بعمل آوردم. جالب اینست که هرچند بیشتر این افراد حاضر نبودند اعتراف کنندکه اسلام رابه قصد سوداگری پذیرفته‌اند، ولی برخی از آنها بدون ذره‌ای پنهان کاری مقاصد خودرا از پذیرش اسلام بیان میکردند.

درروز جمعه ۱۷ تیر ۱۳۵۶ درمسجد توکیو دختر دانشجوئی که دردانشگاه توکیو دررشتهٔ زبان عربی درس میخواند اسلام آورد که ازهمین قماش بود. اودر گفتگوئی‌که باهم داشتیم دربارهٔ انگیزهٔ مسلمان شدنش گفت: چون میخواهم برای ادامهٔ تحصیل بکشورهای عربی بروم وبرای این کار به‌کمك‌هائی ازآن کشورها نیاز دارم، مسلمان شدم تاآنها باین خاطر کمك های لازم رادر اختیارم قرار دهند. درروز جمعه ۲۱ مرداد يك دکتر داروساز در مسجد توکیو مسلمان شد. روزبعد بااو گفتگوئی ترتیب دادم تابفهمم چرامسلمان

شده است و چه چیزهائی ازاسلام میداند. درنتیجهٔ این گفتگو معلوم شد اواز اسلام چیزی نمیداند و مسلمان شدنش جنبهٔ تشریفاتی دارد. ازاو دعوت شده بود تامدت دوسال دریکی از دانشگاه های ایران تدریس کند. بهمین جهت درست دوروز پیش از مسافرتش به‌ایران مسلمان شد تاوقتی وارد ایران می‌شود «همرنگ جماعت» باشد!

دانشجویان مسلمان مقیم ژاپن

کسانی را که از کشور های مختلف برای ادامه تحصیل به‌ژاپن میروند، می‌توان به‌دوگروه تقسیم کرد: یك گروه ازاین افراد کسانی هستندکه در دانشگاههای آن کشور سرگرم تحصیل در دوره‌های لیسانس به‌بالا هستند، و گروه دیگر کسانی هستند که به دعوت‌آژانس همکاریهای بین‌المللی ژاپن (J.I.C.A) به‌آن‌کشورمیروند وضمن چندماه اقامت درآنجادوره‌های تخصصی معینی رامیگذرانند.

این دوگروه درشهرهای: توکیو، ناگویا، کیوتو، اوساکا وسندای سرگرم تحصیل هستند. درتوکیو دومرکز بین‌المللی برای اقامت دانشجویان خارجی وجود دارد که یکی مخصوص گروه اول است و دیگری ویژه گروه دوم.

بیش‌ازنیمی ازخارجیانی‌که درژاپن سرگرم تحصیل یاگذراندن دوره‌های تخصصی میباشند، ازکشورهای اسلامی هستند. ژاپن برای تحکیم موقعیت خود درکشورهای جهان سوم ازجمله‌کشورهای اسلامی، اعم ازنفت‌خیز وغیرنفت‌خیز، بورسهائی به اتباع این کشورها میدهد تادر کشورهای فاقد نفت بازارفروش کالاهایش را گسترش دهد ودرکشورهای نفت‌خیز، علاوه براین‌کار، موفقیتهائی درمعاملات نفت بدست بیاورد.

بهرحال، گروه اول از دانشجویان مسلمان مقیم ژاپن این

شانس رادارندکه زیر پوشش فعالیت‌ها وتبلیغات اسلامی انجمن دانشجویان مسلمان آن کشور باشند. ولی برای افراد گروه دوم یعنی مسلمانانی‌که سرگرم گذراندن دوره های تخصصی در ژاپن هستندتاکنون هیچیك ازمؤسسات اسلامی‌آن‌کشور اقداماتی نکرده‌اند. تعداد این گروه ازدانشجویان مسلمان که درمرکز بین‌المللی توکیو معروف به «تی. آی. سی» (T.I.C) زندگی می‌کنند، همواره به‌صدها نفر میرسد. بسیاری ازاین افراد آمادگی فراوانی برای شرکت در فعالیتهای اسلامی‌دارند. گروه‌زیادی‌ازاین‌دانشجویان‌مسلمان‌نیازمند راهنمائیهائی درامور مذهبی هستند ودرچنان محیطی پرسشها و مسائلی برایشان پیش می‌آید که حتماً باید یك مؤسسه اسلامی ویا یك مبلغ مذهبی به‌آنها رسیدگی کند. ولی ازآنجاکه چنین مؤسسه یا چنین شخصی رانمی‌یابند، در شهر بزرگ و پرجمعیت توکیو راهی به‌جائی نمیبرند وهمواره بااین نوع مشکلات دست وپنجه نرم می‌کنند. وجود این‌مشکلات وآمادگی فراوان دانشجویان‌مسلمان چیزهائی هستندکه من درمدت اقامتم درژاپن از طریق مشاهدهٔ مستقیم آنهارا دریافتم.

مؤسسات اسلامی ژاپن می‌توانند ازاینهمه‌آمادگی بهره‌برداری کنند. آنها می‌توانند به‌دانشجویان مسلمان برای رفع‌مشکلاتشان کمکهای مؤثری‌بکنند وازاین طریق پیوندآنهارا بادینشان محکم‌تر نمایند. آنها حتی‌می‌توانند دانشجویان غیرمسلمان رابه اسلام‌دعوت کنند وبابهره‌گیری ازاین موقعیت مناسب به رسالت تبلیغی خود نسبت به‌آنها نیز عمل نمایند.

اخیراً انجمن‌دانشجویان‌مسلمان‌ژاپن طرحهائی رابهمین‌منظور تهیه کرده وامیدوار است بتواند بااجراء آنها رسالت خطیر خود رادراین زمینه به انجام برساند.

آیندهٔ اسلام در ژاپن

دوست دارم پیش ازآنکه دربارهٔ آیندهٔ اسلام در ژاپن سخن بگویم، باتأکید این نکته رایادآورشوم که: بعنوان نتیجه بررسی‌هائی که دربارهٔ اسلام درژاپن داشتم عقیده دارم درآن کشور زمینه برای گسترش اسلام فراهم است. این بررسی‌ها نشان دادندکه علیرغم شایعاتی که مبنی بربی‌اعتنائی مطلق ژاپنی‌ها نسبت به دین وجود دارد درحال حاضر بسیاری ازاین مردم درجستجوی دینی هستندکه به زندگی یك بعدی وخلاصه شده درتکنیك آنها معنائی ببخشد و آنهارا ازخلائی‌که زائیدهٔ زندگی ماشینی است برهاند.

ژاپنی‌ها میدانندکه باورداشت‌های افسانه‌ای شینتو و تعالیم یك بعدی بودائیگری چیزهائی نیستند که به زندگی آنها معنی ببخشند. به‌مسیحیت و مسلك‌ها ومکتب‌های فکری و فلسفی هم که چندان خوشبین نیستند. پس چه‌چیز می‌تواند به‌این نیاز انسانی آنها پاسخ بدهد ؟

فکر میکنید اسلام ؟

بله اسلام. امانه اسلامی که درهرشکل وتوسط هرکس عرضه شود. آنچه پاسخگوی نیاز معنوی مردم ژاپن است اسلامی است که درشکل واقعی‌اش توسط مسلمانانی که خود، اسلام مجسمند به‌آنها معرفی گردد. اگر می‌بینیم یامیشنویم که مردم ژاپن تاکنون بادین میانه‌ای نداشته‌اند بخاطر این نیست‌که آنها نسبت بچنین پدیده‌ای اصولا احساس بی‌نیازی می‌کنند. بلکه فقط بخاطر اینست که ادیان عرضه شده به‌آنها پاسخگوی نیازهای انسانیشان نبودند.آنها چون دراین آئین‌ها حقیقتی ندیدند «ره افسانه زدند» .

اسلام یك قرن است‌که به ژاپن راه یافته، تاحدودی هم درمیان

مردم آن‌کشور پیش رفته اما دریغا که درآنجاهم ازانحراف مصون نمانده‌است. نکتهٔ بسیار جالب اینست که این دین پاك الهی درطول یك قرن تاریخ خود درژاپن باهیچ مانعی برنخورده ودرپاره‌ای موارد ازسوی خود ژاپنی‌ها حمایت هم شده است. هرچند در ژاپن هم، مثل همهٔ کشورهای‌غیرمسلمان، هستندکسانی‌که برای‌سوداگری مسلمان شده‌اند، اما درمیان ژاپنی‌های مسلمان به‌کسانی هم برمیخوریم که دراثر پویائی وحق‌جوئی به‌این دین‌عزیز گرویده‌اند و به‌آن بعنوان مکتبی‌که نیازهای انسانیشان رابرمی‌آورد عشق میورزند.

باآنچه ازگذشته وحال اسلام درژاپن میدانید، آیندهٔ این دین عزیز رادرآن کشور چگونه پیش‌بینی میکنید؟

نظر من اینست که آیندهٔ اسلام در ژاپن درگرو کاری است که پاسداران اسلام‌در آن‌کشورانجام‌خواهندداد.اگر به‌آنچه تاکنون‌در ژاپن داشته‌ایم وباهمان محتوا وآهنگ بسنده کنیم ویااگر چیزی به‌آن میافزائیم فقط بر حجمش بیفزائیم و محتوا را همچنان رها کنیم، باید شکست خود راهم‌درآنجا حتمی بدانیم. ولی اگرفداکاری کنیم و این دین را آنگونه که هست دور از پیرایه‌هائی‌که به‌آن بسته شده به‌ژاپنی‌ها عرضه نمائیم، تردیدی ندارم که آیندهٔ درخشانی در انتظار اسلام در ژاپن خواهد بود. اگر اسلام را آنگونه که هست به‌مردم ژاپن عرضه کنیم، آنها خود را با حقیقت روبرو خواهند دید. ودرآنصورت دیگرانگیزه‌ای برای «ره افسانه» زدن نمی‌یابند.

این درست نیست‌که تصور شود زندگی ماشینی دیگر مجالی برای گرایشهای دینی درمیان مردم ژاپن باقی نگذاشته است.درست است‌که زندگی ماشینی مردم رابا همان سرعتی که ماشین دارد از معنویت دور میکند، ولی تردیدی نیست که این فاصله هرچه بیشتر شود، فاصلهٔ انسانهای ماشین‌زده تامعنویت‌کمتر میشود. مسیرماشین تمدن یك مسیر دایره‌ای است. دراین مسیر هرچه ازنقطهٔ شروع

دورتر می‌شویم به‌آن نزدیکتر می‌شویم. سرعت ماشین تمدن هرچه بیشتر باشد، فاصلهٔ سرنشینان آن تا معنویت سریعتر طی میشود. در این‌میان،آنهاکه برماشین‌تمدن سوارند زودتر ازآنهاکه به‌دنبال آن یدك کشیده میشوند به‌مقصد میرسند. مردم ژاپن که از جمله کسانی هستند که برماشین تمدن سوارنـد اکنون بخوبی احساس می‌کنند که زندگی آنها ازمعنی تهی است و درست بهمین دلیـل بسیاری‌ازآنهادرجستجوی چیزی‌هستندکه به‌زندگی آنهامعنی بدهد.

دراینجا لازم است ازمیان گفتگوهائی‌که درطول اقامتم درژاپن بامردم آن‌کشور داشتم، داستان گویای اسلام آوردن یك‌زن‌جستجوگر را که از زبان خودش شنیده‌ام برایتان بازگو کنم تا نمونه‌ای بـاشد زنده ازحق‌جوئی مردم ژاپن ونشانه‌ای باشد اززمینهٔ مساعدی که برای گسترش اسلام درآن کشور وجود دارد. این داستان به زنـی بنام خدیجه ناکاجیما مربوط می‌شودکه هم‌اکنون در توکیو زندگی می‌کند. خانم خدیجه ناکاجیما در پاسخ این پرسش من، که چگونه مسلمان شدید گفت:

«من دریك خانواده بودائی بدنیا آمدم. وقتی سه‌ساله بودم پدرم ازدنیا رفت ومن تحت سرپرستی مادر بـزرگم بزرگ شدم. اوپیرزنی بودکه به بودائیگری علاقهٔ فراوانی داشت وطبعاً سعی میکرد مراهم مثل خودش بار بیاورد. من بااوبه معابد بودائی میرفتم ودر مراسم دینی شرکت‌میکردم. دردوران تحصیلی سعی کردم بامحتوای بودائیگری آشناشوم. دراین آئین چیزی‌برای زندگی‌نیافتم. علاوه براین روحانیون بودائی رادیدم‌که معابد راوسیله‌ای برای مال اندوزی قرار داده بودند. اینها مرابه کنجکاوی درادیان دیگر واداشت.

شنیده بودم پدر بزرگم گاهگاهی به کلیسای کاتولیك میرفت. منهم درپی کنجکاویهایم به‌کلیسا راه یافتم. در کلیسا چیزهای نپذیرفتنی فراوان دیدم. آنها عیسی راپسر خدا میخواندند واین برای من قابل قبول نبود. همیشه از

خود میپرسیدم چگونه ممکن است خدا فرزند داشته باشد؟ درآنصورت چه فرقی میان ماوخدا خواهد بود؟ یك روزدر کلیسا از روحانی کلیسا دربارهٔ اشکالاتی که به‌مسیحیت داشتم توضیح خواستم. اهل کلیسا سرم ریختند ومرا با خشونت ازآنجا بیرون کردند.

همزمان باجنگ چین وژاپن، یکی از بستگانم که در دانشگاه توکیو درس میخواند بااقتصاد مارکس آشنا شد و ازبرابری خواهی های مکتب اوخوشش آمد. اومراهم بااین مکتب آشنا کرد ومن به مطالعهٔ مارکسیسم روی آوردم وبا کلیسا قطع‌رابطه کردم.

از مطالعهٔ کتابهائی که دربارهٔ مارکسیسم بدستم میرسید خوشم آمده بود وسخت مجذوب مطالعهٔ این مکتب بودم که به‌خانهٔ‌بخت رفتم و این‌امر مرا موقتاً از مطالعه جدا کرد. پنج‌سال بعد شوهرم از سوی ارتش ژاپن به‌خارج اعزام شد و درسال ۱۹٤٦ از دنیا رفت. من بار دیگر به مطالعه روی آوردم ولی پس از سالها جستجوگری هنوز بسیاری از پرسشهایم بی‌پاسخ مانده بودند وفلسفه های نو هم نتوانستند مرا قانع کنند. اینها هرکدام به یك جنبهٔ زندگی نظر داشتند ولی من درپی مکتبی بودم که برای همهٔ پرسشهای من پاسخ داشته باشد.

درسالهای پس ازجنگ جهانی دوم درتوکیو با یك آمریکائی بنام «ویلیام اوباتو وینستون» که‌درضمن‌تحصیلات دانشگاهی‌اش در آمریکا بااسلام آشنا شده بود، برخوردم. او پس ازآنکه کنجکاوی‌مرا برای پیداکردن مکتبی که‌سعادت انسان راتأمین کند دید، اسلام رابه من معرفی کرد.

اواز اسلام آنچنان برایم سخن گفت که من حس‌کردم گمشده‌ام راپیدا کرده‌ام. ازآن هنگام تاسال ۱۹۷٦ بمطالعه وبررسی اسلام ادامه دادم. برای من چنین کاری‌آسان نبود. بخصوص‌که درپی ازدست دادن شوهرم ناچار بودم قسمتی ازوقتم راصرف کارکنم تابتوانم زندگی خود وبچه‌ام را تأمین کنم. ولی شیفتگی‌من نسبت به‌حقیقت بیش از آن بود که اینگونه مسائل سد راهم شوند.

گفتم که حس کنجکاوی و شیفتگی من نسبت به‌حقیقت مرا وامیداشت به‌مطالعات خودم ادامه بدهم. باید اضافه‌کنم که درسالهای اخیر یك عامل مهم دیگر به‌میدان آمد و ضرورت این‌کار رابابیشترین‌تأکید به‌من نمایاند. درسالهای اخیر باروشنی هرچه بیشتر نیازخود وجامعه ژاپنی راکه درکام زندگی ماشینی فرورفته بود به‌یك دین پرمحتوا المس کردم. ماژاپنی‌ها با آنکه درعین ماشینی شدن تاحدودی سنتی ماندیم، اما بهرحال زندگی جدید احساس نیاز به معنویت رابسرعت درما متبلور ساخت.

سرانجام درسال ۱۹۷٦ تصمیم گرفتم اسلام راپپذیرم. همزمان بااین تصمیم بشدت مریض شدم. دربستر بیماری بزرگترین ناراحتی من این بودکه نکند بااین مریضی ازدنیا بروم و به آرزوی همیشگی‌ام یعنی اسلام آوردن نرسم. در چهارشنبهٔ هفته اول ژوئن درحالیکه کمی بهتر شده بودم به مسجد توکیو رفتم ولی کسی رادر آنجا نیافتم. روزجمعهٔ همان هفته دوباره به مسجد رفتم وموفق شدم مسلمان شوم.

در این دوسال که از مسلمان‌شدن من میگذردبه‌مطالعهٔ قرآن وکتابهائی دربارهٔ اسلام ادامه دادم وروز بروزعلاقه‌ام به‌این دین الهی بیشتر شد. اکنون هرچند درژاپن کسی را نمی‌یابم‌که بادلسوزی مطالب مورد علاقه‌ام رادربارهٔ قرآن برایم تشریح کند ولی‌خودم درحدآگاهیهایم‌به‌دیگران کمك میکنم تابااسلام آشنا شوند. تاکنون یکی ازهمسایه‌هایم در اثر تبلیغات من مسلمان شده ویکی دیگر ازآنها باعلاقمندی اسلام رابکمك من مطالعه میکنند.»

داستان اسلام آوردن این زن جستجوگر دوچیز رابخوبی نشان میدهد: یکی اینکه ماشین مردم ژاپن رابه جائی رسانده است که اکنون پوچی زندگی ماشینی منهای مذهب رالمس می‌کنند، ودیگر اینکه احساس نیاز به‌یك دین پاك‌و پرمحتوا که‌بافطرت بشرسازگار باشد در این مردم درحال تجلی میباشد. فطرت‌مردم ژاپن هرچه باشد یك فطرت دست نخورده است و برای پذیرش دینی‌که برمبنای فطرت

استوار است و خدای‌آن به‌هیچ چیز آلوده نگشته‌است آمادگی فراوان دارد.

این نکته رااز داستان مسلمان شدن یك مهندس جوان ژاپنی‌که درکوبه بااو آشنا شدم باگویائی فراوان میشود دریافت. او که ادریس ابده نام دارد دربارهٔ چگونگی اسلام آوردنش میگفت:

«ازآغاز جوانی‌که به مرحلهٔ رشد فکری میرسیدم، خوب میفهمیدم که این جهان باعظمت راخدائی است جز آنچه درشینتو و بودائیگری بما می‌آموزند. خدای اینهاآفریدهٔ اندیشهٔ انسان است ولی برای من روشن بودکه این دستگاه ظریف وپرراز ورمز اندیشه را آفریدگاری است‌که جهان باهمهٔ نظم وزیبائیش مخلوق اواست. به ادیان ومکتب های دیگر روی آوردم ولی هیچیك ازآنهارا آنگونه که من می‌پنداشتم باید باشد نیافتم. این خدا را تنها دراسلام پیدا کردم وازینرو این دین راباجان ودل پذیرفتم. این را هم بگویم که اسلام‌آوردن من پرشکوه‌ترین خاطرهٔ زندگی من است.»

راستی چه‌چیز جزفطرت پاك و نیالودهٔ این مهندس جوان اورا به اسلام، این‌دین فطرت، رهنمون شد؟ شما فکرمیکنید اگر پیامبران راستین این «دین پرنور الهی» فطرت پاك مردم ژاپن را هنگامیکه به «آسمان فیروزه‌ای رنگ پرستاره بالای سرشان وقوانین اخلاقی درونشان» میاندیشند یاری دهند تاباخدای اسلام آشنا شوند، این مردم ازعبودیت خدا سر باز میزنندو به‌خدایان پرستشگاههای شینتو و بودائیگری روی می‌آورند ؟!

دریغاکه مسلمانان درهیچ جای دنیا آنچنان که باید اسلام رادر رفتارشان به مردم جهان نمینمایانند و پاسداران دینمان هم به‌آنچه درجهت شناساندن اسلام به‌مردم جهان برعهده دارند کمتر توجه می‌کنند. تردیدی ندارم که اگر همت کنیم وعاری ازهر رنگی‌که

جز رنگ خدائی باشد به‌همراه تجدیدنظر دررفتارمان بشناساندن اسلام به‌مردم جهان ازجمله ژاپن بپردازیم، به گسترش این دین عزیز کمك مؤثری خواهیم کرد.

استقبالی‌که تاکنون مردم ژاپن ازاسلام کرده‌اند، تنها بـه اسلام ازدیدگاه برادران اهل تسنن مربوط بوده است. بی‌شك‌اگر آنها بابینش‌های مترقی تشیع و بخصوص فقه متحرك وزندگی ساز شیعه آشنا شوند، بیش از پیش به‌این دین پاك روی خواهند آورد.

اگر مامسلمانان به رسالتمان عمل کنیم روزی خواهد رسیدکه نه‌تنها مردم ژاپن بلکه مردم سراسر جهان به‌آرزوی دست یافتن به زندگی سعادتمندی که اسلام به‌آنها میدهد برای مسلمان شدن از یکدیگر سبقت خواهندگرفت. روزی‌که «یدخلون فی‌دین‌الله افواجا» باردیگر مصداق پیدا میکـند ودر آن روز مسلمانان راستین کـه منادیان پیام الهی به بشریت بوده‌اند باهمهٔ جان خود بـه تسبیح خدا می‌ایستند.

به امید آن روز .

فهرست مطالب